

به نام خدا



توسعه تأسیسات و تجهیزات

نشریه سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران

شماره استاندارد بین المللی: ۱۵۸-۱۷۳۵

زمستان ۱۳۹۹ / دوره جدید / شماره شصت و یکم

- مدیر مسوول: مهندس مصطفی امیری فر
- سردبیر: محمد حسین دانایی
- کمیسیون انتشارات و هیأت تحریریه (به ترتیب الفبای نام خانوادگی):
- دبیر تحریریه: منیژه فرهنگی
- مهندسان: همایون ابراهیمی، مصطفی امیری فر، احمد علی پیروفر،
- طراحی روی جلد: آریا برزن فروزان
- محمد مهدی تابع قانون، رضا حاج کریم، سید ابراهیم طاهری، مرتضی قضا،
- صفحه آرای: حسین شببانی، فاطمه بدیعی
- محمدرضا محمدآبادی کمره ای، مهدی مسعودی آشتیانی، سعید منوچهریان،
- لیتوگرافی: اطلس چاپ
- علی میرزایی
- مشاور عالی: مهندس منوچهر معتمدی کردستانی
- نشانی سندیکا: تهران - سعادت آباد - میدان کاج - خیابان نهم - پلاک ۱۸
- نظارت فنی: یازگرافیک
- تلفن: ۲۲۰۸۳۴۲۰ - ۲۲۰۸۳۷۶۵ - ۲۲۰۸۳۹۶۱ - ۲۲۰۸۳۹۵۹
- نمابر: ۲۲۰۸۴۰۳۰
- پایگاه اینترنتی: www.ismeic.org | ایمیل: towsaeh@ismeic.org

مطالب لزوماً نظر سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران نیست.

۹ همراه شو عزیزا

یادداشت

۱۰ بحران کرونا و آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی آن

ویژه

۱۹ مجمع عمومی عادی (به طور فوق العاده) سال ۱۳۹۹

صنفي

۲۲ مدل هفت S مکنزی چیست؟

۲۴ صنعت احداث، نظامات و مقررات، سازنده یا مخرب؟ / گزارش یک نشست خبری

۲۷ امروز کمیابند، به زودی نایاب خواهند شد

۲۸ چگونه پول پیمانکاران را پرداخت نکنیم!

۳۰ وضعیت کسب و کارها در ایران و جهان

۳۳ بحران «نامری» / گزارشی درباره کیفیت آب در جهان و ایران

فنی

۳۶ هشت نوآوری در حوزه انرژی

۴۰ رنگ خنک کننده

۴۱ کاربردی کردن مدیریت بحران

عمومی

۴۴ ساختار حکومت‌ها و سرنوشت ملت‌ها

۴۷ سالم‌ترین کشورها

۴۸ روشنفکری سازمانی

۵۱ زنجیره تحول

۵۲ طرح انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران

۵۴ ای کاش نخست جهل را نشانه گرفته بودیم...

۵۶ گلگشت

۵۸ سود یا زیان فرار مغزها

۶۱ اخبار



همراه شو عزیز!

مردم می‌پذیرند و از سوی دیگر، حاکمیت نیز با همدردی و حمایت‌های مادی و معنوی، غم‌خوار آحاد شهروندان خود می‌شود. در چنین فضایی، نه از لجاجت شهروندان خبری هست و نه از خودسری و خودمحوری حاکمیت.

بارها اعلام کرده‌ایم که ما فعالان حوزه فنی و مهندسی کشور، سربازان گمنام سازندگی هستیم، از جنس مردم و اصلاً خود مردم. پس مسوولان محترم! فرصت را غنیمت بشمارید، مشکلات را با ما و با مردم در میان بگذارید و یقین بدانید که به کمک شما خواهیم آمد. اما اگر اندکی بی‌اعتمادی پدید بیاید، همراهی همگانی را از دست خواهید داد و آنوقت هیچ گرهی را نمی‌توانید باز کنید.

این ویروس ناچیز به همگان ثابت کرد که فایده‌آمدن بر مشکلات، فقط به دست جمع امکان‌پذیر است، مولایمان می‌فرماید: *يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ*، یعنی دست خدا با جماعت است. پس بیاییم همگی - از ارکان و نهادهای حاکمیتی گرفته تا آحاد مردم - دست کم برای نابودی این ویروس با یکدیگر مهربانانه عهد ببندیم و همراه شویم. بهاری دیگر در راه است و بهار هم نویدبخش زندگی است. انتظار یکدلی و همراهی از حاکمیت با مردم، کمترین خواسته‌ای است که می‌تواند این بهار را زیباتر کند.

همراه شو عزیز، کاین درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود!

ه. ابراهیمی

همگان را ملزم به رعایت یک‌سری دستورالعمل‌های حداقلی کرده‌است. یکی از درس‌های بزرگ همه‌گیرشدن این ویروس ناچیز، این بوده که در هر سرزمینی که مردم و دولت با یکدلی و یکپارچگی با این قصه پرغصه برخورد کرده‌اند، توانسته‌اند جلوی شعله‌ورشدن آتش بیماری را بگیرند و در ساحلی نسبتاً امن آرام گیرند. طبق آخرین اطلاعات منتشره، پنج کشور اول دنیا که بهترین عملکرد را در برخورد با این بیماری داشته‌اند، عبارتند از: نیوزلند، ویتنام، تایوان، تایلند و قبرس. بدترین عملکرد هم مربوط است به برزیل، مکزیک، کلمبیا، ایران و ایالات متحده. کاملاً واضح است که در هر دو گروه هم کشورهای فقیر وجود دارند و هم کشورهای غنی. بنابراین، لزوماً وجود ثروت و تمکن مالی کشور نمی‌توانسته عامل خیلی مؤثری در کنترل بیماری باشد، چرا که ایالات متحده به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان در بین پنج کشور قعر جدول قرار گرفته‌است.

نقطه قوت کشورهای صدر جدول را شاید بتوان در همان دو عامل جستجو کرد: (۱) استفاده از فرصت، (۲) استفاده از اتحاد و یکدلی. این تجربه در حال گذار ثابت کرد که حکمرانی مطلوب مورد حمایت مردم و روح همدلی و همفکری بین دولت با مردم و مردم با مردم، بزرگترین ثروت قدرت‌آفرین برای مقابله با هرگونه بلا و مصیبتی است. آنجا که حاکمیت مطلوب و متحد با مردم، از شهروندان خود می‌خواهد تا موارد بهداشتی را رعایت کنند و دستورالعمل‌ها را به عنوان فرهنگ زندگی بپذیرند،

زمان تنها سرمایه گرانقدری است که در دست داریم. بزرگترین هنر زندگی هم استفاده از زمان و فرصت‌هایی است که در دسترس قرار دارند. جالب آنکه روزگار هم نسبت به کسانی که قدر زمان را بدانند و فرصت‌ها را از دست ندهند، فوق‌العاده مهربان است.

نکته بعد معجزه‌های است که اگر در روح و قلب‌مان اتفاق بیفتد، انوار شاد و پرشکوه خوش‌بینی و یکدلی بر دنیایمان خواهد تابید و همه جا را روشن خواهد کرد. به قول مرحوم ملک‌الشعرای بهار:

از جدایی بگذر و مأنوس باش

قطرگی بگذار و اقیانوس باش

جز به راه یکدلی سالک مباش

محو یکتایی شو و مُشْرک مباش

همگان واقفند که تمامی جهانیان و بالطبع تمام مردم کشورمان در یک کشتی سوارند و بر اقیانوسی ناآرام شناورند. اقیانوس جهان یکی است و هر تغییری در هر گوشه از این اقیانوس، مانند موجی است که امواج تغییرات بعدی را در تمام جهان ایجاد خواهد کرد. نظریه «اثر پروانه‌ای» هم می‌گوید: اگر در آن سوی جهان پروانه‌ای بال بزند، در این سوی جهان توفانی برپا خواهد شد!

همین کووید ۱۹ مثالی است زنده از این واقعیت: ویروسی که ظاهراً در یک بازار محلی نشر پیدا می‌کند و به سرعت سراسر جهان را در می‌نوردد و اکنون بیش از یک سال است که در حال جولان است و تمامی مردم جهان را به مبارزه طلبیده و



گزارش میزگرد ویژه

بحران کرونا و آسیب‌های اقتصادی - اجتماعی آن

(با تأکید بر موضوعات مرتبط با فعالان بخش خصوصی، به ویژه شرکت‌های پیمانکاری و مؤسسات مهندسی مشاور)

ویژه

• منیژه فرهنگی

اشاره

کووید ۱۹ به عنوان یک بیماری جهانگیر و همه‌شمول ناگهان نازل شد و حیات جامعه بشری را به شدت تحت تأثیر قرار داد. البته تأثیرات مخرب این همه‌گیری در همه جای دنیا یکسان نبوده و طبعاً در کشورهایی مانند کشور ما به علت ساختارهای معیوب اقتصادی - اجتماعی، صدمات بیشتری را بر معیشت و کسب و کار فعالان اقتصادی وارد کرده‌است. از این رو، «بحران کرونا و آسیب‌های اقتصادی - اجتماعی آن» با تأکید بر موضوعات مرتبط با فعالان بخش خصوصی، به ویژه شرکت‌های پیمانکاری و مؤسسات مهندسی مشاور را به عنوان موضوع میزگرد این شماره مجله توسعه در نظر گرفتیم.

این میزگرد که مدیریتش به عهده آقای محمدحسین دانایی، سردبیر مجله توسعه بود، به خاطر رعایت اصول ایمنی و پروتکل‌های بهداشتی، به صورت مجازی برگزار شد و شرکت‌کنندگان آن هم عبارت بودند از: دکتر حمیدرضا سیفی، دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران - دکتر رضا حاج کریم و مهندس منوچهر مشکات، اعضای هیأت مدیره و مهندس همایون ابراهیمی، دبیر سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران.

توسعه تاسیسات و تجهیزات

میزگرد را به شرح زیر اعلام کرد:

- * محور اول - شناخت و معرفی کیفیت و کمیت آسیب‌های ناشی از کرونا
- * محور دوم - مروری بر عملکردها و ارزیابی آنها
- * محور سوم - چشم‌اندازهای آینده و پیشنهادها

محور اول

شناخت و معرفی کیفیت و کمیت آسیب‌ها

سردبیر مجله توسعه محور اول بحث میزگرد را با طرح یک سوال از دکتر رضا حاج کریم،

حال، چه میراثش ویرانی باشد، چه آبادانی، اکثر نظریه‌پردازان و تحلیلگران حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معتقدند که ورود این پدیده به جامعه بشری، شکنندگی بیش از حد دنیای ما را نشان داد و پیامدهایش هم آنچنان وسیع و عمیق خواهد بود که باید آن را به منزله یک نقطه عطف تاریخی بحساب بیاوریم، نقطه عطفی که تاریخ تمدن بشر را به دو مقطع «پیش از کرونا» و «پس از کرونا» تقسیم خواهد کرد.

سردبیر مجله توسعه سپس محورهای بحث

مقدمه

در ابتدای این نشست، سردبیر مجله توسعه به عنوان مقدمه گفت: کرونا در مرحله اول مثل یک ضدقهرمان وارد زندگی بشر شد، ضدقهرمانی که می‌خواهد همه ساخته‌ها و پرداخته‌ها و دستاوردهای تمدنی و فرهنگی بشر را ویران کند، اما شاید در فاز بعدی به صورت یک قهرمان ظاهر شود، قهرمانی که ویرانی‌ها را آباد و خرابی‌ها را ترمیم خواهد کرد؟ به هر

سخت و مشقت‌باری داشته و خسارات مستقیم و غیرمستقیم موج اول کرونا به اقتصاد جهانی بالغ بر هزار میلیارد دلار برآورد شده‌است. اقدامات پیشگیرانه یا جبرانی، از جمله تعطیلی مشاغل و کسب و کارها و محدودیت تردد و رفت و آمدها هم خسارات بسیار هنگفتی را به اقتصاد جهان وارد کرده و فقر و بیکاری و تنگنای معیشت، بسیاری از افراد را در سراسر دنیا تهدید می‌کند. وی همچنین به نقل از مصاحبه سخنگوی دولت در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۰ اظهار داشت که در شوک نخست کرونا، دست‌کم یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل دچار آسیب شده و یک میلیون و ۳۰۰ هزار شغل هم در معرض تهدید قرار گرفته‌اند و در پی آن، یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر شاغل هم بیکار شده‌اند.



دکتر رضا حاج کریم: اقدامات دولت هیچ تأثیر مثبتی بر فضای کسب و کار صنعت احداث نداشته و علیرغم خسارات سنگینی که به بنگاه‌های اقتصادی وارد شده، دولت تا کنون هیچ حمایتی از مانکرده‌است.

عضو هیأت مدیره سندیکا آغاز کرد، بدین شرح: با توجه به این واقعیت که شیوع و همه‌گیری بیماری ناشی از ویروس کرونا، مزید بر مسایل و مشکلات قبلی فعالان اقتصادی بخش خصوصی شده و اقتصاد نحیف کشور را به مرحله خطرناکتری کشانده و آمارهای تکان‌دهنده راجع به مبتلایان و درگذشتگان این بیماری هم باعث نگرانی و هراس عمومی شده‌است، لطفاً بفرمایند که این بحران به طور خاص چه نوع و چه مقدار آسیب و خسارت برای فعالیت‌ها و کسب و کارهای بخش خصوصی و به طور خاص، برای شرکت‌های پیمانکاری و مهندسی مشاور کشورمان داشته است؟

آسیب‌پذیری شدید صنعت احداث

دکتر حاج کریم، عضو هیأت مدیره سندیکا، در پاسخ به این سوال گفت: دامنه تأثیر کرونا به وسعت انبای بشر بر روی کره زمین است و طبیعتاً هر چه تعداد ذینفعان در یک صنعت و تجارت بیشتر باشد، آسیب‌پذیری هم بیشتری خواهد شد. بر همین اساس، صنعت احداث، یعنی نظام فنی و اجرایی کشور، شامل مشاوران، پیمانکاران و سازندگان که جامعه‌ای بالغ بر ۲/۲ میلیون نفر هستند و با احتساب خانوارهای وابسته، به حدود ۱۲ میلیون نفر بالغ می‌شوند، آسیب بسیاری از کرونا دیده‌اند. وی سپس در مورد نحوه تأثیرگذاری گفت: وقتی که یکی از پرسنل یک شرکت خصوصی پیمانکار یا مشاور به کرونا مبتلا شود، باید فرد دیگری جای او را بگیرد و به این ترتیب، روی فعالیت شرکت اثر می‌گذارد. دورکاری کارکنان که به عنوان یکی از گزینه‌های برون‌رفت از بحران معرفی شده و یا لزوم حفظ فاصله اجتماعی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در کارخانه‌ها و کارگاه‌های عمرانی هم هزینه‌های مدیریتی و هزینه‌های حاکمیت شرکتی را به شدت بالا می‌برند. این مشکلات به این علت حادث می‌شوند که راندمان نفرت شاغل در شرکت‌ها یا کارگاه‌ها پایین می‌آید و از آنجا که تمام بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌های کار در صنعت احداث مبتنی بر عملکرد نیروی

تأثیرات همه‌جانبه کرونا بر صنعت احداث

در این بخش از میزگرد دکتر حمیدرضا سیفی، دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی، در مورد آسیب‌های کرونا بر فعالیت شرکت‌های پیمانکاری گفت: در کشور ما، همه دولت‌ها طوری بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی می‌کردند که حوزه عمرانی در ته صف قرار می‌گرفت و هر وقت پول کم می‌آوردند، به سراغ اعتبارات عمرانی می‌رفتند. بدیهی است که پس از شیوع کرونا، به هزینه‌های دولت اضافه شده و برای جبران آن، باز هم بخش عمرانی مورد تجاوز قرار گرفته و بودجه‌های عمرانی را کاهش داده‌اند.

دکتر سیفی همچنین گفت: در شرایط کرونا دولت برای همه صنایع و اصناف امتیازاتی را قایل شده، ولی صنعت احداث کشور تا کنون از این امتیازات بی‌بهره بوده‌است. بنابراین، شرکت‌های حوزه نظام فنی و اجرایی که قبل از کرونا هم دچار محدودیت‌هایی بودند و نمی‌توانستند قانونمند کار کنند، حالا باید در فشار مضاعف ناشی از کرونا کار کنند. به عنوان مثال، شرکت‌های حوزه عمرانی همچنان باید مطابق قراردادهای دارای زمان‌بندی کار کنند، در حالی

انسانی هستند، لذا این امر باعث افت شدید راندمان شرکت‌ها می‌شود.

دکتر حاج کریم سپس تأکید کرد که تحریم‌ها، تورم بی‌سابقه، عدم ثبات نرخ ارز و عدم قطعیت‌های مختلف حاکم بر فضای اقتصادی کشور نیز مسایل غامضی هستند که وقتی به مشکلات ناشی از اپیدمی ویروس کرونا اضافه می‌شوند، یک برهم‌نهی اتفاق می‌افتد که وضعیت نزار فعلی صنعت احداث را رقم زده‌است. این عضو هیأت مدیره سندیکا همچنین گفت: به نظر من، مجموعه صنعت احداث، جزو آسیب‌پذیرترین صنوف است، هر چند که ممکن است مشکلات صنف ما، مثل مشکلات مشاغل مرتبط با توریسم و گردشگری به چشم عامه مردم نیاید، اما بهر حال، حجم آسیب‌های وارده به صنعت احداث، بسیار فراتر از سایر صنوف خدماتی است، زیرا سازمان‌های صنعت احداث، نیروی انسانی محور هستند و در این دوره بسیار آسیب‌پذیر شده‌اند.

آقای دانایی هم در ادامه این بحث به ذکر آمارهایی در باره خسارات وارده به اقتصاد جهانی و افزایش بیکاری پرداخت و گفت: در آخرین گزارش کنفرانس تجارت و توسعه (آنکتاد) در سال ۲۰۲۰ ذکر شده‌است که اقتصاد جهان سال



آقای محمدحسین دانایی: در میانه غوغای کرونا، هیچ نوع نگاه فراگیر و ایران‌شمولی وجود ندارد که بتواند همه طبقات و گروه‌ها و اصناف را دربربگیرد و مشکلات همگانی را پدرا نه ببیند و برای آنها راه حل پیدا کند.

سازمان برنامه و بودجه - وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - نظام بانکی - سازمان امور مالیاتی - سازمان تأمین اجتماعی و... برای جلوگیری از گسترش این بحران و جبران آسیب‌های وارده به بخش خصوصی، چه تدابیری را اتخاذ کرده‌اند و چه کارهایی را انجام داده‌اند؟ آیا این اقدامات فایده‌ای هم داشته و منتج به نتیجه قابل قبولی شده، یا ضعیف و ناکافی بوده‌است؟

وی سپس از دکتر سیفی خواست که در باره نقاط قوت و ضعف و نارسایی‌های اینگونه تدابیر و عملکردها توضیح بدهد.

کرونا، هیچ تغییری در رویه مسوولان ایجاد نکرده

دکتر سیفی ضمن گلایه کلی از عملکرد سازمان‌های دولتی گفت: در دنیا سطح بلوغ نهاد‌های دولتی و سازمان‌های خصوصی از یک تا پنج رتبه‌بندی شده‌است. در این رتبه‌بندی، سطح بلوغ سازمان‌های دولتی ما معادل ۱/۵ و رتبه بخش خصوصی نزدیک به دو است.

کار ساده‌ای نیست و بر مشکلات می‌افزاید. وی همچنین خاطرنشان ساخت که تا قبل از کرونا، با وجود همه مشکلات، امکان استفاده از پتانسیل صدور خدمات فنی و مهندسی وجود داشت، ولی محدودیت سفر به کشورهای دیگر به علت کرونا، این امکان را هم از دسترس خارج کرده و موسسات فنی و مهندسی را دچار مشکل مضاعف نموده‌است.

مهندس منوچهر مشکات، عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران نیز در مورد آسیب‌های کرونا بر فعالیت شرکت‌های پیمانکاری گفت: وقتی که در یک کارگاه ۱۵۰ نفری یک مورد ابتلا به کرونا دیده می‌شود، کارگاه سه روز تعطیل می‌شود و یک هزینه حدود ۶۰۰ هزار تومانی برای تست کرونا، هر یک از کارکنان به شرکت تحمیل می‌شود. علاوه بر این، کارکنان هم به خاطر ترس از بیماری حاضر نیستند به سر کار بیایند و در نتیجه، ضررهای مادی و معنوی و روانی بیشتری به فعالیت کارگاه وارد می‌شود. متأسفانه مسوولان نظام فنی و اجرایی هم توجهی به این مسایل ندارند.

مهندس همایون ابراهیمی، دبیر سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران نیز فشار روانی کرونا بر مدیران شرکت‌ها را از دیگر آثار سوء پاندمی کرونا دانست و گفت: مدیری که مجموعه‌ای را اداره می‌کند، علاوه بر مسوولیت حرفه‌ای و مدنی، مسوولیت انسانی هم دارد و لذا مدام نگران آن است که مبدا به علت الزام پرسنل به حضور در محل کار، باعث بیماری آنها و به خطر افتادن جان‌شان بشود.

محور دوم

مروری بر عملکردها و ارزیابی آنها

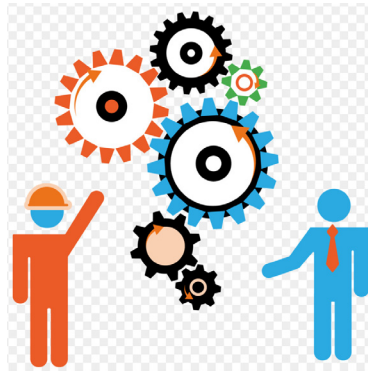
در این بخش از میزگرد آقای دانایی، ضمن ورود به محور دوم بحث در مورد عملکردها و ارزیابی آنها گفت: می‌خواهیم ببینیم که نیروهای حکومتی و دولتی، همچون قوای سه‌گانه، به ویژه



دکتر حمیدرضا سیفی: در شرایط کرونا دولت برای همه صنایع و اصناف امتیازاتی را قایل شده، ولی صنعت احداث کشور تا کنون از این امتیازات بی‌بهره بوده‌است.

که تمام تشکیلات دولتی مرتبط با کار آنها تعطیل و نیمه‌تعطیل شده‌اند و طبیعتاً شرکت‌های صنعت احداث هم نمی‌توانند به طور معمول کار کنند و به زمان‌بندی اجرای پروژه برسند و به‌ناچار هم هزینه‌های سربارشان بیشتر می‌شود و باید هزینه‌های انسانی را دوبرابر پرداخت کنند و هم باید خسارت تأخیر بدهند، این در حالی است که به دلیل تقلیل بودجه‌های عمرانی، مطالبات قبلی‌شان را نتوانسته‌اند از کارفرما بگیرند و به‌شدت در تنگنای کمبود نقدینگی قرار دارند.

دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی تصریح کرد که با ادامه چنین روندی، شرکت‌های پیمانکاری که تا دیروز به علت شاخص‌های نادرست ضرر می‌دادند و به دلیل کرونا هزینه‌های بیشتری هم به آنها تحمیل شده بود، اکنون مطالباتشان هم داده نمی‌شود و مشکلاتشان نسبت به سایر صنایع دوچندان خواهد شد. به عبارت دیگر، چون صنعت احداث کشور بالاترین منابع انسانی و اشتغال را دارد، طبیعتاً وقتی که بنگاه‌های اقتصادی دچار مشکل می‌شوند، منابع انسانی و تشکل‌های فنی و مهندسی هم دچار مشکل خواهند شد، ضمن آنکه اگر یک شرکت تعطیل بشود، راه‌اندازی مجدد آن و جمع‌آوری منابع انسانی مورد نیاز هم



مملکت فقط مال دولت و دولتیان نیست، بلکه بخش خصوصی هم در این خانه سهمی و حقی دارد.

صبر و طاقت و انگیزه انسان‌ها برای ادامه فعالیت هم یک حدی دارد.

بار مشکلات ناشی از کرونا بر دوش خود ماست

مهندس مشکلات هم با ابراز نارضایتی از عملکرد مسوولان در زمینه کاستن از مشکلات ناشی از کرونا گفت: هر وقت که مشکلی پیش می‌آید، مسوولان کشور مردم را موظف به انجام کارهایی می‌کنند، بدون اینکه به عواقب آن بیندیشند. به عنوان مثال، در جریان کرونا، مدام به مردم گفتند که باید کسب و کارشان را تعطیل کنند و در خانه‌هایشان بمانند، ولی هیچکس نگفت که در آن صورت، مردم هزینه زندگی‌شان را از کجا بیاورند؟ در حالی که می‌توانستند یک حقوق حداقلی را به همه پرداخت کنند تا مردم با خیال آسوده برای مدتی در خانه بمانند تا شدت اپیدمی کمتر شود. بنابراین، من در دوره اپیدمی کرونا، هیچ نکته مثبتی در عملکرد مسوولان و مسوولیت‌پذیری آنها ندیده‌ام و همه بار مشکلات هم که با پیدایش کرونا چند برابر شده، بر دوش خودمان بوده و هست.

مهندس مشکلات که به عنوان عضو هیأت مدیره سندیکا در کارگروه بررسی آثار کووید ۱۹ بر پروژه‌ها در سازمان برنامه و بودجه هم

به همین علت، سازمان‌های دولتی که سطح بلوغشان کمتر از سطح بلوغ بخش خصوصی است، همیشه مانع بوجود می‌آورند. به طور خاص سازمان‌های دولتی و موسسات بانکی و مالی که قبلاً به عنوان و توجیهات مختلف کار نمی‌کردند، امروز کرونا بهترین زمینه برای تعطیل شدن علنی کارشان شده و در نتیجه، اگر قبل از کرونا پرداخت یک صورت‌وضعیت مثلاً دو یا سه ماه طول می‌کشید، حالا شش ماه طول می‌کشد و شیوع کرونا هم این تأخیرهای مخرب و نابودکننده را توجیه می‌کند!

دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی همچنین گفت: کرونا برای همه دنیا مانند یک زلزله بود و خیلی چیزها را تغییر داد، اما باعث هیچ تغییری در نظام فنی و اجرایی کشور ما نشد، یعنی نه زمان مکاتبات، نه زمان تعیین شاخص‌های تعدیل، نه زمان اجرای پروژه‌ها، هیچ تفاوتی با شرایط قبل از کرونا نکردند و هزینه‌های مضاعف ناشی از کرونا عملاً تنها به پیمانکاران تحمیل شد. به همین علت، از مدتی قبل، نمایندگان تشکلهای پیمانکاری در گفتگو با مسوولان نظام فنی و اجرایی برای تعیین ضریب کرونا در پروژه‌ها تلاش کرده‌اند، ولی تا به حال این تلاش‌ها بی‌نتیجه بوده‌است. به عبارت دیگر، یک طرف عملاً گوشش را کاملاً بسته و در هیچیک از رویه‌هایش هیچ تغییری را بوجود نمی‌آورد و با توجیه وضعیت کرونایی و به عنوان دورکاری، ارایه خدمات ناچیز را هم کاهش داده، ولی از طرف دیگر، پیمانکار را مجبور می‌کند که پروژه را مطابق زمان‌بندی مقرر در قرارداد جلو ببرد!

وی همچنین گفت: اگر پس از گذشت ده ماه از اپیدمی کرونا، ضریب کرونا برای جبران هزینه‌های اضافی به پیمانکار داده نشود، نابود می‌شود. چنانکه تعداد زیادی از شرکت‌های قدرتمند کشور به نقطه‌ای رسیده‌اند که دیگر قادر به حرکت نیستند و به ناچار تعطیل کرده‌اند. بسیاری از شرکت‌های هنوز فعال هم می‌گویند که تنها به علت اعتقاد ملی و برای جلوگیری از بیکارشدن پرسنل، شرکت را تعطیل نمی‌کنند، ولی باید توجه داشت که

حضور داشته، ضمن ارایه گزارشی از اقدامات این کارگروه گفت: در تاریخ ۹۹/۱/۱۷ نمایندگان تشکلهای مهندسی کشور که متوجه پیامدهای حمله کرونا و مشکلات احتمالی آن شده بودند، در جلسه‌ای در سازمان برنامه و بودجه با حضور دکتر نوبخت، این مسایل و مشکلات صنعت احداث را تذکر دادند و قرار شد که بخش خصوصی فعالانه مشکلات را بررسی کند. به دنبال آن هم دو گروه تشکیل شد: (۱) گروه بهداشت و (۲) گروه قراردادهای. در این دو گروه یکی از بهترین همکاری‌ها میان نظام فنی و اجرایی کشور و بخش خصوصی شکل گرفت و با تشکیل مرتب جلسات، مسایل و مشکلات صنعت احداث مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج بحث‌ها هم به صورت مدون به مسوولان نظام فنی و اجرایی ارایه شد و مورد تحسین آنان هم قرار گرفت، ولی تا کنون هیچ قدمی در جهت عمل به نتایج آن مطالعه برداشته نشده‌است.

فقدان نگاه جامع و کامل به بحران کرونا

در این بخش از میزگرد آقای دانایی با اشاره به سخنان مهندس مشکلات در خصوص مسوولیت‌گریزی مسوولان کشور گفت: صحبت‌های شما مرا به یاد سخنان دبیرکل سازمان ملل متحد در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی انداخت. آنتونیو گوترش در این مصاحبه گفته‌است: «ویروس کرونا باعث ایجاد سونامی نفرت و هراس‌افکنی و مقصرانگاری در دنیا شده، که بدترین خصلت‌های بشر می‌باشند. در نتیجه این وضعیت، چندجانبه‌گرایی در دنیا تضعیف شده و حالا همه می‌پرسند که آیا سازمان ملل و دبیرکلش قدرت این را دارند که در این زمینه کاری را انجام بدهند؟» آقای دبیر کل در ادامه گفته‌است که تنها راه مبارزه با این بیماری، همدلی و کار هماهنگ است و «بدون تردید، برای یافتن پاسخی صحیح و قانع‌کننده به این سوال، باید قدرت جهل را به چالش بکشیم و راه ورود علم به ساحت تصمیم‌گیری را هموار سازیم.»

سردبیر مجله توسعه در ادامه گفت: اگر این

سخنان هشداردهنده آقای گوتزش را در تراز ملی نگاه کنیم، مصادیق آن را به فراوانی و وضوح کامل در داخل کشور خودمان می‌بینیم، یعنی آنچه در میان این غوغا بیش از همه مطرح است و دیده می‌شود، گروه‌گرایی، بخشی‌نگری و قبیله‌گرایی است و هیچ نوع نگاه فراگیر و ایران‌شمولی وجود ندارد که بتواند همه طبقات و گروه‌ها و اصناف را دربرگیرد و کسی هم وجود ندارد که بتواند مشکلات همگانی را پدرا نه ببیند و برای آنها راه حل پیدا کند. در واقع، یکی از شاخصه‌های حاکمیت‌های فاقد صلاحیت همین است که نمی‌توانند یک نگاه جامع و کامل داشته باشند و همه را به یک چشم ببینند. وی در ادامه تصریح کرد: یک واقعیت تلخ دیگر هم در این میان دیده می‌شود و آنهم سوءاستفاده حکومت‌های فاقد مشروعیت سیاسی است، یعنی از یک طرف، ناکارآمدی خودشان را به گردن دشمن جدیدی به نام «کرونا» می‌اندازند و از طرف دیگر، به بهانه وضعیت فوق‌العاده، سرکوب و برخورد با نیروهای مخالف خودشان را شدت می‌بخشند.

دولت هیچ حمایتی نکرده

در این بخش از میزگرد دکتر حاج کریم ضمن نقد عملکرد دولت در کاهش تأثیرات سوء کرونا بر فعالیت شرکت‌های پیمانکاری گفت: به طور کلی، اقدامات دولت هیچ تأثیر مثبتی بر فضای کسب و کار صنعت احداث نداشته، یعنی تا امروز، علیرغم خسارات سنگینی که به بنگاه‌های اقتصادی وارد شده، دولت هیچ حمایتی از ما نکرده است.

این عضو هیأت مدیره سندیکا در ادامه انتقاد از عملکرد دولت گفت: واقعیت آن است که بنگاه‌های ما در شرایطی با کووید ۱۹ مواجه شدند که قبل از آن بر اثر شرایط محیطی دیگر به اندازه کافی آسیب دیده بودند و کرونا هم مصیبت مضاعفی را به بنگاه‌ها وارد کرد. حالا فکر می‌کنید در این شرایط، چه کسی بیشتر آسیب می‌بیند؟ ممکن است در پاسخ بگویید: بنگاه، ولی اینطور نیست، چون بنگاه نهایتاً

ممکن است تعطیل شود، مانند تعداد زیادی از شرکت‌های صنعت احداث که در یک سال گذشته تعطیل شده‌اند. اما آسیب بزرگ این شرایط، متوجه کل کشور و جامعه می‌شود، چون کشور ما از لحاظ تعداد فارغ‌التحصیل رشته‌های مهندسی در دنیا دارای رتبه سوم است و سالانه حدود ۲۳۷ هزار نفر در رشته‌های مهندسی از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما با وجود ۴۰ هزار شرکت مهندسی و بودجه عمرانی اندکی که هیچوقت هم به طور کامل تخصیص پیدا نمی‌کند، این خیل عظیم تحصیلکرده‌های فنی و مهندسی که سرمایه‌های واقعی کشور می‌باشند، بازار کاری در داخل پیدا نمی‌کنند و ناچار به فکر مهاجرت می‌افتند، و این همان زیان جبران‌ناپذیری است که بر جامعه و ملت تحمیل می‌شود و مسوولان محترم هم به روی مبارکشان نمی‌آورند!

وی همچنین گفت: اخیراً بخشنامه‌ای صادر شده در مورد تعویق پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی پرسنل که در هیأت مدیره سندیکا ما هم مطرح شد و نظر قریب به اتفاق اعضا آن بود که این بخشنامه پس از ابلاغ آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه، به شرکت‌های عضو سندیکا اطلاع‌رسانی شود. چندی بعد آیین‌نامه‌های اجرایی این بخشنامه ابلاغ شد و دیدیم که حتی صنوف فرعی، تجملی و حاشیه‌ای در آن دیده شده‌اند، ولی نامی از پیمانکار و مشاور برده نشده است! این بدان معناست که دولت نسبت به بحران بزرگترین جامعه اشتغال‌زای کشور که اشتغال میلیونی در سطح کشور دارد، بی‌تفاوت است و هیچکس به فکر نیست و هیچ اقدامی هم صورت نمی‌گیرد!

دکتر حاج کریم در ادامه گفت: در همه نقاط دنیا، رقم بسته نجات مقابله با کرونا، تابع یک قاعده بین‌المللی مشخص و درصدی از GDP کشورهاست، مثلاً در آلمان و آمریکا این رقم، ۱۰ درصد، در کره جنوبی هشت درصد و در امارات متحده عربی هشت درصد است، اما در کشور ما با GDP حدود ۵۰۰ میلیارد دلاری،

برای این منظور تنها اجازه برداشت دو میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی داده شده که آنهم به طور کامل تخصیص پیدا نکرده است. نکته تأسفبارتر آن است که حتی یک ریال یا یک دلار از منابع برداشت‌شده از صندوق توسعه ملی، برای نجات شرکت‌های صنعت احداث که مسوول توسعه زیرساخت‌ها و پیشران توسعه کشور هستند، صرف نشده است. بنابراین، دولت نه تنها به بخش خصوصی کمک مالی و غیرمالی، مانند استمهال بدهی تأمین اجتماعی و یا بدهی مالیاتی نکرده و نمی‌کند، بلکه حتی وقتی که بخش خصوصی حاضر است سرمایه‌اش را بیاورد و برای خاتمه پروژه‌های ناتمام با دولت مشارکت کند، باز هم دولت حاضر به همکاری نیست و قدمی بر نمی‌دارد.

این عضو هیأت مدیره سندیکا سپس با گلایه از عدم همکاری دولت با صنعت احداث در بخش صدور خدمات فنی و مهندسی گفت: از اواسط جنگ جمهوری آذربایجان با جمهوری ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ، مشخص بود که جمهوری آذربایجان برنده جنگ خواهد بود، ولی حکومت ایران، از بازپس‌گیری اراضی و اعاده آنها به جمهوری آذربایجان حمایت می‌کرد. بعداً مشخص شد که حتی قرار است یک جمعیت چندصدهزار نفری از نقاط مختلف جمهوری آذربایجان به منطقه قره‌باغ کوچ کنند، یعنی به منطقه‌ای که به واسطه سال‌ها اشغال نظامی توسط ارمنستان، هیچ زیرساخت مناسبی ندارد و نیازمند مدرسه، راه‌آهن، مسکن، فرودگاه و زیرساخت‌های انرژی است. اما دولت ایران به جز دو مصاحبه سفیر جمهوری اسلامی برای حضور شرکت‌های ایرانی در قره‌باغ، هیچ کار دیگری نکرد، ضمن آنکه این دو مصاحبه هم در شرایطی انجام شد که شرکت‌های ترکیه‌ای کارگاه‌هایشان را در قره‌باغ تجهیز نموده و کارشان را شروع کرده بودند! در حالی که شرکت ایرانی به علت بحران جهانی کرونا، هنوز نمی‌تواند برای ورود به قره‌باغ ویزا بگیرد و به علت تحریم‌ها هم نمی‌تواند در بانک



اگر پیمانکار سر پا نباشد، صدها شغل و هزاران شاغل بیکار می‌شوند و با تعویق و تعطیل پروژه‌های زیربنایی و عمرانی، عملاً گودال عقب‌ماندگی جامعه عمیق‌تر خواهد شد.

فرمان‌پذیری را در پیمانکاران ایجاد می‌نماید. لذا بد نیست که مدیران تشکل‌های فنی و مهندسی به فکر این موضوع هم باشند و از طریق رسانه‌های جمعی و مکاتبات اداری و جلسات کاری دیگر، به تدریج از کاربرد اینگونه واژه‌ها پرهیز کنند، شاید به تدریج ادبیات صحیح و تازه‌ای به جای دیدگاه‌های سنتی قبلی بنشیند و جامعه و مسوولان حکومتی متوجه این واقعیت بشوند که مملکت فقط مال دولت و دولتیان نیست، بلکه بخش خصوصی هم در این خانه حقی و سهمی دارد.

ارزیابی عملکرد نهادهای غیردولتی

پس از آنکه شرکت‌کنندگان در میزگرد نظریاتشان را در مورد عملکرد نهادهای دولتی در رابطه با بحران کرونا ابراز کردند، سردبیر مجله توسعه ضمن درخواست از حاضران برای بیان ارزیابی‌شان از عملکرد نهادهای غیردولتی - اعم از نهادهای علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مؤسسات خیریه - سوال کرد: آیا اصولاً اینگونه نهادها برای برخورد و مقابله با این قبیل بحران‌ها مسوولیتی دارند، یا خیر؟ چنانچه پاسخ در باره مسوولیت اجتماعی

قبل از کرونا، با وجود همه مشکلات، امکان استفاده از پتانسیل صدور خدمات فنی و مهندسی وجود داشت، ولی محدودیت سفر به کشورهای دیگر به علت کرونا، این امکان را هم از دسترس خارج کرده و موسسات فنی و مهندسی را دچار مشکل مضاعف نموده‌است.

پیمانکاران بخش خصوصی، تا حدودی ناشی از نگاه حاکمانه نسل اولیه مدیران سازمان برنامه است، یعنی کارشناسان طرح مارشال و مسوولان اجرای اصل چهار ترومن. به عبارت دیگر، جو و فضای بعد از جنگ جهانی دوم و حضور امریکا به عنوان برنده نهایی جنگ باعث شد که در اسناد و متون قانونی مربوط به اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، کلمات و عباراتی بکار گرفته شود که چنین تصویری را بوجود می‌آورند. به عنوان نمونه، واژه «کارفرما» یک اثر روانی دارد و احساس مالکیت و حاکمیت و فرمانفرمایی را در کارکنان دولت و متقابلاً احساس فرودستی و

حساب باز کند و به خاطر عدم عضویت ایران در FATF نمی‌تواند تبادلات مالی داشته باشد! در کدام دوره از ادوار تاریخی این مملکت اینهمه حمایت و همراهی دولت با بخش خصوصی دیده شده‌است؟

جُربُزه حاکمیت!

مهندس ابراهیمی نیز در مورد عملکرد سازمان‌های دولتی برای جلوگیری از گسترش بحران کرونا و جبران آسیب‌های وارده به بخش خصوصی گفت: ما در تاریخ ۱۰ اسفند سال ۹۸ اولین نامه صنعت احداث در مورد کرونا را به آقای جهانگیری نوشتیم و در آن نامه پیش‌بینی کردیم که بحران کرونا در یک هفته و یک ماه تمام نمی‌شود. پس الان که هنوز بحران بر ما مستولی نشده و فرصت داریم، دست به کار شویم و نگذاریم که دیر بشود و فرصت‌ها از دست بروند. ولی فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاد؟ هیچ! حتی دو-سه هفته قبل، بخشنامه‌ای از سوی هیأت دولت صادر شد که راهکارهایی را برای صنوف مختلف مطرح کرده بود، ولی همانطور که قبلاً اشاره شد، در مورد صنعت احداث هیچ چیزی در آن بخشنامه دیده نمی‌شد.

دبیر سندیکای تأسیسات در ادامه سخنان خود بی‌عملی حاکمیت در مقابل تشدید بحران دامنگیر صنعت احداث را سرزنش کرد و گفت: تصور من این است که لازمه انجام هر کاری، اراده است و اعمال اراده هم نیازمند اولاً امکانات، مقدرات و لجستیک و بعد هم جُربُزه است و من گمان می‌کنم که حاکمیت در برابر مشکلاتی که برای ما ایجاد شده، نه مقدرات و پول و امکانات دارد، و نه جرأت انجام کار، چون اگر جرأت داشت، مقدرات و امکانات را به هر نحوی که شده، تأمین می‌کرد.

آقای دانایی هم در مورد علت و سابقه نگاه تحکم‌آمیز دولت به پیمانکاران، به یک نکته ادبیاتی - روانشناختی اشاره کرد و گفت: نوع نگاه و تلقی فعلی دولت و دولتیان نسبت به



مهندس همایون ابراهیمی: اگر سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، در جایگاه طبیعی و حقیقی خودشان قرار داشتند و به وسیله دولت سرکوب و تضعیف نمی‌شدند، آنگاه قدرت عمل بیشتری می‌داشتند و می‌توانستند به کمک دولت بیایند.

حال انجام است و تلاش می‌کنیم که به تدریج صدایمان را بلندتر کنیم و نقش فعالانه‌تری را در عرصه عمومی به عهده بگیریم.

دکتر سیفی نیز در مورد علل ضعف عملکرد تشکل‌های فنی و مهندسی گفت: واقعیت این است که با وجود شرکت‌های قوی و انسان‌های توانمند در صنعت احداث، ما تشکل‌های فنی و مهندسی قوی و یکپارچه نداریم. چون برای از بین بردن ضعف فرهنگ کار جمعی، تقویت اتحاد و اتکا به نیروی خودمان کار زیادی نکرده‌ایم و به همین علت هم اعضای تشکل‌ها حاضرند چند صد میلیون تومان به مأمور شهرداری و یا ناظر پروژه پول بدهند، تا مشکلمان سریعتر حل شود، ولی برای پرداخت مبلغ جزیی شهریه سالانه انجمن‌های خودشان طفره می‌روند. اینها مسایلی است که باید مورد توجه مسوولان تشکل‌ها قرار بگیرد و روی آنها کار کنند تا به خودباوری لازم برسیم.

وی در ادامه سخنان خود به اهمیت استفاده

باید کاری بکند. به عنوان مثال، باید برای جبران کسری بودجه از نهادهایی که مالیات نمی‌دهند، مالیات بگیرد تا طرح‌های عمرانی راه بیفتند. البته در بعضی موارد از سوی مدیران تشکل‌های غیر دولتی همدردی‌های لفظی دیده شده و در بعضی موارد هم به صراحت وجود مشکلات را انکار کرده‌اند و حتی برخی از آنان معتقدند که پیمانکاران خیلی چاق شده‌اند و بهتر است که در این دوره کمی رژیم بگیرند تا چربی‌های اضافی‌شان آب شود! این عضو هیأت مدیره در ادامه تصریح کرد که موضوع فقط نجات پیمانکاران از بدبختی نیست، بلکه هدف اصلی ما نجات مملکت از بدبختی و سقوط بیشتر است، چون اگر پیمانکار سر پا نباشد، صدها شغل و هزاران شاغل بیکار می‌شوند و با تعویق و تعطیل پروژه‌های زیربنایی و عمرانی، عملاً گودال عقب‌ماندگی جامعه عمیق‌تر خواهد شد.

مهندس ابراهیمی نیز در مورد عملکرد نهادهای غیردولتی گفت: وقتی که حاکمیت به جز حلقه نزدیکان، سایرین را «غیر» می‌داند و برای نهادهای مدنی، تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و صنفی اهمیتی قایل نیست، طبعاً برنامه‌های این تشکل‌ها به یکسری کارهای فرعی و دم دستی محدود می‌شود و ناچار برای کاهش فشارها و نجات از این وضعیت، به سوی مطبوعات و فضای مجازی روی می‌آورند تا از امکانات و حمایت‌های آنها برخوردار شوند و صدایشان را به گوش مسوولان برسانند. بنابراین، اگر سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، مانند اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های صنفی در جایگاه طبیعی و حقیقی خودشان قرار داشتند و به وسیله دولت سرکوب و تضعیف نمی‌شدند، آنگاه قدرت عمل بیشتری می‌داشتند و می‌توانستند به کمک دولت بیایند و کارهای زیادی را انجام بدهند، ولی در حال حاضر، دست و پای تشکل‌ها کاملاً بسته است و نمی‌توانند کاری بکنند. با وجود این، کارهای فراوانی هم در

نهادهای غیردولتی مثبت است، می‌خواهیم ببینیم که نهادهای مزبور برای کاهش و جبران آسیب‌های وارده به جامعه چه نقشی داشته‌اند و چه اقدامی کرده‌اند؟ همچنین آیا نهادهای صنفی، به طور خاص، اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های صنفی و تخصصی، همچون سندیکاها، اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی مربوط به صنوف و مشاغل مختلف، در این موضوع عملاً مداخله‌ای کرده‌اند و تدابیر و اقداماتی داشته‌اند، یا خیر؟ و اگر باز هم پاسخ مثبت است، باید ببینیم که در این راستا چه اقداماتی کرده‌اند؟

مهندس مشکات نخستین کسی بود که وارد این بحث شد و ضمن انتقاد از انفعال نهادهای غیردولتی در برابر بحران کرونا گفت: واقعیت امر این است که هیچیک از نهادها و سازمان‌های غیردولتی مرتبط با صنف ما، هیچ کمک و راه حلی برای حل مشکلات ارایه نکرده‌اند و اساساً خودشان را مسوول هم احساس نمی‌کنند و معتقدند که دولت



مهندس منوچهر مشکات: من در دوره اپیدمی کرونا، هیچ نکته مثبتی در عملکرد مسوولان و مسوولیت‌پذیری آنها ندیده‌ام و همه بار مشکلات هم که با پیدایش کرونا چند برابر شده، بر دوش خودمان بوده و هست.



دبیر کل سازمان ملل متحد: باید واگرایی ناشی از ناسیونالیسم را دور بیندازیم. باید به سمت یک نظام چندقطبی حرکت کنیم، چون روند فعلی می‌تواند برای تمام بشریت خطرآفرین باشد و تمام بشریت را به دردمس و گرفتاری بیندازد.

داشته باشیم. یک نظام اقتصادی یکپارچه جهانی با مقررات یکسان که همه به آن احترام بگذارند و برای رسیدن به این هدف هم همه دولت‌ها باید تلاش کنند. این تلاش کاملاً ضروری است. سردبیر مجله توسعه در ادامه سخنان خود گفت: اینگونه احکام و الزامات در سطوح ملی و منطقه‌ای هم مصداق دارند و لازم است که حکومت‌ها و دولت‌ها همراه با بخش خصوصی با همه توانایی‌هایشان به میدان بیایند و این بار سنگین را به مقصد برسانند.

دکتر سیفی نیز ضمن پیش‌بینی در باره وضعیت آینده صنعت احداث در مقابله با بحران کرونا و مشکلات این صنعت گفت: با وجود تفرق آرا و نظریات متفاوت در میان تشکل‌های صنعت احداث، فعلاً نمی‌توان آینده روشنی را انتظار داشت. وی افزود: اگر در حوزه تشکل‌های فنی و مهندسی صنعت احداث به سوی تفاهم و اتحاد حرکت نکنیم و همبستگی بیشتر را در دستور کارمان قرار ندهیم و برنامه‌محور و رسانه‌محور و مطالبه‌گر نشویم، طبعاً سازوکارهای قدیمی جوابگوی مشکلات امروزی‌مان نخواهند بود و به‌زودی منقرض می‌شویم. بنابراین، به جای اینکه منتظر حرکت مثبت از طرف دولت بنشینیم، باید برای ازبین بردن ضعف فرهنگ کار جمعی در درون صنعت احداث تلاش کنیم و با همبستگی و برنامه‌ریزی مشترک، قوی بشویم تا بتوانیم برآیند نیروها را به نفع خودمان تغییر بدهیم و خوشبختانه پنج تشکل صنعت احداث هم اولین قدم را در این مسیر برداشته‌اند و امیدواریم که به نتیجه مطلوب برسیم.

راه نجات صنعت احداث

دکتر حاج کریم نیز در مورد آینده صنعت احداث گفت: ما باید بپذیریم که اقتضات و شرایط و محیط کسب و کار تغییر کرده‌است، یعنی دولت برای آنکه بتواند به ۴۶ هزار پیمانکار در کشور پروژه بدهد تا ظرفیت کاری شرکت‌ها پر بشود و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی هم جذب بازار کار بشوند، باید سالانه ۱۸۰ میلیارد دلار

از رسانه‌های جمعی در صنعت احداث پرداخت و گفت: بدون تردید حضور در رسانه‌های جمعی می‌تواند به رساندن صدای ما به جامعه کارساز باشد، ولی برای ایجاد یک شبکه رسانه‌ای مناسب اقدام مؤثری نشده‌است.

محور سوم

چشم‌اندازهای آینده و پیشنهادات

پس از نقد عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در مواجهه با بحران کرونا، گفتگو در مورد محور سوم مباحث، یعنی چشم‌اندازهای آینده و پیشنهادات آغاز شد. در این بخش، ابتدا آقای دانایی‌فراهی از سخنان آنتونیو گوترش در مصاحبه با بی.بی.سی در مورد الزامات مبارزه با کووید ۱۹ را به شرح زیر نقل کرد:

* ما یک دشمن مشترک داریم به نام کووید ۱۹، یا باید علیه این دشمن متحد شویم و او را از بین ببریم، یا باید ازین ویروس شکست بخوریم، یعنی چهار، پنج و حتی هفت سال منتظر بنشینیم و موج عظیم رکود اقتصاد جهانی را تحمل کنیم تا سرانجام چرخه این ویروس به طور طبیعی طی شود و به پایان برسد، در حالی که می‌توانیم از همین حالا دست بکار شویم و با گسترش همکاری‌های بین‌المللی این بیماری و پیامدهای مخرب آن را طی دو تا سه سال آینده مهار کنیم و دوباره به وضعیت عادی برگردیم.

* ملی‌گرایی، فردگرایی و قوم‌گرایی برای مبارزه با کرونا مضر است، لذا کشورها، از جمله آمریکا و چین، نباید فقط به فکر خودشان باشند، بلکه باید ظرفیت‌هایشان را با کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه به شکل مؤثرتری تقسیم کنند تا وضعیت عمومی جهان بهتر شود. * باید واگرایی ناشی از ناسیونالیسم را دور بیندازیم و همه در کنار هم باشیم. باید به سمت یک نظام چندقطبی حرکت کنیم، چون روند فعلی می‌تواند برای تمام بشریت خطرآفرین باشد و تمام بشریت را به دردمس و گرفتاری بیندازد. * ما باید یک نظام جهانی مبتنی بر قواعد

بودجه عمرانی داشته باشد، در حالیکه حداقل تا ده سال آینده نمی‌توان چنین افقی را تصور کرد و تا آن موقع هم پیمانکاران منقرض شده‌اند و دیگر نه از تاک نشان مانده و نه از تاک‌نشان. بنابراین، ما باید به دنبال راهکارهای خلاقانه و مبتکرانه دیگری برای برون‌رفت از این بحران باشیم تا اگر روزی بحران دیگری مانند کرونا بوجود آمد، صنف پیمانکاری مضمحل و نابود نشود.

عضو هیأت مدیره سندیکا در ادامه این بحث به ارایه راهکار پرداخت و گفت: راهکار برون‌رفت از این بحران آن است که با حاکمیت وارد گفتگو بشویم و این واقعیت را جا بیندازیم که اگر دولت پول ندارد و نمی‌تواند بودجه عمرانی را به اندازه لازم افزایش دهد، به سمت صنعت احداث بیاید و مطمئن باشد که ما می‌توانیم با اجرای پروژه‌ها در قالب مشارکت عمومی - خصوصی (Public-Private Partnership) به دولت و حاکمیت کمک کنیم. دکتر حاج کریم در ادامه این بحث مشخصاً دو راهکار زیر را پیشنهاد کرد:

راهکار اول، مشارکت پیمانکاران با دولت از

طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها. بدیهی است که برای موفقیت این راهکار، اولاً پروژه‌ها باید آنقدر جذاب باشند که بتوان از منابع بانکی استفاده کرد، ثانیاً باید شرایطی فراهم شود که فعالان صنعت احداث از وضعیت ضعف و ناتوانی فعلی خارج شوند و بتوانند برای سرمایه‌گذاری به میدان بیایند.

راهکار دوم، روی آوردن به صدور خدمات فنی و مهندسی است. برای موفقیت در این زمینه هم لازم است که از طریق گفتگو با دولت، از توان سیاسی و چانه‌زنی دولت برای حضور در بازارهای خارجی استفاده کنیم. بدیهی است که دولت هم می‌تواند از خدمات بخش خصوصی در حوزه صدور خدمات فنی و مهندسی به عنوان ریل‌گذاری برای بهبود روابط سیاسی و تحکیم موقعیت‌های خارجی خودش استفاده کند. دکتر حاج‌کریم در ادامه این پیشنهادها به اهمیت داشتن یک استراتژی رسانه‌ای نیز اشاره کرد و گفت: باید در نشست‌های مطبوعاتی، مجامع عمومی تشکل‌ها و اتاق‌های بازرگانی، ابعاد بزرگ بحران را به مسوولان و تصمیم‌گیران کشور متذکر شویم و توضیح بدهیم که آسیب وارده به صنعت احداث به اندازه آسیب وارده به بخش توریسم اهمیت دارد، چون کشور ما نیازمند گسترش و تقویت زیرساخت‌هاست و توسعه زیرساخت‌ها هم مستلزم توسعه و تقویت صنعت احداث است.

مهندس مشکات نیز با تأکید بر اهمیت وجود صدای واحد در صنعت احداث گفت: وظیفه ما در چهارچوب صنعت احداث آن است که تعامل کنیم و بی‌اعتمادی‌ها را از بین ببریم تا بتوانیم با یک صدای واحد با دولت گفتگو کنیم. در یک کلام، باید تلاش کنیم تا هم خودمان زنده بمانیم و هم دیگران را زنده نگهداریم. اگر در این کار موفق شویم، امکان بهبود اوضاع وجود خواهد داشت. مهندس ابراهیمی نیز امید به آینده، اتحاد و مطالبه‌گری را رمز بقای صنعت احداث دانست و گفت: مبنای تفکر ما امید به آینده و مطالبه‌گری است و تردیدی نداریم که اگر امیدوار نباشیم، مطالبه‌گر هم نخواهیم بود و به تدریج فراموش و از صحنه حذف خواهیم شد.

دکتر حاج‌کریم نیز به عنوان آخرین پیشنهاد بر لزوم خودباوری تأکید کرد و ضمن نقل خاطره‌ای گفت: روزی گروهی از کارشناسان و نمایندگان صندوق توسعه ملل متحد (UNDP) به ایران آمده بودند و برای گفتگو در باره پروژه‌ها جلسه‌ای در وزارت نیرو تشکیل شده بود. در آن جلسه در حالی که تمام تمرکز نمایندگان وزارت نیرو و شرکت‌های بخش خصوصی حاضر در جلسه بر جذب منابع و کمک‌های مالی سازمان ملل متحد بود، نماینده سازمان ملل که اهل نروژ بود، به صراحت گفت: در طبقه‌بندی UNDP، ایران جزو کشورهای ثروتمند است و به هیچوجه مشمول دریافت کمک‌های

سالانه حدود ۲۳۷ هزار نفر در رشته‌های مهندسی از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما چون در داخل بازار کار پیدا نمی‌کنند، ناچار به فکر مهاجرت می‌افتند، و این همان زیان جبران‌ناپذیری است که بر جامعه و ملت تحمیل می‌شود و مسوولان محترم هم به روی مبارکشان نمی‌آورند!

مالی و اعانه نمی‌شوید! بلی، این واقعیتی است که خودمان هم باید آن را باور کنیم و بکوشیم تا این ثروت بالقوه را بالفعل کنیم. فقط کافی است که به توان خودمان به عنوان متخصصان ساختن این مملکت، باور داشته باشیم.

پایان بخش این میزگرد هم بندهایی از سرودهٔ سیمین بهبهانی، شاعر بزرگ معاصر بود که توسط دکتر سیفی خوانده شد:

دوباره می‌سازمت وطن،
اگر چه با خستِ جان خویش
ستون به سقف تو می‌زنم،
اگر چه با استخوان خویش!





انجمن صنفی (سندیکای) شرکتهای تأسیساتی و صنعتی ایران

مجمع عمومی عادی (به طور فوق العاده) سال ۱۳۹۹

مشکلات کشور باید به دست همگان حل شود، اما این امر زمانی قابل انجام است که «خودی» و «غیرخودی» در کشور وجود نداشته باشند.

گزارش هیأت مدیره

پس از استقرار هیأت ریسه در جایگاه خود، گزارش بیستمین دوره هیأت مدیره سندیکا، توسط مهندس همایون ابراهیمی، دبیر سندیکا ارائه شد. وی در ابتدا اظهار داشت که هیأت مدیره دوره بیستم سندیکای شرکتهای تأسیساتی و صنعتی ایران با برگزاری ۱۱۳ جلسه رسمی حضوری و چندین جلسه مجازی، ضمن انجام امور محوله و استماع و بررسی گزارش اعضای هیأت مدیره در جلسات و مذاکرات برون سازمانی، تمامی تلاش خود را به

به مراتب نامساعدتر از سال گذشته و در شرایط بحران فراگیر کرونا برگزار شد، شرایطی که مشکلات انباشته فعالان اقتصادی را مضاعف ساخت و تعدادی از شرکتهای صنعت احداث را به تعطیلی کشاند و چشم انداز ناروشتی را هم مقابل آنانی قرار داد که در صحنه مانده اند. با وجود چنین وضعیت نابسامانی و به علت ترس از ابتلا به بیماری کرونا، با حضور جمعی از اعضای سندیکا حد نصاب قانونی حاضران احراز شد و جلسه مجمع عمومی رسمیت یافت. پس از اعلام رسمیت اجلاس مجمع عمومی، اعضای هیأت ریسه به شرح زیر توسط حاضران انتخاب شدند:

- ۱) رییس جلسه، مهندس سعید مسعودی
- ۲) نایب رییس جلسه، مهندس عباسعلی آذربایجانی
- ۳) ناظران جلسه: مهندس هاشمی و مهندس فلاحت پیشه
- ۴) منشی جلسه، خانم مهدیزاده

اشاره

در تاریخ ۲۸ مهرماه سال جاری، مجمع عمومی عادی (به طور فوق العاده) سال ۱۳۹۹ انجمن صنفی (سندیکای) شرکتهای تأسیساتی و صنعتی ایران با حضور نماینده اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نماینده اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در محل سالن اجتماعات سندیکا برگزار شد.

لازم به ذکر است که مطابق روال سالهای گذشته، قرار بود که مجمع عمومی سندیکا در خردادماه برگزار شود، لیکن به علت شیوع بیماری کرونا و بنا به دستور وزارت کار، این نشست لغو و به مهرماه سال جاری موکول شد. ضمناً چون زمان برگزاری مجمع عمومی خارج از روال معمول بود، لذا عنوان «به طور فوق العاده» به آن اضافه شد.

اجلاس مجمع عمومی امسال در شرایطی

بخش خصوصی خالص و ناب در صورت تفویض اختیار، می‌تواند کمک‌رسان دولت و حاکمیت در حل مشکلات باشد.

۹۸ و اخذ تقدیرنامه به عنوان تشکل برتر در حوزه حکمرانی شد- مکاتبه، پیگیری و حضور در جلسات تدوین پروتکل بهداشتی مبارزه با کووید ۱۹- حضور موثر در جلسات تعیین ضریب جبرانی ناشی از کرونا در قراردادهای پیمانکاری- اخذ مفاصا حساب مالیاتی جهت سال‌های ۹۴ - ۹۵ - ۹۶-۹۷ و پیگیری اخذ مفاصاهای سال‌های ۹۱ - ۹۲ - ۹۳.

گزارش هیأت بازرسان

مهندس منصور پیروی، نماینده هیأت بازرسان سندیکا، گزارش عملکرد این هیأت در سال ۹۸ را به اجلاس مجمع عمومی ارایه کرد. وی در ابتدای گزارش خود اظهار داشت که هیأت بازرسان در جلسات هیأت مدیره و در جلسات خارج از سندیکا به عنوان نمایندگان هیأت مدیره حضور داشته و ناظر بر عملکرد

اهم فعالیت‌های دوره بیستم هیأت مدیره

در اجلاس مجمع عمومی سال ۱۳۹۹ نیز همچون سال‌های اخیر، گزارش کتبی مهمترین فعالیت‌های هیأت مدیره سندیکا در سال ۱۳۹۸ قبل از شروع اجلاس در اختیار حاضران قرار گرفت. مهمترین اقدامات هیأت مدیره در این گزارش عبارتند از:

انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران به منظور همکاری در زمینه تشخیص صلاحیت شرکت‌های متقاضی پایه‌های ۳، ۴ و ۵ (تاکنون بالغ بر ۱۰۰۰ شرکت مختلف در قالب ۳۰۰۰ بار ارجاع رسیدگی شده و ۱۵۶ شرکت موفق به اخذ رتبه شده‌اند) - پیگیری و ترغیب اعضا برای عضویت در اتاق بازرگانی و انجام امور ثبت نام متقاضیان - رسیدگی به داوری‌های ارجاع شده به سندیکا و صدور رأی - اصلاح ساختار و مستندات دبیرخانه سندیکا جهت پذیرش سندیکا در رتبه‌بندی تشکل‌های اتاق ایران، ارسال مستندات لازم، پاسخگویی به سوالات حضوری و تکمیل پرسشنامه‌ها که نهایتاً منجر به اخذ رتبه A در حکمرانی و رتبه B+ در سایر سرفصل‌ها از اتاق ایران در سال‌های ۹۶ تا

کار گرفته تا از منافع صنفی دفاع کند و موجبات تسهیل فعالیت اعضا را فراهم آورد.

دبیر سندیکا در ادامه گزارش خود خاطرنشان ساخت که در طی سه سال فعالیت دوره بیستم هیأت مدیره، تحولات زیادی به لحاظ سیاسی و متعاقب آن، اقتصادی و اجتماعی در کشورمان به وقوع پیوسته که به زعم عموم ملت ایران برآیند این تحولات سازنده نبوده و تمامی مردم تحت فشارهای گوناگونی قرار گرفته‌اند و در این میان، سهم آسیب‌دیدگی بخش خصوصی واقعی مولد بسیار زیاد بوده‌است.

مهندس ابراهیمی در بخش دیگری از این گزارش با بیان اینکه مشکلات کشور باید به دست همگان حل شود، اما این زمانی قابل انجام است که «خودی» و «غیرخودی» در کشور وجود نداشته باشد، گفت: بارها در جلسات، مقالات و نامه‌ها به مقامات و مسوولین امر گوشزد کرده‌ایم که در صورت تفویض اختیار، بخش خصوصی خالص و ناب می‌تواند کمک‌رسان دولت و حاکمیت در حل مشکلات باشد، ولی متأسفانه این باور همچنان وجود ندارد.

در پایان گزارش هیأت مدیره، از همیاری و همکاری اعضا با حضور در کمیته‌های سندیکا سرفصل‌ها از اتاق ایران در سال‌های ۹۶ تا



تصویری از لحظه رای‌گیری برای انتخاب هیأت مدیره سندیکا

اقدام لازم از سوی آنها.

انتخاب هیأت مدیره و هیأت بازرسان

در پایان جلسه مجمع عمومی عادی انجمن صنفی (سندیکای) شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۹۹، داوطلبان عضویت در هیأت مدیره برای مدت سه سال و هیأت بازرسان برای مدت یک سال خود را معرفی کردند و سپس آرای حاضران جمع‌آوری شد و نتایج آرا به شرح زیر اعلام گردید:

اعضای اصلی هیأت مدیره

- ۱) آقای محمد احمدی، رییس هیأت مدیره
- ۲) آقای مصطفی امیری‌فر، نایب‌رییس اول هیأت مدیره
- ۳) آقای سعید منوچهریان، نایب‌رییس دوم هیأت مدیره
- ۴) آقای ابراهیم طاهری، خزانه‌دار
- ۵) آقای همایون ابراهیمی، دبیر
- ۶) آقای محمد مهدی تابع قانون
- ۷) آقای محمد صاحب‌الزمانی
- ۸) آقای منوچهر مشکات
- ۹) آقای رضا حاجی کریم
- ۱۰) آقای ابازر چالاک
- ۱۱) آقای کورش رحمانی محمدآقا فرد

اعضای علی‌البدل هیأت مدیره:

- ۱) آقای مجتبی قضا
- ۲) آقای مجید بقایی
- ۳) آقای سیدابوطالب رضوی اسفلی
- ۴) آقای شروین مطلق

بازرسان اصلی:

- ۱) آقای منصور پیروی
- ۲) آقای علی دوستدار
- ۳) آقای محمدرضا محمدآبادی کمره‌ای

بازرس علی‌البدل:

- ۱) آقای اسماعیل قره‌داغی



مشاهده نکرده است.

مهندس پیروی همچنین گزارش کوتاهی از عملکرد مالیاتی سال‌های ۹۱ تا ۹۷ سندیکا نیز ارائه کرد. بخشی پایانی گزارش هیأت بازرسان هم به درخواست از اعضا برای پرداخت به‌موقع حق عضویت‌های سالانه، توجه به بخشنامه‌های سندیکا در خصوص عضویت در اتاق بازرگانی ایران و حضور در کمیته‌های تخصصی و عمومی سندیکا اختصاص داشت.

گزارش خزانه‌دار

گزارش عملکرد بودجه سال ۹۸ توسط مهندس ابراهیمی، دبیر انجمن (سندیکا) ارائه شد و سپس برخی از نکات گزارش مزبور مورد بحث و تبادل نظر حاضران قرار گرفت.

مصوبات

پس از ارائه گزارش‌های مزبور و بحث و بررسی در باره آنها، موارد زیر به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی رسید:

- ۱) میزان ورودیه و حق عضویت ثابت اعضا در سال ۱۳۹۹.
- ۲) تعیین روزنامه اطلاعات به منظور درج آگهی‌های انجمن.
- ۳) تفویض اختیار به هیأت مدیره برای تعیین تکلیف شرکت‌های تعلیقی، در صورت عدم

طی سه سال گذشته، تمامی مردم تحت فشارهای گوناگونی قرار گرفته‌اند و در این میان، سهم آسیب‌دیدگی بخش خصوصی واقعی مولد بسیار زیاد بوده است.

آنها بوده است.

وی در ادامه گزارش خود، ضمن تشکر از زحمات اعضای هیأت مدیره برای شرکت در جلسات خارج از سندیکا، خاطرنشان ساخت که اگرچه شرکت‌های پیمانکاری تحت مدیریت اعضای هیأت مدیره، همچون سایر پیمانکاران دچار گرفتاری‌های ناشی از مسایل قراردادی و اقتصادی و عدم توجه کارفرمایان به اصول و مواد قراردادهای فیمابین پیمانکاران و کارفرمایان، به خصوص در پروژه‌های عمرانی می‌باشند، ولی جا دارد که زمان و دقت بیشتری را در مسایل جاری سندیکا به کار گیرند.

مهندس پیروی در بخش دیگری از گزارش خود با اشاره به اینکه مسوولیت صحت اسناد مالی بر عهده هیأت رییس و هیأت مدیره - به‌خصوص دبیر و خزانه‌دار سندیکا می‌باشد، تصریح کرد که هیأت بازرسان در بررسی اسناد و مدارک و دفاتر مالی، موردی بر خلاف روال عادی و معمول حفظ و نگهداری اسناد مالی



مدل هفت S مکنزی چیست؟

(معرفی یک ابزار برای برنامه‌ریزی استراتژیک)

تعریف

مدل هفت S مکنزی ابزاری است که با نگاه کردن به هفت عنصر کلیدی و داخلی سازمان، طراحی سازمانی یک شرکت را تحلیل می‌کند. این هفت عنصر عبارتند از: استراتژی (Strategy)، ساختار (Structure)، سیستم (System)، ارزش‌های مشترک (Shared values)، سبک (Style)، کارکنان (Staff) و مهارت‌ها (Skills).

توضیحاتی در رابطه با مدل

مدل هفت S مکنزی در دهه ۱۹۸۰ توسط مشاوران مکنزی شامل تام پیترز، رابرت واترمن و جولین فیلیپز ارائه شد و توسعه پیدا کرد. این ابزار توسط فعالان دانشگاهی و مشاوران بسیاری مورد استفاده قرار گرفته و یکی از ابزارهای معروف و شناخته شده برای برنامه‌ریزی استراتژیک است. هدف این ابزار نشان دادن چگونگی قرار گرفتن هفت عنصر

سازمانی مختلف در کنار هم برای رسیدن به حداکثر میزان اثربخشی در سازمان می‌باشد. نکته اصلی در این مدل آن است که تمام این هفت عنصر دارای ارتباط درونی با یکدیگر هستند و در نتیجه، یک تغییر کوچک در یک بخش سازمان، نیاز به تغییر در بخش‌های دیگر دارد تا انسجام و اثربخشی سازمانی محفوظ بماند. تصویر ارائه شده به خوبی وضعیت این عناصر و ارتباط درونی هر یک با دیگری را مشخص می‌کند و با استفاده از

کلید اصلی در مدل هفت S مکنزی
پیدا کردن استراتژی، ساختار،
سیستم‌های خوب و مناسب نیست،
بلکه باید به دنبال هماهنگی آن‌ها با
دیگر عناصر سازمانی باشیم.



مهارت‌ها: مهارت‌ها در واقع، مجموعه توانایی‌های کارکنان یک سازمان یا شرکت هستند. این مهارت‌ها همچنین شامل قابلیت‌ها و توانمندی‌ها هم می‌شوند. در طی فرایند تغییر سازمانی، اغلب این سؤال مطرح می‌شود که سازمان برای اجرای استراتژی جدید یا ساختار جدید خود، به چه مجموعه مهارت‌هایی نیاز دارد؟

کارکنان: عنصر کارکنان به این موضوع می‌پردازد که یک سازمان به چه نوع و چه تعداد از کارکنان نیاز دارد و روند استخدام، آموزش، انگیزش و پاداش دادن به آن‌ها باید به چه صورتی انجام پذیرد.

سبک: سبک بیانگر شیوه‌ای است که بر اساس آن، یک شرکت توسط مدیران ارشد سازمانی مورد مدیریت قرار گرفته و نشان می‌دهد که آنها چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند، چه کارهایی را انجام می‌دهند و ارزش‌های نمادین آن‌ها چیست. به عبارت دیگر، این عنصر بیانگر سبک مدیریت رهبران یک سازمان است.

ارزش‌های مشترک: ارزش‌های مشترک در قلب مدل هفت S مکنزی قرار دارند. این ارزش‌ها شامل باید‌ها و نبایدها و استانداردهایی هستند که راهنمای رفتار کارکنان و اعمال شرکت می‌شوند و از این رو، اساس و بنیاد هر سازمانی بشمار می‌روند.

نکته مهم در رابطه با مدل هفت S مکنزی از نظر طراحان مدل این است که به تمام این عناصر باید ارزشی برابر داده شود تا بهترین نتایج از دل آن‌ها استخراج شود.

منبع:

داده شده باشد، بلندمدت باشد، به دستیابی به مزیت رقابتی کمک کند و با استناد به چشم‌انداز سازمانی، رسالت و ارزش‌ها تقویت شده باشد. اما زمانی که استراتژی به‌تنهایی مورد تحلیل قرار گیرد، اظهار نظر در رابطه با هماهنگی و انطباق آن با دیگر عناصر، سخت و دشوار است. بنابراین، کلید اصلی در مدل هفت S مکنزی پیدا کردن استراتژی، ساختار، سیستم‌های خوب و مناسب نیست، بلکه باید به دنبال هماهنگی آن‌ها با دیگر عناصر سازمانی باشیم. به عنوان مثال، انتخاب استراتژی کوتاه‌مدت، اغلب کاری معقول به حساب نمی‌آید، اما اگر این عنصر با دیگر عناصر سازمانی هماهنگ باشد، ممکن است به نتایج خوب و قوی منجر شود.

ساختار: ساختار بیانگر شیوه‌ای است که بر اساس آن، بخش‌ها و واحدهای سازمانی سازمان‌دهی شده‌اند. ساختار یک سازمان نشان می‌دهد که کدام بخش پاسخگوی کدام بخش دیگر است. به عبارت دیگر، ساختار که یکی از واضح‌ترین و آسان‌ترین عناصر قابل تغییر در مدل هم هست، به نوعی چارت سازمانی شرکت محسوب می‌شود.

سیستم‌ها: سیستم‌ها فرایندها و دستورالعمل‌هایی هستند که فعالیت‌های روزانه یک کسب‌وکار و چگونگی اتخاذ تصمیم‌ها را بیان می‌کنند. سیستم‌ها همچنین نشان می‌دهند که مدیران در حین فرایند تغییر سازمانی، بر روی چه نکات و موضوعاتی باید تمرکز کنند.

دو رنگ مختلف نشان می‌دهد که این عناصر به دو دسته مجزا از یکدیگر تقسیم می‌شوند. استفاده از این مدل در بسیاری از شرایط مختلف ممکن بوده و ابزاری ارزشمند به حساب می‌آید. عمده‌ترین کاربردهای آن هم به قرار زیر است: آسان‌تر کردن تغییر سازمانی - کمک به اجرای استراتژی جدید - تشخیص چگونگی تغییر هر یک از بخش‌ها در آینده - آسان‌تر کردن ادغام بخش‌ها در یکدیگر.

شرح و توضیح هر یک از عناصر

در مدل هفت S مکنزی، هفت بخش سازمان به دو بخش کلی «نرم» و «سخت» تقسیم می‌شوند. استراتژی، ساختار و سیستم‌ها که با رنگ قرمز مشخص شده‌اند، جزو عناصر سخت سازمانی هستند که در مقایسه با عناصر نرم سازمانی، قابلیت شناسایی و مدیریت ساده‌تری دارند. در طرف مقابل، عناصر نرم سازمانی قرار دارند که با وجود سخت‌تر بودن مدیریت آن‌ها، در ایجاد مزیت رقابتی پایدار برای سازمان نقش بیشتری دارند.

استراتژی: استراتژی طرحی است برای دستیابی به یک مزیت رقابتی پایدار در سازمان و رقابت موفقیت‌آمیز در بازار. در مدل هفت S مکنزی یک استراتژی خوب طراحی‌شده به چه معنا است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که به طور کلی، یک استراتژی خوب و منطقی، استراتژی‌ای است که به‌خوبی به دیگران انتقال



نشست خبری پنج تشکل بزرگ صنعت احداث

صنعت احداث، نظامات و مقررات، سازنده یا مخرب؟

در آخرین روز دی ماه ۱۳۹۹ نشست خبری پنج تشکل بزرگ صنعت احداث با حضور نمایندگان رسانه‌های گروهی و جمعی از مدیران شرکت‌های فعال در پروژه‌های عمرانی در سالن اجتماعات سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران برگزار شد. در جریان این نشست، نمایندگان کانون سراسری پیمانکاران عمرانی ایران (دکتر حمیدرضا سیفی)، سندیکای شرکت‌های ساختمانی (مهندس بیژن سعیدآبادی)، سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران (مهندس همایون ابراهیمی)، انجمن شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی (مهندس محمدرضا طیب‌زاده)، و انجمن مدیران فنی و اجرایی (مهندس جمشید شیخ‌اکبری) به سوالات حاضران در خصوص فعالیت‌های صنعت احداث و مشکلات و چالش‌های فعالان این حوزه پاسخ دادند. در ابتدای این نشست، مهندس همایون

ابراهیمی، دبیر سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران که مدیریت نشست را نیز بر عهده داشت، پس از خیرمقدم و معرفی پنج تشکل مزبور، تأکید کرد که تمام این تشکل‌ها، بخش خصوصی خالص و مولد هستند. وی سپس محورهای این نشست مطبوعاتی را به شرح زیر اعلام کرد:

(۱) موانع سرمایه‌گذاری در صنعت احداث و راه حل موانع
(۲) نظام فنی و اجرایی کشور
(۳) مشارکت عمومی - خصوصی
(۴) مباحث مربوط به شرایط نامناسب بنگاه‌های پیمانکاری و مهندسان مشاور.

سپس مهندس طیب‌زاده، عضو هیأت مدیره انجمن نفت، گاز و پتروشیمی، در پاسخ به سوالی در مورد جایگاه بخش خصوصی و وضعیت نظام فنی و اجرایی در دولت بعدی گفت: بخش خصوصی از ابتدا تحت فشار بوده، چنانکه در

قوانین متعدد جمهوری اسلامی، از جمله در اصل ۴۴ قانون اساسی، اولویت با بخش دولتی و تعاونی است، البته در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، قرار شده‌است که کارها به بخش خصوصی سپرده شود و دولت فقط رگولاتوری کند، نه تصدیگری، ولی عملاً این دستورالعمل و قوانین بالادستی بعدی که بر ارتقای جایگاه بخش خصوصی تأکید می‌کنند، اجرا نشده‌اند و فقط حدود ۱۲ درصد کارها به بخش خصوصی واگذار شده و عملاً شرکت‌های خصوصی، در شرایط غیررقابتی، عمده پروژه‌ها را در اختیار گرفته‌اند و بخش خصوصی را در تنگنا قرار داده‌اند. اما با وجود این، به دنبال روزه هستیم و مانند گذشته ثابت خواهیم کرد که توانمندی در این بخش بسیار بالاست و باید به بخش خصوصی اعتماد شود.

دکتر حمیدرضا سیفی، نایب رییس هیأت مدیره کانون سراسری پیمانکاران عمرانی ایران،



دکتر ایرج گلابتونچی، دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران نیز در مورد مشکلات صدور خدمات فنی و مهندسی در کشور تصریح کرد که علاوه بر ۲۵۳ هزار فارغ‌التحصیل رشته‌های فنی و مهندسی در سال، ۴۵ هزار و ۷۴۰ شرکت پیمانکاری و ۳۱۰۰ شرکت مهندسی مشاور تأیید صلاحیت‌شده توسط سازمان برنامه و بودجه در کشور هستند که برای استفاده از ظرفیت آنها، باید سالانه ۲/۵ میلیارد دلار کار تعریف شود، ولی با توجه به وضعیت منابع مالی کشور، عملاً ارجاع کار به این شرکت‌ها ممکن نیست و باید در خارج از کشور برای آنها کار ایجاد کرد. دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران علت عدم توفیق شرکت‌های ایرانی در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی را ناکامی دولت در مذاکره با دیگر کشورها و تلاش برای جذب پروژه‌های آنها دانست و اظهار داشت که در ۴۰ سال گذشته، ترکیه با اجرای نه هزار پروژه در ۱۱۹ کشور دنیا، ۳۴۰ میلیارد دلار درآمد کسب کرده، ولی کشور ما در همین مدت، تنها ۳۱ میلیارد دلار از صادرات خدمات فنی و مهندسی درآمد داشته است.

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران در پایان سخنان خود به موضوع عدم حمایت

بخش خصوصی از ابتدا تحت فشار بوده، با وجود این، به دنبال روزنه هستیم و مانند گذشته ثابت خواهیم کرد که توانمندی در این بخش بسیار بالاست و باید به بخش خصوصی اعتماد شود.

عدم حمایت دولت، نابود شده‌اند. مهندس بیژن سعیدآبادی، نایب رییس سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران هم در پاسخ به سوالی در مورد تأثیر تغییرات سیاسی احتمالی و لغو تحریم‌ها بر فعالیت صنعت احداث گفت: مشکلات بخش خصوصی کشور ما، ساختاری است، به این معنا که تمام قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار حکومت و دولت است. بنابراین، اگرچه برداشتن تحریم‌ها می‌تواند درآمدهای کشور را افزایش دهد، ولی ما در مورد نحوه مصرف این درآمدها اختیاری نداریم. نایب رییس سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران سپس ضمن ابراز امیدواری نسبت به عدم انحلال و تضعیف‌نشدن نهاد برنامه‌ریزی در کشور، تأکید کرد که این نهادها دارای ضعف‌های ساختاری هستند و اگر این نقاط ضعف برطرف نشوند، نمی‌توانیم از منابع کشور به صورت موثر استفاده کنیم.

در پاسخ به سوالی در مورد موانع صدور خدمات فنی و مهندسی، با تأکید بر اینکه موفقیت در این حوزه نیازمند حمایت و پشتیبانی دولت از شرکت‌های بخش خصوصی است، گفت: در عراق و سوریه با داعش جنگیدیم و خون دادیم، ولی نتوانستیم هیچ امتیازی در بخش پروژه‌های این کشورها بگیریم، چون هر شرکتی برای فعالیت در کشورهایی مانند عراق و سوریه نیاز به حمایت و پشتیبانی دولت دارد، این حمایت باید باشد تا شرکت بتواند سر پا بماند، اما به علت مشکل مدیریتی ناشی از نبود حمایت دولت، شرکت‌های ایرانی که به سوریه رفتند، بیش از چند صبحی دوام نیاوردند.

دکتر سیفی در ادامه با بیان اینکه حوزه خدمات با سهم ۵۱ درصدی در اقتصاد کشور، بیشترین اشتغال‌زایی را، به خصوص در حوزه عمرانی دارد، اظهار داشت که چرا باید طوری برنامه‌ریزی شود که چنین ظرفیتی، نتواند در داخل و خارج از کشور امکانات مناسب برای فعالیت موفق داشته باشد؟ در حالی که ایران تنها کشوری است که با ۱۵ کشور دنیا هم‌مرز است و ظرفیت اقتصادی همسایگان ایران بالغ بر ۱۳۰۰ میلیارد دلار در سال است، ولی ما نتوانسته‌ایم از این ظرفیت استفاده کنیم و خیلی از شرکت‌های فعال در این حوزه هم به علت

دولت‌های ۴۰ سال اخیر، هیچ رویکرد شفاف و درستی نسبت به بنگاه‌های بخش خصوصی نداشته‌اند و قوانین بالادستی را هم به‌خوبی اجرا نکرده‌اند.

۶۰ درصد بوده‌است! بنابراین، تردید نیست که توزیع اوراق اسناد خزانه به جای مطالبات به پیمانکاران، روشی است که آنها را به تدریج نابود خواهد کرد.

رییس هیأت مدیره انجمن مدیران فنی و اجرایی در پایان سخنان خود گفت: اکثر مدیران بخش خصوصی در حوزه خدمات فنی و عمرانی عاشق وطنشان هستند و برای رشد و اعتلای آن دغدغه دارند و زحمت می‌کنند، کم‌اینکه یکی از همین فعالان شریف و خدمتگزار واقعی، در سن ۷۵ سالگی ۷۰۰ میلیارد تومان در اجرای یک پروژه سرمایه‌گذاری کرده، آنهم در حالی که به طور طبیعی عمرش کفاف نخواهد داد تا بازگشت این سرمایه‌گذاری را ببیند! این مسأله بخوبی نشان می‌دهد که انگیزه اصلی بسیاری از فعالان این بخش تنها کسب درآمد و سود مادی نیست، بلکه انگیزه‌های دیگری باعث می‌شوند که آنان به صحنه بیایند و قبول مسوولیت کنند. بنابراین، حیف است که اینگونه انگیزه‌های پاک، خیرخواهانه و وطن‌دوستانه نادیده گرفته شوند و از حضور و فعالیت آنها برای توسعه و پیشرفت مملکت جلوگیری بعمل آید.

شایان ذکر است که برگزاری این نشست مطبوعاتی، مورد توجه خاص همکاران صنعت احداث و همچنین ارباب جراید قرار گرفت و انعکاس خوبی هم در رسانه‌های همگانی و فضای مجازی داشت. امید است که در فضای مدیریتی کشور هم گوش‌های شنوا و وجدان‌های بیداری وجود داشته باشند و بموقع به صحنه بیایند و جلوی اینهمه اتلاف فرصت‌ها و نابودی منابع و منافع ملی را بگیرند.

به لحاظ فنی و اجرایی هیچ مشکلی نداریم و می‌توانیم به طور موفق در پروژه‌ها شرکت کنیم. مهندس ابراهیمی در پاسخ به سوال دیگری در مورد علت عدم اجرای وضعیت فورس ماژور در قراردادهای پیمانکاران ایرانی گفت: بند فورس ماژور در واقع، تنها یک تابلوی قشنگ است که در قراردادهای آورده می‌شود. به همین علت، حتی در زمان جنگ تحمیلی هم شرایط فورس ماژور اعلام نشده بود و ما تشکل‌های بخش خصوصی هم وقتی می‌توانیم به دنبال اجرای این بند برویم که شرایط را فورس ماژور اعلام کنند.

مهندس جمشید شیخ‌اکبری، رییس هیأت مدیره انجمن مدیران فنی و اجرایی نیز با بیان اینکه هیچیک از دولت‌های ۴۰ سال اخیر، هیچ رویکرد شفاف و درستی نسبت به بنگاه‌های بخش خصوصی نداشته‌اند و قوانین بالادستی را هم به‌خوبی اجرا نکرده‌اند، گفت: در ۲۰ سال گذشته، در آزادراه قزوین- زنجان- تبریز، حدود ۱۴ شرکت بزرگ راهسازی ایران فعالیت می‌کردند، اما امروز فقط یکی از آن شرکت‌ها به صورت فعال وجود دارد، چون مشکلات متعدد مالی، نقدینگی، تورم و غیره، کمر دیگر شرکت‌ها را شکسته‌است.

رییس هیأت مدیره انجمن مدیران شرکت‌های فنی و اجرایی همچنین در پاسخ به سوالی در باره اوراق اسناد خزانه و تصفیه حساب برخی از پروژه‌ها با استفاده از این اوراق گفت: قیمت خرید و فروش اوراق اسناد خزانه در فرابورس بالاست، اما سود آن به جیب پیمانکار نمی‌رود. مهندس شیخ‌اکبری سپس در توضیح این نحوه پرداخت پیمانکاران گفت: پیمانکار مطالبات دو تا سه سال خود را به شکل اوراق دریافت می‌کند و با ۴۵ درصد نرخ تنزیل آن را در بورس به فروش می‌رساند. به عبارت دیگر، ما مطالبات سه سال قبل خودمان را با محاسبه ۱۵ درصد سود سپرده بانکی دریافت می‌کنیم، اما در جریان فروش آن در بورس، معادل ۴۵ درصد از ارزش آن از بین می‌رود، آنهم در حالی که نرخ تورم سالانه بالای

دولت از شرکت‌های ایرانی و عدم رشد و توسعه شرکت‌ها به عنوان علل عقب‌ماندگی ایران در حوزه پیمانکاری و مهندسی مشاور پرداخت و گفت: دولت می‌تواند عمق استراتژیک خود را در منطقه گسترش دهد، اما از گسترش عمق مهندسی خود عاجز است!

مهندس همایون ابراهیمی، دبیر سندیکای شرکت‌های تاسیساتی و صنعتی ایران نیز در پاسخ به سوالی در باره اقدامات انجام‌شده برای ارتقای کیفیت خدمات شرکت‌های بخش خصوصی اظهار داشت که منظور ما از حمایت دولت این نیست که به ما پول بدهند، بلکه منظورمان، حمایت و توجه مدیریتی و سیاستی است. به عنوان مثال، وقتی که رییس‌جمهور ترکیه به ایران می‌آید، ناهار را همراه با پیمانکاران کشورش که در ایران فعال هستند، صرف می‌کند. آیا دولت ما حاضر است برای تقویت موقعیت شرکت‌های ایرانی فعال در خارج از کشور چنین کاری را انجام دهد؟ نمونه دیگری از بی‌توجهی دولت به شرکت‌های پیمانکاری آن است که هیچگاه پیمانکاران به مراسم افتتاح پروژه‌هایی که خودشان اجرا کرده‌اند، دعوت نمی‌شوند! علت آن است که متأسفانه نگاه دولت به شرکت‌های پیمانکاری، همواره نگاه ارباب رعیتی بوده و این نگرش هنوز هم ادامه دارد و پیمانکاران ناگزیر بوده‌اند که از «فرمایش» کارفرمایان اطاعت کنند. وی افزود: از لحاظ توانایی‌های پیمانکاران هم لازم به ذکر است که گرچه در حال حاضر، به دور خودمان دیوار کشیده‌ایم و به تکنولوژی روز دنیا دسترسی کافی نداریم و ممکن است به لحاظ تکنولوژیکی مشکلاتی داشته باشیم، ولی

متأسفانه نگاه دولت به شرکت‌های پیمانکاری، همواره نگاه ارباب- رعیتی بوده و پیمانکاران هم ناگزیر بوده‌اند که از «فرمایش» کارفرمایان اطاعت کنند.

امروز کمیابند، به زودی نایاب خواهند شد



تبدیل شدن به یک منبع نایاب است. پس این روزها سعی کنیم با آموزش نیروهایی که داریم، نوع دغدغه و نیازهای آنها را شناسایی کنیم، آنها را آموزش دهیم، برای آنها آینده روشنی را متصور شویم و فراموش نکنیم که این حق طبیعی آنهاست که نگران آینده خودشان باشند. پس ما هم نگران آینده آنها باشیم و اگر تصور می‌کنیم که فقط افزایش حقوق و دستمزد آنها کافاست، حتماً باید منتظر از دست دادن نیروهای خوب در شرایط سخت اقتصادی امروز باشیم.

امروز کمیابند، به زودی نایاب خواهند شد. بخشی از این موضوع به دلیل تغییر مدل فکری این نسل است. بخش زیادی هم ناشی از درک کارفرمایانی است که متوجه تفاوت فکری و نگرشی نیروی کار امروز با گذشته نشده‌اند. نمی‌توان با سبک مدیریتی گذشته بر نسل امروز مدیریت کرد. پس تغییر کنیم، قبل از آنکه مجبور شویم.

منبع: کانال‌های تلگرامی

مدل جریان درآمدزایی شده‌اند، در حالیکه این گروه سنی در گذشته اساساً بازارهای مالی را یا نمی‌شناختند، یا آنها را به عنوان شغل دوم لحاظ می‌کردند. بیش از هزار نفر اینفلوئنسر اینستاگرام هستند و سی‌وپنج هزار نفر در تلاشند تا مانند این هزار نفر از این طریق به درآمد برسند. تعداد ۱۵ هزار جوان به صورت اختصاصی شغل گرداندگی کانال تلگرامی را انتخاب کرده‌اند و در سال جمعاً ۱۵ میلیارد تومان درآمد دارند. در ایران ۶۶۵ نفر پیج اینستاگرام با فالوورهای بین یک تا پنج میلیون نفر دارند و برای هر تبلیغ در این پیج‌ها حدود ۱۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند. و در نهایت بخش عمده نیروی کار جوان، ترجیح می‌دهد نه دنبال کار باشد و نه مشغول به کاری، چرا که ارزش زمان خود را بیشتر از این می‌داند که ۳۰ روز از عمر خود را به قیمت دو میلیون تومان بفروشد!

همین آمارها کافاست تا نسبت به تغییرات مدل فکری نسل جدید کنجکاو باشیم و بدانیم که نیروی کار خوش فکر و مستعد، در حال

اگر فعال اقتصادی هستید، با کسب و کاری دارید، این گزارش را مطالعه کنید.

در آینده نزدیک برای صنایع، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی، نیروی کار متخصص و خوش فکر که گرداننده امور باشد، قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد و باری را از روی دوش شرکت و سازمان شما بردارد، وجود نخواهد داشت، زیرا الگوی فکری نسل جدید در ایران وارد جریان‌های جدید درآمدزایی شده. گروه زیادی معتقدند که یک گوشی موبایل قادر است تا پنج برابر حقوق ماهانه وزارت کار درآمدزایی کند. فقط بیش از هزار نفر در ایران پکیج‌های «روش درآمدزایی» را با گوشی موبایل می‌فروشند که مهمترین آنها ۵۰۰ هزار نفر فالوور دارد، این یعنی ۵۰۰ هزار نفر از نیروی کار کشور فقط گرد یک نفر جمع شده‌اند که معتقد است نباید برای شرکت یا سازمانی کار کنید.

بیش از یک میلیون نفر از نیروی کار ۲۵ تا ۴۰ سال با سرمایه‌گذاری در بورس، ارزشهای دیجیتال و بازارهای مالی، وارد این



چگونه پول پیمانکاران را پرداخت نکنیم!

(راهنمای عملی برای شرکت‌های دولتی و مشابه - ۱۰٪ تضمینی)

مجید آواژ: سازمان‌های دولتی متخصص عدم پرداخت مطالبات پیمانکاران هستند.

از آنجا که ما با چندین سازمان و اداره دولتی و شبه‌دولتی و خصولتی (خصوصی‌هایی که به طور عملی دولتی هستند) سر و کار داریم، لذا توانسته‌ایم مجموعه‌ای از روش‌هایی را که هر یک از آنها به کار می‌برند، شناسایی کرده و به دانش خود اضافه کنیم. با توجه به اینکه گسترش دانش بشری را وظیفه خود می‌دانیم، این راهنما را برای این عزیزان! تهیه کرده‌ایم. بنابراین، اگر شما یک سازمان دولتی و یا مشابه آن هستید که می‌توانید خلاف قانون رفتار کنید و کسی هم نمی‌تواند بگوید بالای چشم شما ابرو است، این راهنما برای شماست!

۱) دروغ بگویید: باور کنید که کاری راحت‌تر از دروغ‌گویی وجود ندارد. دروغ‌گویی رکن رکن و اصل اصولی همه اقدام‌های شماست. پس آن را در همه مراحل زندگی اداری خود در نظر داشته باشید و بدانید که اگر صداقت داشته باشید و بخواهید دروغ را حذف کنید، هیچکدام از راهکارهای بعدی شدنی نیست.

۲) پیمانکار را سر بگردانید: سرگردان کردن پیمانکار بیچاره‌ای که سه ماه است حقوق همکاران شرکت خود را پرداخت نکرده، کاری جذاب و مفرح محسوب می‌شود، مثل آن می‌ماند که یک تکه گوشت را با نخ آویزان کنید و گریه بیچاره و کلافه‌ای را به دنبال آن بکشید و خُب، کلی موجب شادی و تفریح است! به عنوان نمونه، اگر صورت‌وضعیت را هنوز بررسی نکرده‌اید، می‌توانید بگویید که صورت‌وضعیت در امور مالی است برای صدور سند! وقتی پیمانکار بینوا برای پیگیری به امور مالی مراجعه می‌کند، به او می‌گویند: «نه، خبری نیست، هنوز چیزی به ما نرسیده، از دفتر مدیر بپرسید!» خُب، مسوول دفتر مدیر هم که راهکارهای خود را بلد است که در ادامه همین نوشته تشریح خواهد شد. به همین سادگی و خوشمزگی می‌توانید پیمانکار را چند روز به دنبال صورت‌وضعیتش سرگردان کنید تا مشخص شود که ناظر محترم صورت‌وضعیت پیمانکار دیگری را اشتباهی! به جای صورت‌وضعیت شما ارسال کرده‌است.

۳) گم‌شدن صورت‌وضعیت: یکی از کارهای

خوب شما این است که صورت‌وضعیت پیمانکار را گم کنید. مگر می‌شود؟! بله چرا که نه! کافی است که با دبیرخانه هماهنگ باشید و بگویید اگر پیمانکاران صورت‌وضعیت فرستادند، آن را به سطل آشغال بیندازند. یا دبیرخانه نامه را دریافت کرده، اما در دفتر مدیر نیست! پیمانکار بینوا پس از مدتی که به ناظر برای بررسی صورت‌وضعیتش مراجعه می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که صورت‌وضعیت گم شده‌است. حالا مگر طوری شده؟ ده روز گذشته و دوباره از پیمانکار می‌خواهید که صورت‌وضعیت را دوباره ارسال کند. کم پیدا می‌شود پیمانکاری مثل شرکت... که بگوید «سازمانی که توان ثبت یک نامه را ندارد، به درد کار کردن نمی‌خورد!» اکثر نزدیک به اتفاق پیمانکاران دوباره آن را ارسال می‌کنند و شما هم کلی حال کرده‌اید.

۴) یک راه عجیب! اگر شما سیستم صورت‌وضعیت‌هایتان مکانیزه است، راه خوبی در انتظار شماست. سیستم را قطع کنید و به همه بگویید که سیستم مشکل دارد. در مورد سیستم مالی هم می‌شود این کار را انجام داد. دو فایده



دارد: هم اینکه کسی نمی‌تواند صورت وضعیت ثبت کند، هم اینکه پیمانکار سیستم صورت وضعیت را متهم می‌کنید که بلد نیست کارش را انجام دهد و باید جریمه شود و پیش سایر همکاران خود آن را خراب می‌کنید. فکر می‌کردید این قدر باهوش باشید؟ ایول دارید!

۵) جواب‌ندان به پیمانکار: واااااا که چقدر باحال است که یک پیمانکار با شما تماس بگیرد و کلافه باشد و سرگردان و جوابش را ندهید. می‌توان گوشی را اشغال کرد و یا از پرز کشید. آدم احساس قدرت می‌کند و بخش زیادی از عقده‌های آدم از دوران بچگی، گشوده می‌شود. اصلاً خیلی خوب است که پیمانکار دانش آموخته صنعتی مثلاً اصفهان کارش به من بیفتد که کاردانی خودم را در رشته پرورش تخم حیوانات اهلی و یا آبیاری گیاهان دریایی از فلان دانشگاه در بهمان کوره ده گرفته‌ام. اینکه می‌گویند عدالت اجتماعی اصلاً یعنی همین.

۶) آقای مهندس در جلسه هستند: به این می‌گویند حال چندانکه! چرایش این است که شما منشی دارید و به منشی می‌سپارید که اگر پیمانکاران زنگ زدند، بگویید جلسه دارید. چند حال باحال این‌جا هست که باید به آن آگاه شوید. اول به منشی خود داف‌پندارتان^۱ که با پارتی فلان مقام و نماینده سر کار آمده، می‌گویید که بسیار قدرتمند هستید و او باید حساب کار خودش را بکند و پارتی‌اش فلانی است که باشد! بعد به پیمانکار ثابت می‌کنید که آدم مهمی هستید، اما حال آخر نصیب منشی می‌شود. او هم احساس قدرت می‌کند که با آن صدای تودماغ‌انداخته می‌گوید: «مشخص نیست جلسه ایشان کی تمام می‌شود، حالا تماس بگیرید یکی- دو ساعت

دیگه!» اصلاً چه لذتی دارد که پیمانکار باید مجیزش را بگوید تا بتواند با رییس صحبت کند. ببینید چقدر این کار کیف و حال دارد!!

۷) قدرت‌نمایی ناظر: شما که مدارک عالی خود را از فلان دانشگاه رها و آزاد از علم و دانش گرفته‌اید و تا چند روز پیش علاوه بر احساس پوچی محض، دنبال پارتی می‌گشتید که در یک جای دولتی مشغول به کار شوید، از امروز تبدیل به یک موجود نیکام، باارزش و نفیس شده‌اید که می‌توانید صورت وضعیت پیمانکار را تأیید کنید و علاوه بر اثبات مهم بودن خودتان، سواد نداشته خود را هم به رخ او بکشید! موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که با خرج سازمان بدبخت خود چند دوره آموزشی با حق مأموریت هم رفته‌اید و مو لای درز سوادتان نمی‌رود! پیمانکار باید برای تأیید صورت وضعیت پشتیبانی بسته نرم‌افزاری خود حتماً فلان نمودار گردش TableSpace² را تحویل دهد که به نحوی در مهندسی نرم‌افزار منسوخ شده‌است. اینکه چه ربطی دارد، اصلاً مهم نیست. همه اجزای سازمان از شما حمایت می‌کنند که روی پیمانکار را کم کنید و همه با هم حالش را ببرید. قدرت‌نمایی ناظر انتها ندارد، حتی می‌توانید جریمه‌اش کنید و با هم بخندید! یا از او بخواهید کارهای محیرالعقول انجام بدهد و یا او را تا سرحد جنون و حمله قلبی و حتی مرگ عصبانی کنید. خیلی خوب است این‌ها. حیات و ممات پیمانکار دست شماست!

۸) قول آنگی که کتور نمی‌اندازد: بعد از اینکه پیمانکار تمام مراحل ناظر و امور قراردادهای او را توانست پشت سر بگذارد، خان آخر امور مالی است. این روش بیشتر به درد مالی‌چی‌هایی می‌خورد که در آخرین مرحله پرداخت چک هستند و راه فرافکنی از آن‌ها سلب شده. به پیمانکاری که پیگیر چک خود است، بگویید: هفته دیگر! هفته دیگر هم بگویید: هفته دیگر! مدل فردا- پس فردا هم دارد. هر روز بگویید: فردا! اینکه می‌گویند حرف مرد یکی است، از همین جا آمده! همیشه بگویید فردا! خود پیمانکار خسته می‌شود، دیگر زنگ نمی‌زند!

۹) توافق شرافتمندان: همه راه‌هایی که گفته شد، برای پیمانکاری است که اهل تعامل نیست و چموش است! پیمانکاران اهل تعامل و خوب هم هستند، بسیار هم زیاد هستند. در این حالت، شما تبدیل می‌شوید به یک صندلی که قابل خرید و فروش است. کافی است که چند درصد ناقابل از رقم‌های قابل دریافت پیمانکار به شما اختصاص پیدا کند که خیلی از مشکل‌ها حل شود. البته در این حالت هم حواستان به پیمانکار باشد که زیاد دور بر ندارد. درست است که او شما را خریده است، اما شما هم چندان دست‌بسته نیستید و پول را بابت زحمات ارزشمند خود دریافت کرده‌اید! پیمانکار باید بداند که همیشه در دستان پر قدرت شما قرار دارد و نمی‌تواند از حد و اندازه خود خارج شود.

اما جدای از طنز تلخی که گفته شد، هنوز هم هستند کارفرمایانی که می‌خواهند بر اساس اخلاق و انسان بودن زندگی کنند و کار سازمان خود را با وجدان انجام دهند و به پیمانکار نیز به عنوان یک هممنوع که تصمیم گرفته بر اساس صلاحیت‌های علمی و فنی خود زندگی کند، نگاه می‌کنند. آن‌ها به‌خوبی می‌دانند که پیمانکار هم باید زندگی کند و مرگ و آزار پیمانکار را مایه لذت خود نمی‌دانند.

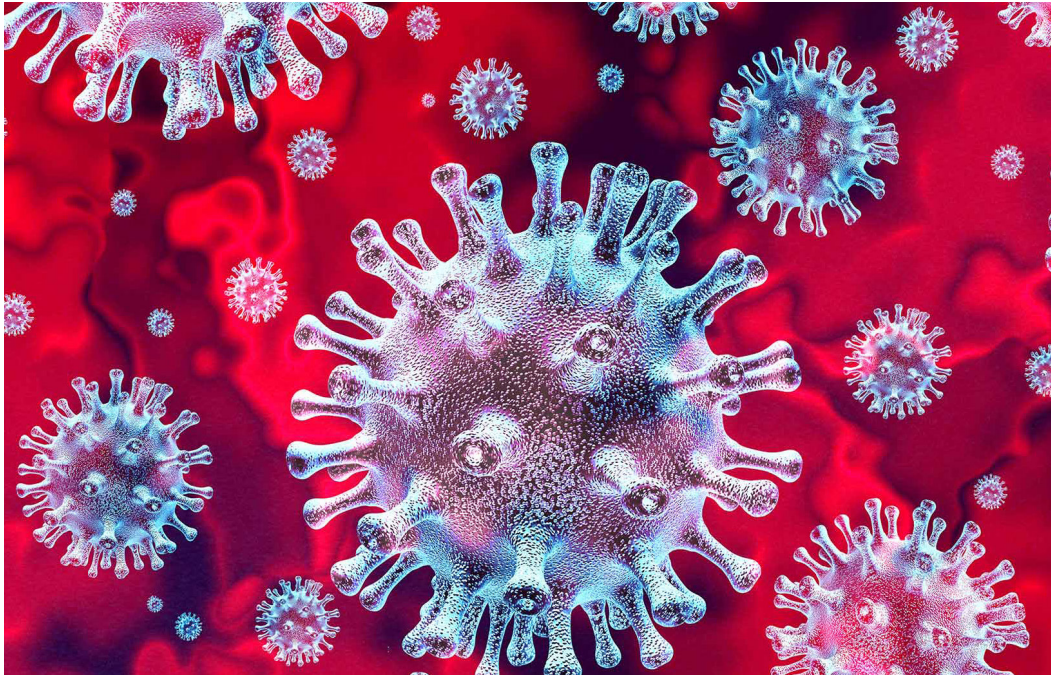
منبع:

<https://www.behsadd.com/weblog/2298>

۱- (DUFF) مخفف عبارت انگلیسی Dumb Ugly Fat Friend است که معنی لغوی‌اش می‌شود: دوست چاق زشت و لال، اما در حال حاضر و در تداول روزمره جوانان ایرانی، معانی رمزی- کنایی تازه‌ای یافته. توضیح در باره یکی از این معانی چنین است: داف بودن یک حرفه زبانه است که چند سالی است در ایران باب شده. برای داف شدن نیازی به تحصیلات عالی دانشگاهی نیست، یک فوق دیپلم یا یک لیسانس کفایت می‌کند. برای داف شدن نباید زیاد فکر کنید، اگر از شما پرسیدند مثلاً باقر نصیر کیست؟ یا فرق سازمان ملل با شورای امنیت چیست؟ مثل گوسفند نگاه کنید. آخرین کتابی که خوانده‌اید، ماکزیمم ترجمه «گیتی خوشدل» باشد. هفته‌ای دوبار کافی‌شاپ بروید، دوبار دانشگاه، دوبار رستوران، دو پارتی، دوبار کارواش ماشین و دوبار آرایشگاه. سالی دوبار موبایل‌تان را عوض کنید... دوبار با پدر و مادرتان قهر کنید و هرگز به آینده خودتان و کشور خودتان فکر نکنید، هر کس هم که از این لوس‌بازی‌ها در آورد، به او نگاه عاقل‌اندر سفیه بیندازید. و از همه مهمتر، هرگز کار نکنید. پدر و مادر چشمشان چهارتا، بچه پس انداخته‌اند، حالا هم باید خرجش را بدهند...

<https://www.parsine.com/fa/news/244998>

۲- یک اصطلاح نرم‌افزاری است به معنای محلی برای ذخیره‌سازی داده‌های دیجیتالی در پایگاه داده‌ها.



تحلیل جزییات بیشتر گزارش بانک جهانی به این نتیجه قطعی می‌انجامد که مسأله کرونا، مهم‌ترین متغیر مؤثر بر وضعیت کسب و کارها در سال ۲۰۲۰ بوده‌است.

وضعیت کسب و کارها در ایران و جهان

(با نگاهی به گزارش بانک جهانی و مرکز پژوهش‌های مجلس برای سال ۲۰۲۰)

سال گذشته، به ۱۲۷ بهبود یافته‌است. با وجود این، ایران در مقایسه با کشورهای ذکرشده در سند چشم‌انداز، با یک رتبه تنزل (به دلیل بهبود وضعیت پاکستان) در جایگاه بیستم در میان ۲۵ کشور قرار گرفته‌است.

در این گزارش، همچنین امتیاز فاصله ایران از پیشروترین کشورها، برای اولین بار در سال‌های اخیر کاهش یافته و از ۶/۵۸ به ۵/۵۸ رسیده و این سؤال را مطرح کرده‌است که با وجود تغییر در مقررات که شرایط کسب و کار در ایران را دشوارتر کرده و امتیاز کل کشور را تنزل داده، چگونه رتبه کشور یک پله صعود کرده‌است؟ پاسخ این پرسش

ایران) تا کنون به جایگاه مطلوبی دست نیافته‌ایم. اما روند نزولی رتبه ایران از ابتدای حضور در این گزارش، در سال ۲۰۰۵ به یکباره شروع به بهبود کرد. بخش عمده این بهبود رتبه هم ناشی از بازنگری بانک جهانی در داده‌های اشتباه سال‌های گذشته بود. طبق بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، در بازنگری‌های انجام‌شده در مورد ایران، تنها بخشی از خطاهای فاحش سال‌های گذشته در ارسال اطلاعات تعدیل شده‌اند.

از سال ۲۰۱۷ مجدداً روند نزولی در رتبه ایران آغاز شد، اما در آخرین گزارش انجام کسب و کار برای سال ۲۰۲۰ رتبه ایران از ۱۲۸ در

در گزارش‌های سالانه «انجام کسب و کار» که از سال ۲۰۰۵ توسط بانک جهانی منتشر می‌شوند، میزان سهولت محیط حقوقی و اداری کسب و کارها در طول چرخه عمر بنگاه‌های کوچک و متوسط، در قالب ۱۰ نماگر در کشورهای مختلف اندازه‌گیری و نتیجه هر سال به صورت رتبه‌بندی کشورها از نظر سهولت انجام کسب و کار اعلام می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با اینکه از سال ۲۰۰۶ در این رتبه‌بندی حضور یافته، ولی به دلایل مختلف، از جمله علل فنی (مانند دشواری تأسیس و اداره واحد تولیدی در ایران) و علل غیرفنی (به خصوص ارسال اطلاعات اشتباه از

به رغم تکلیف دولت در ماده ۲۲ قانون برنامه ششم توسعه برای ارتقای کشور به رتبه سوم در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز، جایگاه ایران نسبت به سال گذشته با یک رتبه تنزل، به جایگاه بیستم رسیده، در حالی که عربستان سعودی با ۳۰ رتبه بهبود نسبت به سال قبل، به عنوان کشور پیشرو در اصلاحات معرفی شده است.

پاکستان، به جایگاه بیستم رسیده است. شایان ذکر است که عربستان سعودی با ۳۰ رتبه بهبود نسبت به سال قبل، به عنوان کشور پیشرو در اصلاحات معرفی شده است.

اصلی‌ترین راهکار مورد توصیه بانک جهانی که کشورهای پیشرو، از جمله گرجستان، با به‌کارگیری آن موفق به جهش در شاخص سهولت انجام کسب و کار شده‌اند، راه‌اندازی پنجره واحد الکترونیکی در تمامی مراحل آغاز و فعالیت کسب و کار است. شایان ذکر است که پنجره واحد الکترونیکی با حذف مراجعات مکرر کارآفرین به نهادهای مختلف حکومتی، مانع اتلاف زمان و هزینه می‌شود. اما متأسفانه در ایران تا کنون دولت عزم جدی در استقرار کامل پنجره واحد الکترونیکی نداشته و تنها به اصلاحات جزئی اکتفا کرده است. بدیهی است که با ایجاد بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی و سیستمی شدن فرایندها در نهادها و دستگاه‌های اجرایی کشور و مهمتر از آن، هماهنگی وزارتخانه‌ها و نهادهای زیرمجموعه قوه قضاییه برای تبادل اطلاعات کسب و کارهای خصوصی، قطعاً شاهد جهش سعودی جایگاه کشور در گزارش انجام کسب و کار در سال‌های آینده خواهیم بود. البته اصلاح قانون تجارت در حوزه ورشکستگی و سهامداران خرد نیز می‌تواند بر بهبود رتبه کشور تأثیر مثبت داشته باشد.



گذشته،

(۴) تغییر وضعیت سایر کشورها.

بررسی جزئیات این گزارش نشان می‌دهد که تغییر رتبه ایران در نماگرها، تنها به دلیل تغییر وضعیت سایر کشورها نسبت به ایران بوده و در نتیجه، می‌توان گفت که تغییرات مثبت در امتیاز و رتبه کشور در سال ۲۰۲۰ خارج از محدوده اثرگذاری دولت و مجلس شورای اسلامی بوده و دولت تقریباً هیچ نقشی در بهبود اندک رتبه کشور در این سال نداشته است. در حقیقت، تغییرات روش‌شناسی بانک جهانی و تغییرات به دلیل بازنگری در داده‌های اشتباه سال‌های گذشته، به طور عمده و همچنین تغییر وضعیت سایر کشورها، مانع از سقوط رتبه ایران در گزارش سال ۲۰۲۰ شده‌اند.

نکته دیگری که در این رابطه گفتنی است، اینکه به رغم تکلیف دولت در ماده ۲۲ قانون برنامه ششم توسعه برای ارتقای کشور به رتبه سوم در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز، در گزارش انجام کسب و کار، جایگاه ایران نسبت به سال گذشته با یک رتبه تنزل و جاماندن از

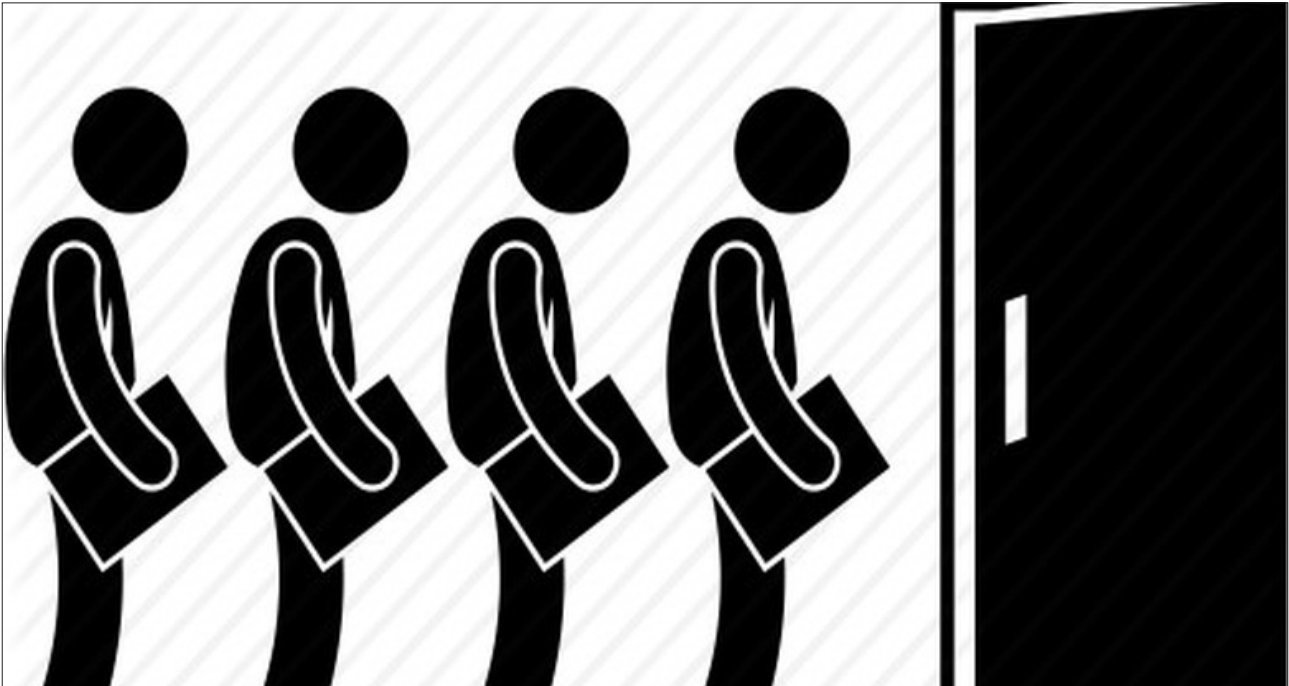
در بازنگری داده‌ها و تغییر روش استخراج شاخص انجام کسب و کار در گزارش جدید است. توضیح آنکه تغییرات رتبه هر کشور در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی می‌تواند ناشی از چهار عامل زیر باشد:

(۱) تغییر روش‌شناسی بانک جهانی در محاسبه شاخص،

(۲) انجام اصلاحات واقعی توسط دولت،

(۳) اعمال بازنگری در داده‌های اشتباه سال‌های

در آخرین گزارش انجام کسب و کار برای سال ۲۰۲۰ رتبه ایران از ۱۲۸ در سال گذشته، به ۱۲۷ بهبود یافته، اما بررسی جزئیات گزارش نشان می‌دهد که تغییر رتبه ایران، تنها بدلیل تغییر وضعیت سایر کشورها نسبت به ایران بوده و دولت تقریباً هیچ نقشی در بهبود اندک رتبه کشور در این سال نداشته است.



اخراج کارکنان و افزایش بیکاری یکی از مهمترین اتفاقات سال ۲۰۲۰ بوده است.

- (۴) توجه بیشتر به موضوعات زیست‌محیطی و پایدارسازی شرایط اقلیمی،
 (۵) کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و رشد تمایل به سوی استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر،
 (۶) ادامه حرکت سرمایه‌گذاران به سمت مسوولیت‌پذیری اجتماعی و رعایت ضوابط زیست‌محیطی،
 (۷) پررنگ شدن شعارهای حمایت از سیاه پوستان به خاطر مرگ فجیع جورج فلوید در آمریکا،
 (۸) گسترش معنای مسوولیت‌پذیری شرکتی،
 (۹) جامعه‌گرایی شرکت‌ها و دفاع آنها از ارکان جامعه،
 (۱۰) افزایش تقاضا برای اصلاح نظام سرمایه‌داری.

منابع:

<https://www.magiran.com/article/4136868>
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1344565>
<http://radioeqtesad.ir/NewsDetails/?m=090001&n=535694>
 World Bank Group, Doing Business 2020, Economy Profile, Iran, Islamic Rep.
www.doingbusiness.org, Historical Data

بشر هم بزرگتر شده‌اند. در این رابطه می‌توان به افزایش نابرابری‌های اقتصادی اشاره کرد، زیرا در این دوره، میلیاردرهای آمریکایی یک تریلیون دلار به ثروت خود افزوده‌اند. تغییرات اقلیمی هم شدیدتر از همیشه خود را نشان داده و وقوع توفان‌های بزرگ، امواج گرما و آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه در استرالیا و کالیفرنیا، نگرانی‌های بسیاری را بوجود آورده‌است. مجموعه تغییرات اقلیمی مزبور باعث شده‌اند که سال ۲۰۲۰ به گرمترین سال تاریخ تبدیل شود.

روی‌هم‌رفته میتوان گفت که اتفاقات سال ۲۰۲۰ بیشمارند، اما ۱۰ مورد از مهمترین آنها که توجه تحلیلگران را جلب کرده‌اند، به شرح زیر می‌باشند:

- (۱) کندشدن حرکت به سمت توسعه پایدار،
- (۲) افزایش نوآوری کسب و کارها برای مقابله جهانی با کووید ۱۹،
- (۳) ایجاد تغییرات مهم و تاریخی در کمیت و کیفیت کسب و کارها و شیوه‌ارایه خدمات به مردم، از جمله تعطیلی گسترده فعالیت‌های گردشگری، ورشکستگی، تعدیل وسیع نیروی کار و اخراج کارکنان، کاهش دستمزدها و افزایش بیکاری،

اصلی‌ترین راهکار مورد توصیه بانک جهانی که کشورهای پیشرو با به‌کارگیری آن موفق به جهش رتبه در شاخص سهولت انجام کسب و کار شده‌اند، راه‌اندازی پنجره واحد الکترونیکی در تمامی مراحل آغاز و فعالیت کسب و کارهاست.

دگرگونی وضعیت کسب و کارها در سال ۲۰۲۰

از سوی دیگر، گزارش تازه بانک جهانی نشان‌دهنده آن است که کسب و کارهای کشورهای مختلف در سال ۲۰۲۰ با انواع شوک‌های ناشی از «همه‌گیری کرونا»، «جنبش ضد نژادپرستی» و «تغییرات اقلیمی» روبرو بوده‌اند و در نتیجه، دچار ۱۰ دگرگونی بزرگ شده‌اند.

تحلیل جزئیات بیشتر این گزارش به این نتیجه قطعی می‌انجامد که مسأله کرونا، مهمترین متغیر مؤثر بر وضعیت کسب و کارها در سال ۲۰۲۰ بوده و برخی از مهمترین چالش‌های پیش روی



بحران «نامری»

گزارشی در باره کیفیت آب در جهان و «ریسک بالا» برای ایران

می‌تواند مردم را با قحطی و محیط زیست را با نابودی مواجه سازد. عواملی مانند تغییر کاربری زمین برای مصارف کشاورزی، صنعت و ساختمان‌سازی، نابودی جنگل‌ها، تغییرات اقلیمی که باعث به هم خوردن الگوهای متداول بارندگی می‌شوند، عدم رعایت استانداردهای محیط زیستی و غیره، باعث از بین رفتن کیفیت آب می‌شوند. برای نمونه نیتروژن که عنصری حیاتی برای کشاورزی است و بسیاری از کشاورزان نیز از مواد دارای نیتروژن مانند کودهای شیمیایی برای افزایش بهره‌وری محصولات خود استفاده می‌کنند، نهایتاً با

باکتری‌ها، فاضلاب شهری، مواد شیمیایی و پلاستیک‌ها می‌توانند اکسیژن آب را از بین ببرند و آب را به حدی مسموم کنند که برای انسان و اکوسیستم خطرناک باشد. بانک جهانی می‌گوید: معمولاً در تحقیقات بین‌المللی موضوع کمبود آب و بحران خشکسالی و غیره مورد توجه قرار می‌گیرد، اما کیفیت آب بحرانی است که باید آن را به شدت جدی گرفت. این گزارش در ادامه نهادهای بین‌المللی، دولتی و محلی را به افزایش توجه به موضوع آلودگی آب دعوت کرده و هشدار داده‌است که این بحران نیاز به حل سریع دارد، چرا که

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود از بحران «نامری» کیفیت آب در جهان خبر داده و ایران را نیز در میان کشورهای بشمار آورده که با «بالاترین درجه ریسک» مواجه هستند. بر اساس این گزارش که در سایت رسمی بانک جهانی منتشر شده، بحران کیفیت آب در حال از بین بردن یک‌سوم اقتصاد بالقوه مناطقی است که با بحران شدید کیفیت آب مواجهند و این مشکل همچنین تهدیدی جدی برای سلامتی مردم و محیط زیست است. این گزارش می‌افزاید: نتایج پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که چگونه عواملی مانند



بانک جهانی به نهادهای بین‌المللی، دولتی و محلی هشدار داده‌است که بحران کیفیت آب را جدی بگیرند، چرا که می‌تواند مردم را با قحطی و محیط زیست را با نابودی مواجه سازد.

بارندگی وارد رودخانه‌ها می‌شود و باعث ایجاد مواد سمی در آب رودخانه شده و منجر به از بین رفتن اکوسیستم می‌شود. این عوامل به همراه از بین رفتن خاک مرغوب، خشکسالی‌ها، توفان و استفاده بی‌رویه از منابع زیرزمینی آب، باعث می‌شوند که سالانه تولیدات محصولات کشاورزی به اندازه تغذیه ۱۷۰ میلیون نفر از بین برود. این گزارش می‌افزاید: از بین رفتن کیفیت آب و خاک در بخش‌های گسترده‌ای از جهان در حال وقوع است و باید سریع جلوی این پدیده گرفته شود.

گفتنی است که طی سال‌های گذشته، گزارش‌های متعددی راجع به تأثیرات مخرب فعالیت انسانی بر محیط زیست منتشر شده، از جمله انتشار سالانه حدود ۳۳ میلیارد تن دی‌اکسید کربن از طریق سوخت‌های فسیلی که منجر به گرمایش زمین می‌شود و همچنین رهاسازی فاضلاب صنعتی و خانگی به طبیعت و رودخانه‌ها، وجود بیش از پنج تریلیون تن آلاینده‌های پلاستیکی در دریاها و اقیانوس‌ها و موارد دیگر.

نیمه پنهان بحران آبی

برخی از منابع خبری نیز این موضوع را «نیمه پنهان» بحران آبی نامیده‌اند و یادآور شده‌اند که بر اساس یافته‌های این گزارش، کشورهای غنی و فقیر به طور مشابه از کیفیت پایین منابع آبی رنج می‌برند. به عنوان نمونه به اجرای سوختن رودخانه کویاهوگا بدین شرح اشاره شده است: تابستان ۱۹۶۹ بود که رودخانه کویاهوگا شروع به سوختن کرد، البته این اولین بار نبود که رودخانه

به گزارش بانک جهانی، عمده آتش‌سوزی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ناشی از سوختن مواد بسیار ریز موجود در آب همچون باکتری‌ها، فاضلاب، مواد غذایی و پلاستیک است که با کاهش چشمگیر میزان اکسیژن در آب، محیطی جهنمی را برای انسان‌ها و گونه‌های جانوری ایجاد کرده‌اند.

آلوده واقع در ایالت اوهایو شمالی در آمریکا شعله‌ور می‌شد، و حتی دهمین بار هم نبود! آتش گرفتن این رودخانه به خاطر صدماتی که به بار آورد و حتی مدت سوختن معروف نشد، بلکه این اتفاق جرقه‌ای بود برای اوج گرفتن ناآرامی‌های محیط زیستی که در آن زمان سراسر آمریکا را فرا گرفته بودند. در جریان این آتش‌سوزی شش ماهه، کنگره آمریکا قانونی را تحت عنوان «قانون ملی سیاست‌های محیط زیستی» به تصویب رساند که نتیجه آن تأسیس «سازمان حفاظت محیط زیست» در این کشور بود. یکی از اولین اجاریات این سازمان هم تصویب «قانون آب پاک سال ۱۹۷۲» بود که بر اساس آن، تمام آبراه‌های این کشور باید تا سال ۱۹۸۳ برای شنای افراد و زیستگاه جانوری پاک و ایمن می‌شدند.

اما پس از گذشت ۵۰ سال از آن موضوع، کیفیت آب هنوز هم یکی از چالش‌های اصلی جهان محسوب می‌شود، چون در حال حاضر، بسیاری از رودخانه‌های جهان مانند رودخانه کویاهوگا، در شعله‌های آتش می‌سوزند، همچون رودخانه میو در شرق چین، یا دریاچه بلاندور در هند که خاکستر ناشی از آنها روی

به گزارش بانک جهانی، نه تنها آلودگی منابع آبی با رشد اقتصادی کشورها کاهش نمی‌یابد، بلکه افزایش رفاه جوامع، منجر به تشدید تنوع آلودگی‌ها می‌شود.

معمول، بیش از نیمی از کودهای نیتروژن استفاده شده در زمین‌های کشاورزی وارد آب و هوا می‌شوند. ورود این ماده به منابع آبی می‌تواند منجر به کاهش سطح اکسیژن آب و ایجاد نواحی مرده شود، وضعیتی که برای رسیدگی به آن شاید به قرن‌ها زمان نیاز باشد. ورود نیتروژن به هوا نیز می‌تواند به شکل‌گیری اکسید نیتروژن منجر شود. یادآوری می‌کند که اکسید نیتروژن نوعی گاز گلخانه‌ای است که بیش از ۳۰۰ برابر نسبت به کربن دی‌اکسید در تجمع گرما در جو قوی‌تر عمل می‌کند. به همین خاطر است که بسیاری از محققان معتقدند که جهان امروز از مرزهای امن مجاز برای ورود نیتروژن به محیط زیست عبور کرده است. به عقیده آنها نیتروژن با پیشی گرفتن از کربن، در حال حاضر بزرگ‌ترین آلاینده خارجی جهان محسوب می‌شود.

به گزارش بانک جهانی نمک نیز به عنوان اصلی‌ترین عنصر آلاینده از زمان عهد باستان نقشی روزافزون در آلودگی‌های خاکی و آبی سراسر مناطق جهان دارد، زیرا امروزه منابع آبی و خاکی نمکی در سراسر جهان در حال گسترش هستند، به خصوص در مناطق ساحلی کم‌عمق، مناطق خشک آبیاری‌شده و حاشیه شهرها، که مجموعاً بر بازدهی محصولات کشاورزی موثرند و خطرات زیادی را به دنبال دارند.

منابع:

سایت رسمی بانک جهانی

<https://www.radiofarda.com/a/world-bank-report-on-water-crisis-iran-quality/30121093.html>
<https://donya-e-eqtasad.com>

با چالش‌هایی مواجه کرده‌اند. برای روشن شدن این موضوع، بانک جهانی در گزارش خود از بزرگ‌ترین مجموعه داده‌ای کیفیت آب استفاده کرده است. بر اساس یافته‌های این گزارش، کشورهای غنی و فقیر به طور مشابه از کیفیت پایین منابع آبی رنج می‌برند. به عبارتی، حتی کشورهای ثروتمند هم از کیفیت پایین منابع آبی مصون نیستند. گفتنی است که این یافته نظریه محیط زیستی «منحنی کوزنت» را که می‌گوید: با افزایش سطح رفاه، میزان آلودگی منابع آبی کاهش می‌یابد، رد می‌کند. به گزارش بانک جهانی نه تنها آلودگی منابع آبی با رشد اقتصادی کاهش نمی‌یابد، بلکه افزایش رفاه جوامع منجر به تشدید تنوع آلودگی‌ها می‌شود. برای مثال، ایالات متحده به تنهایی سالانه بیش از ۱۰۰۰ نوع ماده شیمیایی جدید را وارد محیط زیست می‌کند، و این، یعنی سه ماده شیمیایی جدید در هر روز! بدیهی است که رسیدگی به چنین مخاطراتی در کشورهای پیشرفته بسیار دشوار است، چه رسد به اقتصادهای در حال توسعه.

اما نکته مهم این است که گرچه تا کنون تمرکز نهادهای بین‌المللی بر کمیت منابع آبی بوده، اما آنچه بیش از آن اهمیت دارد، همانا کیفیت این منابع است. به گزارش بانک جهانی اثرات ناشی از منابع آبی بی‌کیفیت برای سلامت، کشاورزی و محیط زیست، فراتر از آن چیزی است که تا کنون تصور می‌شد. به عبارت دیگر، زمانی که اثرگذاری بر تمام بخش‌ها با هم دیده می‌شود، می‌توان مشاهده کرد که آب‌های آلوده و بی‌کیفیت سهم قابل توجهی در کاهش رشد اقتصادی کشورها دارند. آلاینده‌های شناخته‌شده همچون آلودگی‌های ناشی از سیستم‌های آب و فاضلاب، در کنار مواد آلاینده جدید مانند مواد غذایی، پلاستیک‌ها، مواد شیمیایی، آلودگی‌های پزشکی و... در حال حاضر اصلی‌ترین اثرگذاری را در این حوزه دارند.

از سوی دیگر، گرچه نیتروژن برای کشت محصولات کشاورزی ضروری است، اما ماده‌ای پرنوسان و بی‌ثبات محسوب می‌شود و به طور

ساختمان‌های شش مایل دورتر نشست. به گزارش بانک جهانی عمده این آتش‌سوزی‌ها ناشی از سوختن مواد بسیار ریز موجود در آب همچون باکتری‌ها، فاضلاب، مواد غذایی و پلاستیک بوده‌است که با کاهش چشمگیر میزان اکسیژن در آب، محیطی جهنمی را برای انسان‌ها و گونه‌های جانوری ایجاد کرده‌اند.

فهم این مشکل نه تنها با چالش فقدان اطلاعات کافی مواجه بوده، بلکه پیچیدگی این موضوع گاهی فراتر از مرزهای علوم همچون محیط زیست، سلامت، اقتصاد و منابع آبی قدم نهادهاست، علمی که هر یک برداشت‌هایی متفاوت از این مشکل داشته‌اند. در این رابطه بانک جهانی شواهدی تازه‌ای از خطرات پنهان نهفته زیر سطوح آب‌ها را ارائه داده و استراتژی‌های قابل درک برای مقابله با آنها را معرفی کرده است. تمرکز اصلی گزارش بانک جهانی هم بر معیارهایی است که سازمان ملل متحد در «اهداف توسعه پایدار» برای کیفیت منابع آبی دنبال می‌کند، معیارهایی همچون سطح مواد رهاشده، توازن میزان نمک و سلامت کلی محیط زیست منابع آبی. در این رابطه یافته‌های گزارش بانک جهانی حاکی از آن است که اثرات معیارهایی که در «اهداف توسعه پایدار» سازمان ملل شناسایی شده‌اند، به مراتب عمیق‌تر، گسترده‌تر و بزرگ‌تر از چیزی است که تاکنون تصور می‌شد. بنابراین، برنامه‌ریزان باید توجه خود را بر لایه‌هایی فراتر از شاخص‌های کیفیت منابع آبی مرتبط با سیستم‌های آب و فاضلاب متمرکز سازند. در این رابطه فهم ابعاد مختلف مشکل، شناسایی شدت اثرات و به‌کارگیری راه‌هایی برای مقابله با آنها برای بهبود سلامت عموم، حفظ اکوسیستم‌ها و رشد اقتصادی باثبات در طول قرن بیست‌ویکم ضروری است.

شایان ذکر است که پیچیدگی موضوع کیفیت آب و پارامترهای متعددی که در رسیدگی به آن دخیل هستند، شاید حداقل دلایلی باشند که تا کنون فعالیت‌های مدیریت کیفیت منابع آبی را

هشت نوآوری در حوزه انرژی

منبع: Alternative Energy

نویسنده: مایکل گراهام ریچارد
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

اشاره

تحولات و نوآوری‌ها در عرصه انرژی با سرعتی خیره‌کننده در حال گسترش و افزایش هستند و آینده روشن و امیدوارکننده‌ای را برای صنعت انرژی ترسیم می‌نمایند. در ادامه به هشت مورد از جدیدترین و تأثیرگذارترین تحولات و نوآوری‌ها در عرصه انرژی اشاره خواهد شد، نوآوری‌هایی که می‌توانند درس آموزنده‌ای باشند برای مبتکران و شرکت‌های دانش‌بنیانی که قصد ورود به عرصه انرژی را دارند.



(۱) نرم‌افزاری برای بهینه‌سازی کارکرد انرژی بادی

در سال‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای برای طراحی و ساخت توربین‌های بادی بهتر و بزرگتر صورت گرفته، اما در حال حاضر، ارتقای سطح دانش فنی و نرم‌افزارهای مخصوص مکان‌یابی و مدیریت هوشمند مزارع انرژی بادی در اولویت قرار گرفته‌است. طراحی نرم‌افزارهای کنترل

هوشمند انرژی بادی، عمدتاً بر اهداف زیر متمرکز شده‌اند: با استفاده از داده‌های هواشناسی و جغرافیای محلی، بفهمیم که کدام مکان برای نصب توربین‌های بادی مناسبتر است؟ هر توربین در هر سال تا چه میزان انرژی می‌تواند تولید کند؟ با انرژی مازاد تولیدشده توسط هر توربین چه می‌توان کرد؟



خوشبختانه تاکنون اقدامات مطلوبی در زمینه طراحی نرم‌افزارهایی از این دست صورت گرفته و جدیدترین آنها را هم «شرکت آی.بی.ام» انجام داده‌است. مهندسان این شرکت توانسته‌اند ابرکامپیوترهایی را که برای کنترل حجم عظیمی از اطلاعات مرتبط با انرژی باد و مزارع انرژی بادی طراحی شده‌اند، بسازند تا با استفاده از آنها تمام فرایندهای مرتبط با مکان‌یابی، نیازسنجی، نصب توربین، مدیریت انرژی و نگهداری توربین‌ها توسط نرم‌افزارهای کامپیوتری انجام شود و در کل این فرایند نیازی به حضور و دخالت عامل انسانی نباشد.



۳) توربین‌های بادی غول‌پیکر

هنگامی که به هزینه‌های مربوط به نصب، راه‌اندازی و نگهداری توربین‌های بادی نگاهی می‌اندازیم، درمی‌یابیم که تفاوت چندانی در هزینه نصب یک توربین متوسط با تولید دو مگاوات ساعت برق، با هزینه مربوط به یک توربین بزرگ با تولید شش مگاوات ساعت برق یا بیشتر وجود ندارد. پس چه بهتر که تمرکزمان را بر روی طراحی و ساخت توربین‌های بزرگتر، به ویژه در دریاها و سواحل قرار دهیم، چرا که در این حالت، می‌توان انرژی بیشتری را با صرف هزینه کمتری تولید نمود. شاید به همین دلیل هم هست که اخیراً مسابقه هیجان‌انگیزی بین شرکت‌های تولیدکننده توربین‌های بادی برای طراحی و ساخت توربین‌های بادی غول‌پیکر آغاز شده و جدیدترین شاهکار بیرون‌آمده از این مسابقه هم یک توربین بادی عظیم‌الجثه است که «شرکت زیمنس» آن را ساخته‌است. طول هر کدام از پره‌های این توربین حدود ۸۰ متر است که با طول دو بال یک فروند هواپیمای مسافربری مدل A380 برابری می‌کند. شعاع حرکتی پره‌های آن هم به بیش از ۱۵۴ متر می‌رسد.

۴) روبات‌هایی برای نصب پنل‌های خورشیدی

این نوآوری ارزشمند و تاثیرگذار نیازی به توضیح چندانی ندارد. همه ما می‌دانیم که نصب تعداد زیادی پنل خورشیدی هم فرایندی تکراری و کسل‌کننده است و هم پرخطر و پرهزینه، چون معمولاً باید هزاران

۲) نیروگاه خورشیدی خانگی

اگر بخواهید چند پنل خورشیدی را بر روی پشت بام خانه‌تان نصب و راه‌اندازی کنید تا از برق تولیدشده توسط آنها بهره‌مند گردید، به طور حتم باید رقم زیادی را برای این کار کنار بگذارید. بدیهی است که انجام چنین امری برای خیلی‌ها میسر نیست و به همین دلیل، استفاده از انرژی خورشیدی خانگی محدود به کسانی شده که از وضعیت مالی مناسبی برخوردارند، اما این افراد هم در اغلب موارد دغدغه پرداخت قبض برق منزلشان را ندارند و در نتیجه، به دنبال نصب پنل خورشیدی خانگی نیستند، در حالیکه افراد بسیاری هستند که می‌خواهند در هزینه‌های انرژی مصرفی خانه‌شان صرفه‌جویی کنند، اما استطاعت مالی برای خرید و نصب پنل‌های خورشیدی را ندارند.

با این همه، گویا خبرهای خوشی برای این افراد در راه است، چرا که شرکت‌های موفق چون «سولاریستی» که بزرگ‌ترین سازنده و نصب‌کننده پنل‌های خورشیدی در آمریکا است و «شرکت گوگل» به طور جدی وارد گود شده‌اند و می‌کوشند تا با طراحی و ساخت پنل‌های خورشیدی ارزان و همچنین ابتکاراتی همچون اجاره به شرط تملیک پنل‌های خورشیدی و فروش اقساطی آنها، زمینه‌ای را به وجود آورند که افراد مزبور بتوانند به جای پرداخت قبوض برق منزلشان، قسط پنل‌های خورشیدی را که شرکت سازنده در اختیارشان قرار داده، پرداخت نمایند.

انرژی حتی در ساعات اوج مصرف پاسخ بگویند. این باتری‌ها را «شرکت LMBC» طراحی کرده و ساخته و جدیدترین نمونه آن با توان ذخیره‌سازی دو مگاوات ساعت برق به‌زودی روانه بازارهای بین‌المللی خواهد شد.



۶) حرکت آهسته و پیوسته انرژی امواج

نوآوری‌ها و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی امواجی که همیشه و به طور پیوسته در حرکت هستند، در حال پیشرفته‌تر شدن است و می‌توان امیدوار بود که انرژی امواج نیز همانند دو خوشاوند نزدیکش، یعنی انرژی خورشیدی و باد، در سرتاسر جهان گسترش یابد. شاید به همین دلیل هم هست که کشورهای برخوردار از امواج سهمگین، از جمله اسکاتلند، نروژ و آمریکا مدتی است که به طور پی در پی در حال صدور مجوزهای تجاری برای ساخت و توسعه نیروگاه‌های امواج برای تأمین برق مورد نیاز شهرهای ساحلی‌شان هستند.

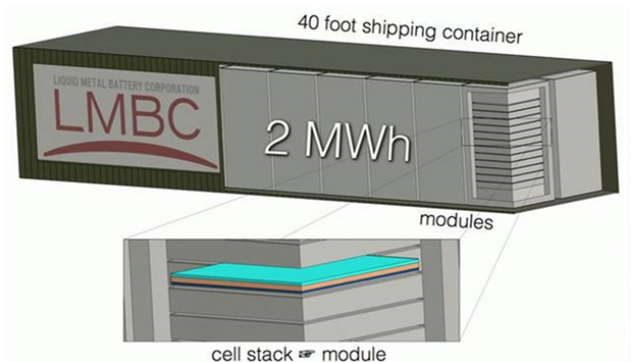


۷) ساخت پنل‌های خورشیدی بسیار نازک با کمک کوره‌های اپتیکال

در سال‌های گذشته، محققان کوشیده‌اند تا برای ساخت پنل‌های خورشیدی پوشیده‌شده از سیلیکون نازکتر و یا استفاده از موادی غیر از سیلیکون راهی را بیابند. در جدیدترین تحول در این زمینه، کوره‌های اپتیکالی طراحی شده‌اند که



قطعه پنل خورشیدی به‌درستی در کنار هم قرار بگیرند تا یک نیروگاه خورشیدی بکار بیفتد. انجام همه این کارها توسط انسان‌ها هم معمولاً با خطا و خسارت‌هایی همراه است و بازدهی آنچنانی نیز به دنبال ندارد. اما اخیراً روباتی طراحی و ساخته شده‌است که وظیفه نصب و تنظیم پنل‌های خورشیدی را با دقت بسیار بالایی انجام می‌دهد و طی مدت کوتاهی تمام پنل‌های خورشیدی یک مزرعه خورشیدی را نصب می‌کند. مهمتر از آن اینکه وظیفه مهم و حساس تمیزکردن، شستن و نگهداری بهینه این پنل‌ها را هم بر عهده می‌گیرد. بدون تردید، به‌کارگیری این روبات در مزارع خورشیدی می‌تواند هزینه‌های نصب و راه‌اندازی و نگهداری پنل‌های خورشیدی را به نصف کاهش دهد و در نتیجه، تا حد زیادی از هزینه‌های تولید برق خورشیدی در آینده بکاهد.



۵) باتری‌های فلزی مایع

یکی از محدودیت‌ها در زمینه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیری، چون انرژی خورشیدی و انرژی باد، به محدودیت در ذخیره‌سازی و توان باتری‌هایی مربوط می‌شود که در کنار پنل‌های خورشیدی یا توربین‌های بادی نصب می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند. این باتری‌ها هم گران هستند و هم توان ذخیره‌سازی‌شان نسبتاً پایین است. بنابراین، محققان استرالیایی موفق به ساخت باتری‌های جدیدی شده‌اند که چندین برابر باتری‌های کنونی قابلیت ذخیره‌سازی انرژی خورشیدی و بادی دارند و می‌توانند به‌خوبی به نیازهای

پرهزینه بودن فرایند آماده سازی و نصب پنل‌ها بر روی پشت بام خانه‌های مسکونی و یا ساختمان‌های اداری است. به علاوه، برخلاف مزارع انرژی خورشیدی که در محوطه‌های مسطح قرار دارند و برای نصب پنل‌های خورشیدی در آنها می‌توان از روبات‌ها کمک گرفت، فرایند نصب پنل‌های خورشیدی بر روی پشت بام ساختمان‌ها فقط از عهده انسان بر می‌آید که این کار هم پرهزینه است و هم وقت‌گیر، چرا که پنل‌ها می‌بایستی با زاویه‌های خاصی در برابر تابش نور خورشید نصب شوند و همین مسأله به زیرسازی و آماده سازی پشت بام ساختمان‌ها نیاز دارد که چندین روز وقت می‌گیرد و مستلزم ایجاد تغییراتی در وضعیت پشت بام است. اما اخیراً تعدادی از شرکت‌های دانش‌بنیان برای رفع این نیاز و تسریع در فرایند نصب و راه‌اندازی پنل‌های خورشیدی خانگی، دست به کار شده‌اند و صفحات پیش‌ساخته‌ای را طراحی کرده‌اند و ساخته‌اند که مخصوص نصب پنل‌های خورشیدی هستند. در نتیجه، با استفاده از این صفحات، می‌توان تعداد زیادی پنل خورشیدی را تنها طی یک روز بر روی آنها نصب کرد و راه‌اندازی نمود. بدیهی است که این پشت بام‌های پیش‌ساخته کار را برای نصب کنندگان سیستم‌های انرژی خورشیدی خانگی و البته صاحبان منازل بسیار آسان، کم‌هزینه و سریع خواهند ساخت.

قادرند قطر سیلیکون مورد استفاده در پنل‌های خورشیدی را به نصف کاهش دهند. این امر به معنای کاهش چشمگیر هزینه و همچنین وزن پنل‌های خورشیدی در آینده‌ای نزدیک خواهد بود. در این کوره‌ها سیلیکون تا بدان حد داغ می‌شود که ضخامتش را تا حد قابل توجهی از دست می‌دهد، بدون اینکه به توان جذب‌کنندگی‌اش لطمه‌ای وارد شود. خروجی اصلی این نوآوری هم تولید پنل‌های خورشیدی سبکتر، ارزاتر و انعطاف‌پذیرتر است.



۸) پشت بام‌های پیش‌ساخته برای نصب پنل‌های خورشیدی
یکی از موانع اصلی بر سر راه نصب پنل‌های خورشیدی خانگی، زمان‌بر بودن و

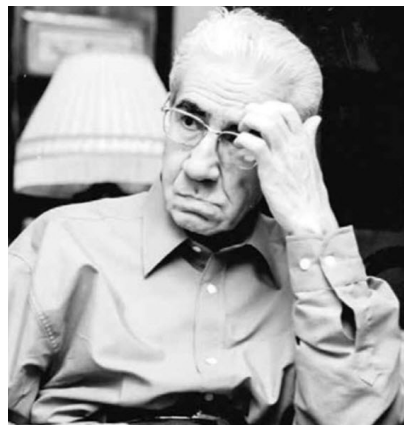
تغییر در مغزها و اندیشه‌ها

گفته‌اند که در محیط استبدادی، روشنفکر یا تبدیل به یک وجود تارک دنیا می‌شود، یا تبدیل به موجودی شورشی. در هر دو حال، وظیفه روشنفکر که عبارت است از «تغییر در مغزها و اندیشه‌ها» معوق می‌ماند. کار روشنفکر مطلقاً با کار تهییجی و شورشی ارتباطی ندارد. وظیفه روشنفکر این نیست که به هر قیمتی مردم را تهییج بکند و به کارهای آبی دست بزند. کار روشنفکر یک کار فرهنگی است که آثارش در درازمدت معلوم می‌شود و ممکن است اثر کوتاه‌مدت نداشته باشد. به عبارت دیگر، کار روشنفکران از کار سیاست‌پیشگان جداست. سیاست‌پیشگان می‌خواهند هرچه زودتر به قدرت برسند و حکومت را به دست گیرند و این لزوماً چیز بدی نیست، اما هدف روشنفکر به هیچ وجه این نیست که به قدرت برسد و حکومت را به دست گیرد. وظیفه روشنفکر بیدار کردن مردم است.

برگرفته از کتاب‌های «نگاه» و «آزادی و فرهنگ» اثر دکتر مصطفی رحیمی

را حقیقت مطلق بپندارد، صفتی که متأسفانه اگر نگوئیم در همه ما، لاقلاً در اکثریت قریب به اتفاق ما وجود دارد. فرضاً اگر بنده کتابی بنویسم و شخصی محترمانه آن را مورد نقد قرار بدهد، چنان برافروخته و عصبانی می‌شوم که گویی حقیقت محض مورد تعدی قرار گرفته است. در چنین جامعه‌ای هر کس با اندک مطالعه و آگاهی مختصر، خود را دانای کل می‌پندارد، در حالی که اگر خود را با روشنفکران غربی مقایسه کند، متوجه فقر علمی و کم‌اطلاعی خود خواهد شد و در خواهد یافت که تا چه حد به مطالعه و جستجو و تساهل و مدارا نیازمند است.

روشنفکر باید از واقعیات درس بگیرد. بنابراین، تغییر و تجدید نظر در افکار، از ضروریات پیشرفت روشنفکر است. روشنفکران ما زیاد کنجکاو نیستند، اهل مطالعه زیاد و مستمر نیستند که همه جهات اندیشه را مطالعه کنند و به عقاید مخالف توجه کافی کنند. سعی می‌کنند مخالف را بکوبند، در حالی که با مخالف باید بحث و گفت‌وگو داشت.



در طول تاریخ هیچ‌گاه ضربت چکمه نتوانسته است چراغ آزادی را خاموش کند، منتها برای روشن نگاه‌داشتن این چراغ، هوشیاری بیشتری لازم است و رنج زیادتر و همت فراوان‌تر. در این صورت، شعله آزادی خواهد ماند و «این چراغی است کزین خانه بدان خانه برند»

یکی از مهمترین نشانه‌های عقب‌ماندگی اجتماعی این است که هر یک از افراد جامعه، اندیشه‌های خود



کولرها نقش زیادی در تولید دی اکسید کربن دارند.

رنگ خنک کننده

توانایی انعکاس بالای این رنگ کمک می‌کند. محققان دست اندرکار این پروژه معتقدند که این رنگ ممکن است کاربردهای گسترده دیگری، به ویژه در مراکز داده‌های کامپیوتری که نیازمند دستگاه‌های قوی خنک‌کننده هستند، داشته باشد. به علاوه، با توجه به فقدان عناصر فلزی در این رنگ، بعید است که با سیگنال‌های الکترومغناطیسی تداخل داشته باشد، که آن را به رنگ مناسبی برای خنک کردن تجهیزات ارتباطی بدل می‌کند.

بدیهی است که این محصول پیش از عرضه تجاری باید مراحل دیگری را طی کند، چون لازم است قابلیت و بازدهی آن در درازمدت محک بخورد. اما محققان نسبت به نتایج درخشان پروژه خوشبین هستند و درخواست کرده‌اند که پروانه انحصاری ساخت آن صادر شود. شرکت‌های تولیدی بزرگ هم شدیداً به چنین محصولی ابراز علاقه نموده‌اند.

جزئیات این مطالعه در نشریه «گزارش‌های سلولی علوم فیزیکی» منتشر شده‌است.

<https://www.bbc.com/persian/science54640453>

یک آزمایش که یک سطح رنگ‌شده را زیر نور مستقیم خورشید قرار دادیم، دمای سطح ۱/۷ درصد سانتیگراد پایین‌تر از دمای محیط پیرامون بود و در طول شب حتی ده درجه سانتیگراد خنک‌تر از هوای اطراف بود. وی افزود: این میزان توانایی برای خنک‌کنندگی، قابل توجه است و می‌تواند بخش اعظم نیاز به کولر برای ساختمان‌های معمولی را برطرف کند.

حال این سوال قابل طرح است که این رنگ چطور کار می‌کند؟

به گفته محققان، کلید موفقیت آنها افزودن کلسیم کربنات به این ترکیب است. آنها دریافتند که با استفاده از درصد بالایی از این ماده گچی، به طوری که اندازه ذرات آن متنوع باشد، می‌توان محصولی ساخت که ۹۵/۵ درصد نور را منعکس کند. پروفوسور روثان افزود: نور خورشید از طیف وسیعی از طول موج‌ها تشکیل شده و ما می‌دانیم که هر ذره با یک اندازه مشخص فقط یک طول موج را به خوبی منعکس می‌کند. برای همین تصمیم گرفتیم که از ذراتی با اندازه‌های مختلف استفاده کنیم تا طول موج‌های مختلف منعکس شوند. این از عوامل مهمی است که در نهایت به

محققان می‌گویند یک نوع رنگ سفید ساخته‌اند که به طور بالقوه می‌تواند دمای ساختمان‌ها را پایین بیاورد و از تکیه به دستگاه‌های خنک‌کننده بکاهد. بنا به اعلام «شورای جهانی بناهای سبز» انرژی لازم برای تأمین نور و گرم و خنک کردن ساختمان‌ها، عمدتاً از سوخت‌های فسیلی، همچون زغال سنگ، نفت و گاز تأمین می‌شود و در نتیجه، حدود ۲۸ درصد از کل دی اکسید کربن منتشرشده توسط بشر، ناشی از همین کاربرد است. بنابراین، پژوهشگران برای چند دهه سعی داشته‌اند تا راه‌حلی را برای افزایش بازدهی سیستم‌های سرمایش و گرمایش ساختمان‌ها پیدا کنند. در همین راستا انواع رنگ‌های انعکاسی برای نمای بیرونی بناها ساخته شده تا نور خورشید را منعکس کند و هوای داخل ساختمان‌ها را خنک نگه دارد، اما تاکنون هیچ یک از این محصولات نتوانسته آن مقدار از نور خورشید را منعکس کند که دمای داخل ساختمان‌ها را از هوای محیط اطراف خنک‌تر کند. اکنون محققان در آمریکا می‌گویند رنگ سفیدی با خواص قدرتمند خنک‌کنندگی ساخته‌اند.

پروفوسور شیولین روثان از دانشگاه پردو در ایندیانا که دست اندر کار این مطالعه است، می‌گوید: در



کاربرد مدیریت بحران

(در حوادث مربوط به مخازن نفت و گاز)



بخش اول

● مهندس مریم میرزایی - مدیرعامل شرکت کاربرد الکترونیک در صنایع

در گذشته به موضوع ایمنی صرفاً با دیدگاهی کاملاً فنی نگریده می‌شد و مدیریت ایمنی نیز تنها به بررسی سوانح و حوادث به وقوع پیوسته محدود می‌گردید، در حالی که یکی از مشکلات اساسی هنگام بروز بحران، عدم هماهنگی بین سازمان‌های درگیر و بخصوص تعاملات بین‌بخشی است. به عبارت دیگر، نیروهای عمل‌کننده در این صحنه‌ها، یا با دستورالعمل‌های اجرایی آشنایی ندارند، یا تمریناتشان ناکافی و کم‌بازده است و در نتیجه، فاقد مهارت‌های لازم برای انجام وظایف به نحو مطلوب می‌باشند. در اینجا است که سیستم مدیریت ایمنی، به عنوان رویکردی جدید در خصوص ایمنی مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است تا به بررسی مدیریت بحران (Incident Management System-IMS)، یا همان «نظام مدیریت حادثه» به عنوان الگویی جهت مدیریت اثر بخش حادثه به صورت یک سامانه پایدار و قابل کنترل پرداخته شود. نظام مدیریت حادثه، یک سامانه استاندارد مدیریت عملیات می‌باشد که به مسوولان مدیریت حوادث امکان می‌دهد تا صرف نظر از پیچیدگی و تعدد حوادث و سوانح، در یک ساختار یکپارچه و هماهنگ منسجم شوند. این سیستم با ایجاد زبان مشترک بین گروه‌ها و ارائه راهکارهای حرفه‌ای و سازمان‌یافته، به نحو موثری عملیات بحران را کنترل خواهد نمود و اوضاع را با صرف کمترین هزینه و تلفات به حالت عادی بر خواهد گرداند.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران - نیروی واکنش سریع - سیستم IMS

مقدمه

ایران با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، زمین‌شناسی، آب و هوایی و ... دهمین کشور بلاخیز دنیا محسوب می‌شود و همه ساله نیز بلایای طبیعی بزرگ و غیر مترقبه و حوادث ناشی از عملکرد عوامل انسانی، خسارات جبران‌ناپذیری را به بخش‌های مختلف این کشور وارد می‌نمایند. بنابراین، می‌توان گفت که در این شرایط، وقوع بحران امری اجتناب‌ناپذیر است. به علاوه، چون عوامل طبیعی و انسانی دخیل در حوادث دارای پیچیدگی‌های بسیار می‌باشند، لذا پیامد وقوع آنها هم مختل شدن نظام فعالیت‌های سازمانی، به خطر افتادن جان انسان‌ها و تحمیل خسارات بسیار است. بدیهی است که فقدان مدیریت کارآمد در کنترل بحران، به طور موثر و چشمگیری بر شدت پیامدهای مزبور خواهد افزود و به بروز خسارات جبران‌ناپذیر منجر

مدیریت سانحه باید به گونه‌ای باشد که موجب کنترل سریع بحران، نجات جان انسان‌ها، کاهش تلفات و خسارات در اموال و دارایی‌ها گردد.



شود، در اینصورت، مدیریت خاصی لازم است که اصطلاحاً «مدیریت بحران» نامیده می‌شود. موضوع مدیریت بحران در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته و علمی است که توسط آن می‌توان از بروز بحران پیشگیری کرد و یا در صورت بروز، برای کاهش آثار آن و کنترل سریع اوضاع و هدایت سیستم به حالت عادی اقدام نمود. نظام مدیریت بحران چرخه‌ای است که از سه بخش به شرح زیر تشکیل شده: (۱) اقدامات پیش از بحران، (۲) اقدامات حین بحران و (۳) اقدامات پس از بحران. لازم به ذکر است که مدیریت حوادث و سوانح و امداد و نجات در مرحله دوم مدیریت بحران (هنگام وقوع سانحه) قرار می‌گیرند. مدیریت سانحه بیشتر به حالت عادی برگرداندن اوضاع پس از وقوع سانحه یا حادثه می‌پردازد، ولی مدیریت بحران یک طیف مدیریتی بزرگتر، از قبل از وقوع، هنگام و پس از وقوع حادثه یا بلا را شامل می‌شود.

علیرغم این که وقوع حوادث و بلایا در کشور ما سابقه دیرینه دارد، اما همه ساله شاهد متحمل شدن خسارات فراوان از ناحیه حوادث داخلی به قطب‌های صنعتی و سایر نقاط حساس کشور هستیم. لذا شناخت نقاط ضعف و مشکلات مدیریت سوانح در کشور، کمک شایانی به رفع کاستی‌های موجود می‌نماید. نقاط ضعف مدیریت حوادث در کشور را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- * فقدان یک سازمان یا متولی مستقل جهت مقابله با بحران،
- * نبود فرماندهی واحد حین حادثه،
- * عدم هماهنگی ارگان‌های درگیر حادثه که خود موجب دامن‌زدن به بحران می‌شود،

آتش‌سوزی، وقوع خوردگی در امتداد خطوط، بروز اشکال در انشعابات و کنترلرها، انسداد کانال‌های دسترسی، تخریب ساختمان‌های حیاتی، آسیب‌دیدگی تجهیزات، قطع راه‌های ارتباطی، انتشار و انفجار مواد خطرناک، آلودگی نفتی و تخریب شبکه انتقال برق. با توجه به موارد ذکر شده لازم است که مدیران ارشد سازمان‌ها قبل از بروز شرایط بحرانی، به دنبال راهکارهای اجرایی عاقلانه و عالمانه باشند تا از شدت خسارات کاسته شود.

مدیریت حادثه و بحران

بحران به وضعیتی اطلاق می‌شود که حادثه‌ای به صورت طبیعی یا توسط بشر، به طور ناگهانی و یا به صورت فزاینده به وجود آمده باشد و منابع، امکانات و توانایی‌ها برای مقابله با آن کفایت نکنند. بنابراین، یک حادثه ممکن است در جایی به دلیل انطباق منابع با نیازها به راحتی قابل کنترل باشد و به بحران تبدیل نشود، اما در جایی دیگر همان حادثه به یک بحران تبدیل شود. همچنین عدم آگاهی و شناخت عوامل حادثه، شدت و نوع وقوع آن نیز می‌تواند حادثه را به بحران تبدیل کنند. چنانچه ابعاد اتفاق به گونه‌ای باشد که پیش‌بینی‌های قبلی توان جوابگویی را نداشته باشند و شرایط بحرانی

مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی موجب شده‌اند که مدیریت بحران و مدیریت سانحه، به یکی از مهمترین مشکلات کشور تبدیل شود.

خواهد شد. مجموعه این عوامل موجب شده‌اند که در حال حاضر، مدیریت بحران و مدیریت سانحه به یکی از مهمترین مشکلات کشور تبدیل شود.

از سوی دیگر، چون خطوط انتقال نفت و گاز نقشی اساسی در فرایند ثمربخشی فعالیت‌های بخش اکتشاف و استخراج دارند و بیش از ۹۰ درصد انتقالات نفت و گاز کشور ایران نیز از این طریق انجام می‌گیرد، لذا توجه و اهتمام به موضوع مدیریت بحران در خطوط انتقال نفت و گاز و پیش‌بینی سوانح و بحران‌ها به منظور آمادگی، پیشگیری و مقابله با آنها یک ضرورت است. گفتمنی است که مدیریت سانحه در این رابطه باید به گونه‌ای باشد که موجب کنترل سریع بحران، نجات جان انسان‌ها، کاهش تلفات و خسارات در اموال و دارایی‌ها گردد.

بحران‌هایی که تا کنون به عنوان بحران‌های اصلی در خطوط انتقال نفت و گاز شناسایی شده‌اند، عبارتند از: وقوع زلزله، سیل،

عدم آگاهی و شناخت عوامل حادثه، شدت و نوع وقوع آن نیز می‌توانند حادثه را به بحران تبدیل کنند.

نیز می‌شوند.

سیستم‌های آموزشی مدیریت عملیات شامل یک سیستم سازمان‌یافته مرکب از وظایف، مسوولیت‌ها و روش‌های عملیاتی استاندارد است که به طور وسیع برای اداره و هدایت عملیات اضطراری به کار می‌روند. نخستین استاندارد سیستم مدیریت عملیات (ICS) - Incident Command System بود که تنها برای حوادث عظیم و چندمأموریتی توسط آتش‌نشانی آمریکا ایجاد شد. در سال‌های بعد سیستم مدیریت عملیات تکمیل شد و توسعه یافت که ماحصل و چکیده مهمترین و بهترین جنبه‌های سیستم‌های قبل را در بر دارد.

نظام مدیریت حادثه (System-IMS Incident Management)، سامانه استاندارد است که در هر نوع حادثه اضطراری و در هر سطحی قابلیت اجرا دارد. این سیستم راهکارهای استاندارد، حرفه‌ای و سازمان‌یافته برای مدیریت حوادث اضطراری را فراهم می‌کند، به نحوی که مسوولیت و حدود اختیارات هر فرد در سازمان و همچنین سلسله مراتب به طور شفاف مشخص می‌شود. سیستم IMS برای هر نوع وضعیت اضطراری و در هر سطحی، توسط هر نوع واحد یا سازمانی می‌تواند کاربرد داشته باشد. این سامانه می‌تواند چه در سازمان‌های امداد و نجات مانند آتش‌نشانی، هلال احمر و ... و چه در سایر سازمان‌ها مانند بنادر، واحدهای صنعتی، شرکت‌های مخابرات و خطوط انتقال نفت و گاز و ... که مرتباً در معرض مشکلات فراوان مالی، اجتماعی و قانونی قرار می‌گیرند، اجرا شود. در شماره بعد مشخصات نظام مدیریت حادثه مطرح خواهد شد.

ادامه دارد

فهرست منابع در پایان مقاله خواهد آمد.

“طرح واکنش در شرایط اضطراری ” یا “طرح مقابله با بحران ” نموده‌اند که عمدتاً از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند. عدم کفایت طرح‌های یادشده اصولاً به دو عامل زیر بستگی دارد:

* ضعف در برنامه‌ریزی و طرح تهیه‌شده بگونه‌ای که توانایی اتصال بخش‌های سیستم را ندارد.

* عدم کفایت تیم‌ها در اجرای مفاد طرح. برای تهیه یک طرح آمادگی و واکنش در شرایط اضطراری موثر، سه مرحله اصلی وجود دارند که شامل (۱) شناسایی پتانسیل‌های بحران، (۲) برنامه‌ریزی برای واکنش و (۳) ارزیابی برنامه‌ها می‌باشد.

معرفی الگویی برای مدیریت اثربخش حادثه

زمانیکه یک حادثه وسیع به وجود می‌آید و ناگزیر واحدهای مختلفی از نواحی دیگر یا از سازمان‌های کمکی در عملیاتی مشترک وارد می‌شوند، کارایی لازم را ندارند و در بیشتر موارد به دلیل اتخاذ روش‌های مختلف توسط فرماندهان گروه‌ها، تداخل‌هایی به وجود می‌آیند که نه تنها تسریعی به اتمام عملیات نمی‌کنند، بلکه چه بسا باعث تأخیر در عملیات

* روشن نبودن شرح وظایف و حدود اختیارات افراد و سازمان‌های درگیر بحران،
* نبود بسته‌های آموزشی هماهنگ و کارشناسی‌شده و عدم آموزش افراد متناسب با آن،
* نبود گروه‌های واکنش سریع در سازمان‌ها جهت کنترل و مهار سریع حادثه،
* عدم بازدهی مناسب مانورهای اجراشده،
* عدم استفاده از نظام‌های جدید و جامع مدیریت حوادث،
* عدم جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات حوادث و بحران‌های گذشته،
* رویکرد منفعل پس از حادثه،
* کوتاه‌بودن طول عمر مدیریت.

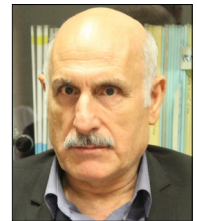
همچنین در وضعیت موجود کشور، اکثر صنایع اقدام به تدوین طرح‌هایی تحت عنوان

بحران به وضعیتی اتلاق می‌شود که حادثه‌ای به صورت طبیعی یا توسط بشر، به طور ناگهانی و یا به صورت فزاینده به وجود آمده باشد و منابع، امکانات و توانایی‌ها برای مقابله با آن کفایت نکنند.





ساختار حکومت‌ها و سرنوشت ملت‌ها



• مهندس علی میرزایی

مقدمه

یک رابطه علت و معلولی بین ساختار حکومت‌ها در یک کشور و سرنوشت مردم وجود دارد، بدان معنی که از نحوه زندگی مردم یک کشور، به راحتی می‌توان به چگونگی ساختار حکومت در آن کشور پی برد.

حال این پرسش قابل طرح است که کدام ساختار بهترین ساختار حکومتی است؟ این پرسش مسأله‌ای است که از سال‌ها پیش، ذهن بشر را به خود مشغول کرده و انسان‌های هوشمند زیادی در پی آن بوده‌اند تا ببینند که کم‌خطاترین نوع حکومت کدام است؟ یا به عبارت دیگر، ظلم و ستم و امکان خطا کردن در چه نوع حکومتی کمتر است؟ بدون تردید، یکی از بهترین منابع

اطلاعاتی برای جستجوی پاسخ این پرسش، گنجینه پر بار تجارب تاریخی بشر است. منابع مزبور حکایت از آن دارند که مردم جوامع گوناگون در طول تاریخ، حکومت‌های مختلفی، از جمله حکومت‌های قبیله‌ای، دینی، پادشاهی، دیکتاتوری، پرولتاریا و انواع دیگر حکومت‌ها را تجربه کرده‌اند، ولی یکی از کم‌خطاترین انواع حکومت‌ها که تا کنون تجربه شده، حکومت از نوع لیبرال دموکراسی است، چرا که این الگوی حکومتی در اکثر آزمون‌های تاریخی موفق بوده و در عمل هم ثابت شده‌است که حکومت‌هایی نسبتاً ایده‌آل بوده‌اند و پایدار مانده‌اند که اصول دموکراسی را به رسمیت شناخته‌اند و این اصول در آنها نهادینه شده‌است.

پیش‌نیازهای ساختار دموکراتیک

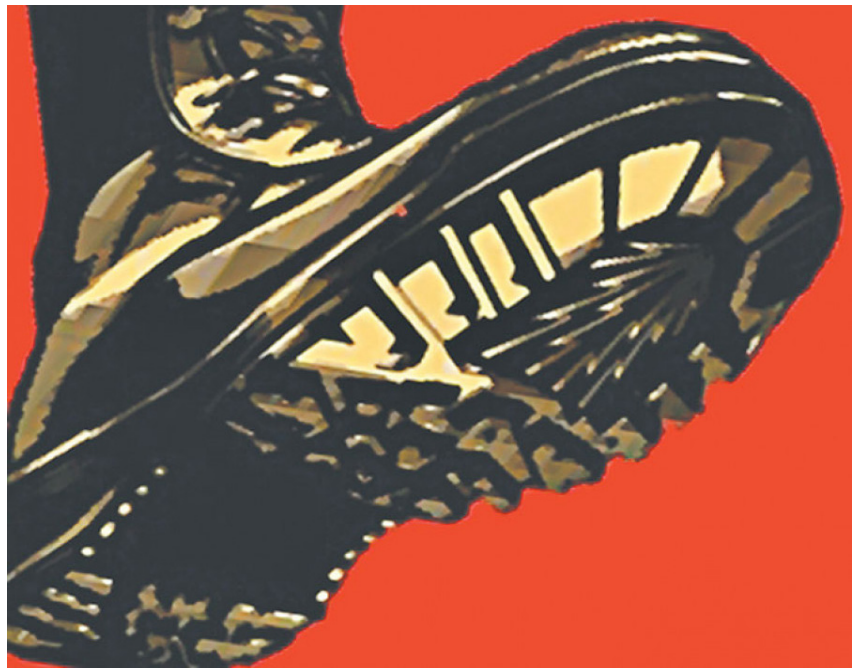
صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی در مورد ساختار حکومت‌های دموکراتیک معتقدند که برای ساختارمند کردن یک حکومت، شرایط و مقتضیاتی لازم است و یکی از مهمترین این شرایط هم وجود بسترهای اجتماعی مناسب است. به عبارت دیگر، دموکراسی، محصول جامعه مدرن و انسان مدرن است، و اگر بستر دموکراسی در جامعه‌ای مهیا نباشد، هر نوع حکومتی یا به دیکتاتوری می‌انجامد، یا به هرج و مرج و آنارشیسم.

علاوه بر این، ساختار حکومتی دموکراتیک نیازمند سه نهاد حاکمیتی مستقل است، یعنی قوه مقننه مستقل، قوه قضاییه مستقل و قوه مجریه مستقل. بدیهی است که اگر به استقلال هر یک

بنابراین، برای شکل گرفتن جامعه مدنی مترقی و پایدار مبتنی بر معیارهای دموکراتیک، شرایط و مقدمات و مقتضیات زیادی لازم است و به علت همین کثرت شرایط و مقتضیات اولیه است که میزان دموکراتیک بودن دولت‌ها در کشورهای مختلف، متفاوت بوده و هر یک از جوامع دموکراتیک، از این لحاظ در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌گیرند.

با وجود تمام این مشکلات، حکومت دموکراتیک، در صورت درست اجرا شدن و برآورده شدن پیش‌شرط‌ها، بسیار بهتر از نظام‌های دیگر کار می‌کند، چرا که در طرف مقابل، یعنی در نظام‌های غیردموکراتیک مانند حکومت‌های قبیله‌ای، دینی، پادشاهی، یا ایدئولوژیک، یک نفر یا یک طبقه و گروه در رأس امور قرار می‌گیرد و هیچ کس هم توان انتقاد از او را ندارد و اگر هم به ظاهر انتخاباتی وجود داشته باشد، امری نمایشی است و نقش زیادی در ساختار قدرت ندارد. بالطبع در چنین حکومت‌هایی که اختیارات حاکمان نامحدود است، فساد به شدت رشد می‌کند و کل منابع اقتصادی، نظامی و حتی سرنوشت مردم، در اختیار حکومت‌ها و عوامل حکومتی قرار می‌گیرد. در چنین وضعی، روزنامه‌نگاران بی‌طرف نیز به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند و از ترس مجازات، نمی‌توانند وظایف خود را که اطلاع‌رسانی به مردم است، به خوبی انجام دهند و مطالبی را در مورد فساد مالی و جنایات هیأت حاکمه منتشر کنند.

بنا به عقیده اکثر صاحب‌نظران، یکی از انواع حکومت‌های غیر دموکراتیک هم حکومت‌های ایدئولوژیک، مخصوصاً حکومت‌های مبتنی بر ایدئولوژی دینی می‌باشند، چرا که در این وضعیت، حکومت تمام ناتوانی‌ها، انحرافات و جنایات خود را به وسیله دین یا ایدئولوژی توجیه می‌کند و در واقع، دین را به مسلخ ایدئولوژی خود ساخته می‌برد. یکی از نمونه‌های تاریخی این شیوه مملکت‌داری هم دیکتاتوری دینی ارباب کلیسا در قرون وسطای اروپاست، حاکمیتی که برای رفتارهای غیر انسانی خود دلیل آسمانی می‌آورد و به بهانه دفاع از دین، آزادی‌های طبیعی و اساسی شهروندان را زیر پا می‌گذاشت، انسان‌های آزادیخواه و بیگانه را به



دموکراسی، محصول جامعه مدرن و انسان مدرن است، و اگر بستر دموکراسی در جامعه‌ای مهیا نباشد، هر نوع حکومتی، یا به دیکتاتوری می‌انجامد، یا به هرج و مرج و آنارشسیسم.

می‌رسانند، یعنی دبیرکل حزب برگزیده شده توسط اکثریت رأی‌دهندگان، به عنوان رییس جمهور یا نخست‌وزیر انتخاب می‌شود، زمام امور را به دست می‌گیرد و برای دوره‌ای محدود، دولت را تشکیل می‌دهد و پس از اتمام این دوره، انتخابات مجدد برگزار شده و در صورت رأی‌نیابردن حزب حاکم، قدرت به حزب منتخب بعدی منتقل می‌شود. در این شرایط، حزب حاکم به طور دایم در پی بازنگری در اهداف و رویکردهای خود خواهد بود و احزاب رقیب نیز عملکرد حزب حاکم را مورد انتقاد قرار می‌دهند و مردم را از فساد و نقاط ضعف دولت آگاه می‌سازند. بدیهی است که در این نوع حکومت، قانون برای همه یکسان است و همه افراد، از جمله رییس جمهور یا نخست‌وزیر و سایر مقامات دولتی و حکومتی، مجبور به رعایت قانون هستند و مرجع فراقانونی وجود ندارد.

از این قوای سه‌گانه خلی وارد شود، شکست دموکراسی و نابودی حکومت حتمی است. سایر شرایط و زیرساخت‌های لازم برای استقرار ساختار دموکراتیک نیز عبارتند از: افزایش سطح آگاهی عمومی، تغییر دادن نظام ارزش‌ها و باورها، کاهش و حذف تعصبات ناسازگار با اصول جامعه مدنی و همچنین شکل گرفتن مطبوعات آزاد. در باب اهمیت مطبوعات و رسانه‌های آزاد کافیسست به قول «توماس جفرسون»، یکی از بنیانگذاران جامعه و دولت آمریکا که دو دوره هم رییس جمهور این کشور بوده، توجه کنیم: «اگر من را مخیر کنند بین دولت بدون روزنامه، یا روزنامه بدون دولت، بدون شک من طریق دوم را انتخاب می‌کنم!» علت این رجحان رسانه نسبت به دولت، همانا نقش کلیدی رسانه‌ها در نظارت اجتماعی است، چون مطبوعات آزاد بر عملکرد حکومت‌ها نظارت می‌کنند و در مواقع مختلف، نقاط ضعف و موارد فساد و سرپیچی یا خودسری نهادهای حاکمیتی را به اطلاع مردم می‌رسانند.

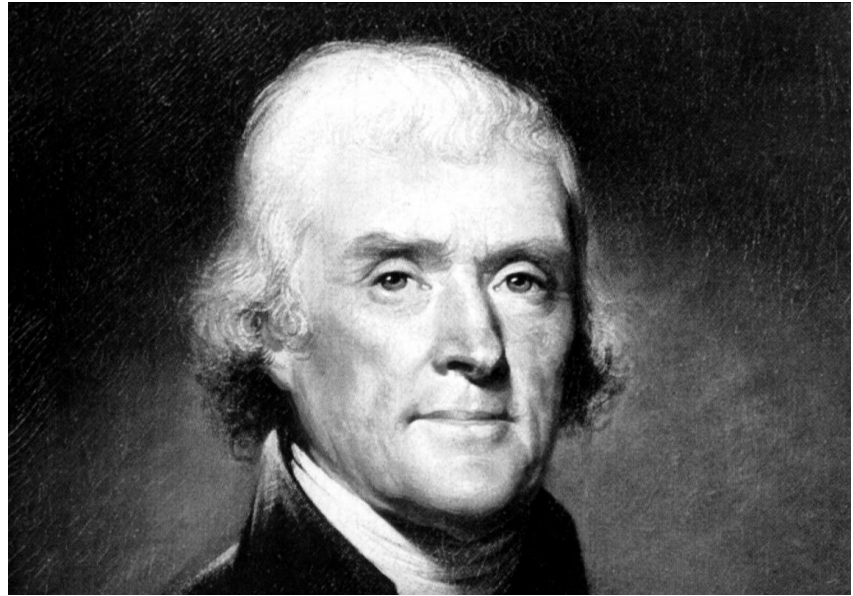
یکی دیگر از مهمترین زیرساخت‌ها و پیش‌نیازهای ساختار حکومتی دموکراتیک، شکل گرفتن احزاب مستقل است. در چنین ساختاری، مردم از طریق انتخابات آزاد به حزب مورد علاقه خود رأی می‌دهند و آن حزب را به قدرت

۱) حکومت‌هایی که بدون خونریزی و از راه انتخابات از قدرت خلع می‌شوند و سقوط می‌کنند. در این نوع حکومت، نهادهای اجتماعی به مردم اجازه می‌دهند که حاکمان خود را از قدرت برکنار کنند و حاکمان هم نمی‌توانند اینگونه نهادهای نظارتی را نابود کنند. «پوپر» این سیستم‌ها را «نظام‌های دموکراتیک» می‌نامد.

۲) حکومت‌هایی که فقط توسط انقلاب‌های خونین می‌توان آنها را از قدرت انداخت. به همین علت، خلع این نوع حکومت‌ها از قدرت نسبتاً کم اتفاق می‌افتد. «پوپر» آنها را «حکومت‌های استبدادی» یا «دیکتاتوری» می‌نامد.

به دنبال این منطق، ساختار حاکمیتی دموکراتیک به معنای تشکیل نهادهایی است که توان کنترل حاکمان و صاحبان قدرت را داشته باشند، آنها با هدف از بین بردن امکان به قدرت رسیدن حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری، چه مذهبی و چه سکولار.

خلاصه آنکه کلیه حاکمان در کشورهای مختلف باید برای برون‌رفت از بن‌بست‌های ایجادشده، ساختارهای مورد قبول جامعه مدنی و خرد جمعی را برسمیت بشناسند و برای بازکردن درب‌های بسته، از کلید عقل استفاده کنند، نه از روش‌های تخریبی و تحریک احساسات. یادمان باشد که ساختار شکنی در حوزه سیاسی نه تنها جرم نیست، بلکه فرصتی است برای اینکه حاکمان به بازنگری و اصلاح مستمر ساختارها و عملکردها بپردازند و با هزینه کمتر نتیجه بهتری را برای مردم رقم بزنند. اگر روزی دولت‌مردان با هم قرار بگذارند که بجای سخنرانی‌های تکراری و خسته‌کننده، عمل‌گرا شوند و اجازه دهند که مردم بر اساس کارهایی که به سرانجام رسیده، آنها را قضاوت کنند، نه بر اساس شعارهای توخالی و احساسی، آنگاه می‌توان گفت که زمان نجات فرا رسیده‌است. بنابراین، مدام در گوش ما نخوانید که قرار است برای ما چه‌ها کنید، هر وقت کار مثبتی را انجام دادید، مردم خواهند دید و سپاسگزار شما خواهند شد!



توماس جفرسون، یکی از بنیانگذاران جامعه و دولت امریکا: «اگر من را مخیر کنند بین دولت بدون روزنامه، یا روزنامه بدون دولت، بدون شک من طریقی دوم را انتخاب می‌کنم!»

مثال در مورد ایران، به اشخاصی مانند «رضا شاه» اشاره می‌کنند که با وجود رفتارهای دیکتاتورمآبانه، توانسته‌است گام‌های مهمی را در جهت پیشرفت و مدرنیزه کردن ایران بردارد! اما به یک نکته و مشکل اساسی در این فرضیه توجه ندارند و آنها این واقعیت است که احتمال مصلح‌شدن یک دیکتاتور و اتخاذ راهکارهای مردمسالارانه و معطوف به خواست و منافع عموم یا اکثریت جامعه و حرکت در جهت پیشرفت و ترقی جامعه، بسیار اندک است و آنچه در طول تاریخ به فراوانی تجربه و مشاهده شده‌است، همانا افسارگسیختگی، ظلم و فساد گسترده حکومت‌های دیکتاتوری و سرکوب آزادی‌های مدنی و غارت بیت‌المال و... است.

مسئله دموکراسی از دیدگاه «پوپر»

«کارل پوپر»، فیلسوف و ریاضی‌دان مشهور قرن بیستم، معتقد است که اصولاً چگونه حکومت کردن، مهمتر از آنست که چه کسی باید حکومت کند. او همچنین در مطالعات و تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌است که حاکمان همیشه و لزوماً درست و خردمندانه عمل نمی‌کنند، لذا باید برای جلوگیری از حرکات مخرب حاکمان بد و کاذب، نهادهایی سیاسی نظارتی تشکیل داد. «پوپر» سپس با تأکید بر مسئله نظارت، بدین نتیجه دست یافته‌است که فقط دو نوع عمده حکومت وجود دارند:

زندان می‌انداخت، شکنجه می‌کرد و می‌کشت. آفت دیگری که در اثر استقرار این نوع حکومت دامنگیر جوامع می‌شود، گسترش عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی است. به عبارت دیگر، این نوع حکومت‌ها، با تمام توان سعی در عقب‌نگه‌داشتن مردم، ترویج خرافات و پرورش انسان‌های ضعیف‌النفس، وابسته، گرفتار و نیازمند دارند تا از این طریق، بتوانند به راحتی بر آنان حکومت کنند و ثروت ملی آنها را به تاراج ببرند.

نکته دیگری که در این رابطه گفتنی است، این است که متأسفانه بعضی از افراد تحصیل کرده دوران اخیر نیز در دام‌های ناشی از شتابزدگی و خوش‌باوری می‌افتند و به علت فقدان پیش‌شرط‌های لازم برای استقرار دموکراسی و مشکلات موجود در فرایند دموکراتیزه کردن جامعه، حکومت دیکتاتوری را به عنوان یک الگوی حاکمیتی کارآمد معرفی می‌کنند و برای اثبات ادعای خود نیز به تئوری «دیکتاتور مصلح» متوسل می‌شوند و به عنوان

سالم‌ترین کشورها



کسانی که از رژیم غذایی مدیترانه‌ای استفاده می‌کنند، از میزان سلامتی بالاتری برخوردارند.

اسپانیا به آشپزخانه‌ی مدیترانه‌ای اش معروف است، زیرا بهترین عناصر غذایی را می‌توان در آشپزخانه‌ی اسپانیایی‌ها یافت. مؤسسه‌ی ارزیابی استانداردهای بهداشتی در دانشگاه واشنگتن که همه‌ساله لیست سالم‌ترین کشورها را منتشر می‌کند، پیش‌بینی کرده‌است که اسپانیا با ادامه‌ی وضعیت فعلی، تا سال ۲۰۴۰ میلادی جایگاه کنونی خود را حفظ خواهد کرد و همچنان سالم‌ترین شهروندان دنیا با بالاترین میانگین عمر را خواهد داشت.

مطابق گزارش مؤسسه‌ی تحقیقاتی مزبور، کشورهای که در صدر فهرست سالم‌ترین کشورها قرار دارند، از رژیم غذایی مدیترانه‌ای بهره می‌برند، یعنی رژیمی آکنده از انواع سبزیجات، میوه‌ها، آجیل، مغزها، حبوبات، سیب‌زمینی، غلات کامل، نان‌ها، گیاهان، ادویه‌جات، ماهی، غذاهای دریایی و روغن زیتون خالص و در مقابل، گوشت پرندگان، تخم‌مرغ، پنیر و ماست در حد اعتدال و گوشت قرمز به‌ندرت مصرف می‌شود. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که رژیم غذایی مدیترانه‌ای اثر شگفت‌انگیزی هم در کاهش بیماری‌های قلبی - عروقی دارد و کسانی که از این رژیم غذایی استفاده می‌کنند، از میزان سلامتی بالاتری برخوردارند.

سایر کشورهای حاضر در فهرست سالم‌ترین کشورها به شرح زیر می‌باشند:
* ایتالیا به هوای مطبوع، عجایب طبیعی بی‌شمار و سیستم تغذیه‌ای ممتاز مردمش در جهان شناخته می‌شود، زیرا غذای مردم ایتالیا مدیترانه‌ای است. ایتالیا همچنین مفتخر است به داشتن ساردینیا و کیفیت عالی زندگی در این منطقه.

* ایسلند جزیره‌ی کوچک دورافتاده‌ای در شمال اقیانوس اطلس است، با این حال، مردم ایسلند از کیفیت فوق‌العاده‌ی سطح زندگی برخوردارند. سیستم بهداشتی و رژیم غذایی آن‌ها به سبک اسکاندیناوی است که بالاترین میزان شاخصه‌های سلامتی را به نام خود ثبت کرده‌است.

* ژاپن در جایگاه سوم سالم‌ترین کشورها قرار دارد، زیرا در این کشور مصرف ماهی به عنوان منبع عالی اسید چرب امگا ۳، بسیار بالاست. مصرف کم گوشت قرمز، مصرف زیاد سویا، برنج، نودل سالم، چای سبز، دسرهای سالم و... از دیگر ویژگی‌های رژیم غذایی ژاپنی‌ها می‌باشند.

* سوئیس کشوری کوهستانی است که در مرکز اروپا قرار گرفته و از زیبایی‌های طبیعی بسیار، از جمله چشمه‌ها و رودهای فراوان برخوردار است.

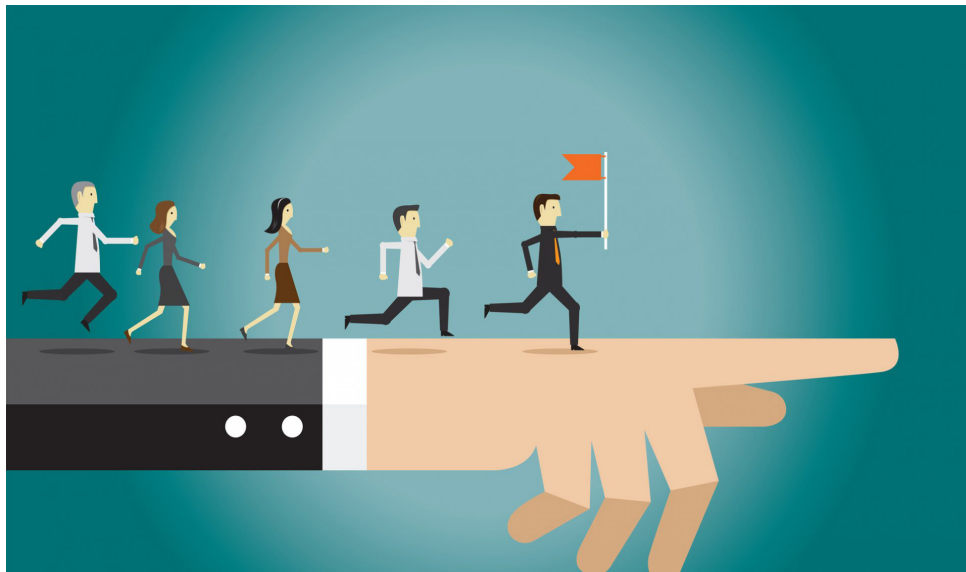
میوه و حبوبات در رژیم غذایی مردم سوئیس به وفور یافت می‌شود.

* سوئد دارای یک سیستم مراقبت بهداشتی قوی است که با بودجه‌ی دولتی تأمین می‌شود، به طوریکه ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور تنها به این امر اختصاص می‌یابد.

* فرهنگ ورزش کردن و وجود میدین ورزشی زیبا در فضای باز، از مهمترین ویژگی‌های استرالیاست و باعث شده‌است که این کشور هم در زمره‌ی سالم‌ترین کشورهای جهان قرار گیرد.

* سنگاپور با وجود مساحت اندک، در رتبه‌ی هشتم سالم‌ترین کشورهای جهان در سال ۲۰۱۹ میلادی قرار گرفته‌است. سنگاپور بالاترین میانگین عمر را در آسیا دارد و سیستم سلامتی و بهداشت آن هم فوق‌العاده است.

* نروژ هم جزو سالم‌ترین کشورهای دنیا قرار گرفته، زیرا بیشترین تعداد پرستاران و ماماها را نسبت به جمعیت خود دارد. نروژی‌های زیر ۱۶ سال هیچ‌گونه هزینه‌ای برای خدمات بهداشتی نمی‌پردازند. همین امر باعث شده‌است که این کشور بیشتر از تمام کشورها، به ازای هر نفر هزینه‌ی مراقبت‌های بهداشتی به شهروندانش پرداخت کند.



روشنفکری سازمانی

زان خلق دلیرند به گفتار که از جهل
گفتار خود از جمله کردار ندانند
(صائب تبریزی)



• دکتر غلامرضا خاکی

ارایهٔ برهان و استدلال و تشریح نظریات منطقی و روشن برای اثبات مدعای خود، و متقابلاً توسل به آیه و حدیث و روایت، یا نقل عبارات و جمله‌هایی از بزرگان علمی، دینی و عرفی، به صورت نظم و نثر است، شیوه‌ای که بدون تردید، پیامدی جز زیان و انحراف و ضعف و عقب‌ماندگی بیشتر نداشته و نخواهد داشت.

روشنفکری سازمانی و رسالت روشنفکران سازمانی

برای برخورد با این بن‌بست تاریخی و عبور از این گذرگاه خطیر، به توسعهٔ تفکر انتقادی نیازمندیم. تفکر انتقادی نیز شیوهٔ

تفکر انتقادی، شرط بهبود
تفکر انتقادی، هنر اندیشیدن در بارهٔ «تفکر» است تا بتوان فرض‌ها و مفهوم‌های بنیادین (انگاشته‌ها)، شیوه‌های استدلال و استنتاج، انگیزه‌ها و تفسیرها... را شناخت و درستی و نادرستی آنها را ارزیابی کرد تا مغلطه‌ها در نظام فکری خودمان و دیگران شناخته شوند. پرسشگری چالشی نیز ابزاری در فرآیند تفکر انتقادی است که بررسی و ارزیابی بنیان‌ها و مفاهیم و نتیجه‌گیری‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. یکی از کارکردهای اصلی تفکر انتقادی نیز شناخت و جلوگیری از مغلطه‌ورزی خود و دیگران است. منظور از مغلطه‌ورزی یا سفسطه که متأسفانه بسیار هم رایج است، ناتوانی در

یک کندوکاو تاریخی ساده نشان می‌دهد که عوامل داخلی و خارجی گوناگونی در عقب‌ماندگی ایران و ایرانی تأثیر داشته‌اند و دارند، عواملی همچون پارامترهای فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی، اقتصادی و شیوهٔ تولید داخلی، نظام اعتقادی، ساختار قدرت سیاسی، نوع نگرش به پدیدهٔ کار، وضعیت آب و هوایی (جغرافیایی)، موقعیت ژئوپولیتیک و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و غیره. بدیهی است که چندوچون تأثیرات این عوامل در طول زمان تغییر یافته، ولی می‌توان به طور کلی، روحیهٔ شاعرمسلکی و ناسازی و ناهماهنگی آن با عقلانیت و تفکر انتقادی مدرن را جزو عوامل تأثیرگذارتر بشمار آورد.

اداری، با ایجاد تکلیف‌های اداری گوناگون به آن دامن می‌زنند و سیستم‌هایی را به سازمان‌ها تحمیل می‌کنند که چندان نیازی به آنها نیست. بنابراین، نخستین دستور کار روشنفکران سازمانی می‌تواند مبارزه با دو اصطلاح مغلطه‌آمیز «کاربردی» و «عملگرایی» باشد.

در واقع، کاربرد اصطلاحات «کاربردی» و «عملگرایی» در بسیاری از موارد، نوعی رندی برای پنهان کردن بیسوادی مدیران است و نمادهای بیرونی آن هم برخورد‌های شعاری با مسایل اداری و سازمانی، زدن سخنان میان‌تهی و هیجانی و ساده‌انگاری نسبت به دانش مدیریت است، دانشی که تجلیگاه تمام علوم انسانی است و نقش تعیین‌کننده‌ای هم در سرنوشت جوامع بشری دارد. بسیار دیده می‌شوند مدیران و کارشناسانی که با بکارگیری اصطلاح «کاربردی» خط بطلانی بر نظر و سخن طرف مقابل می‌کشند و آن را یکسره رد می‌کنند، در حالی که آن نظر و سخن را یا نفهمیده‌اند و نسنجیده‌اند، یا به دلایل شخصی و غیر علمی آن را رد کرده‌اند. عده‌ای دیگر نیز هر فکر خام و نسنجیده‌ای را بگونه‌ای شتابزده و هیجانی و بدون توجه به بسترها و پیش‌نیازهای آن می‌پذیرند و نام این جهالت را هم «عملگرایی» می‌نهند و در گام بعدی آن را چنان مقدس و تابو می‌کنند که کسی جرأت نقد آن را نداشته باشد، در حالی که مدیر عملگرایی واقعی کسی است که از روشنفکری سازمانی برخوردار باشد و با استفاده از ایده‌های کارشناسی و مشاوره‌ای، راه حل بهینه را بیابد و با اراده و توان سازماندهی و رهبری خود آن را به اجرا درآورد.

نکته دیگر هم کاربرد مکرر واژه «تئوری» و اصطلاح «تئوری‌پردازی» است که بعضاً همانند گناهی نابخششوندنی تلقی می‌شود، یا ننگی که باید هر چه زودتر از آن گریخت! زیرا در اکثر سازمان‌های اداری و اجرایی انواع ایده‌های بی‌مبنا و سخنان بی‌معنا را



نخستین دستور کار روشنفکران سازمانی می‌تواند مبارزه با دو اصطلاح مغلطه‌آمیز «کاربردی» و «عملگرایی» باشد.

روحیه شاعرمسلکی و ناسازی و ناهماهنگی آن با عقلانیت و تفکر انتقادی مدرن، جزو عوامل تأثیرگذار در عقب‌ماندگی ایران بشمار می‌رود.

هنری، به نقد کلی قدرت و ثروت بپردازند و در نتیجه، تاکنون نتوانسته‌اند در مسیر نظریه‌پردازی، فرهنگ‌سازی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در فرآیند توسعه ملی و اصلاح نظام اداری و اجرایی کشور وارد شوند و اثر بگذارند.

مغلطه‌ها در فضای سازمانی ایران

در ارتباطات سازمانی ما مجموعه‌ای از سفسطه‌ها رواج دارند که موجب کنش و واکنش‌های نادرست مدیران و کارکنان می‌شوند. این پدیده در فضای سازمانی بگونه‌های تجاری و غیرتجاری شایع است. حالت تجاری آن سیستم‌های مدیریتی و آموزش‌هایی هستند که با برجسب‌های «کاربردی» و «عملگرایی» مطرح می‌شوند. این ماجرا متأسفانه آنگاه داغتر و مخرب‌تر می‌شود که سازمان‌های متولی اصلاح نظام

اندیشیدن روشنفکرانه است. روشنفکری یا روشن‌اندیشی (Intellectualism) نیز به معنای توانایی تفکیک دو امر از یکدیگر است. پس روشنفکر سازمانی کسی است که انتقادگر باشد و بتواند با تفکر انتقادی «سره» را از «ناسره» و «بدلی» را از «اصل» تمیز دهد و راه نجات سازمان‌های رنجور و ناکارآمد را بیابد و عملیاتی کند.

روشنفکری از جنبه فکری بر دو ویژگی «خودآگاهی» و «عقل نقاد» بنا نهاده می‌شود و یکی از پیش‌نیازهای اندیشه‌پردازی برای توسعه ملی و سازمانی و خلق تفکر نقادانه در تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نیز وجود روشنفکران سازمانی (Organizational intellectual) است. لازم به توضیح است که ریشه تفکر نقادانه همانا نگاه به بستر تاریخی پدیده‌هاست و روشنفکران اجتماعی و سازمانی نیز برای نقد قدرت و ثروت، از تفکر نقاد بهره می‌گیرند، در حالی که فقدان حاکمیت مطلوب و سلطه دیدگاه‌های چپ‌گرایانه دینی و عرفی بر فضای روشنفکری کشورمان باعث شده‌است که روشنفکران ایرانی همواره با طرح و ترویج شعارهایی مانند «عدالت» و «آزادی»، آنهم عمدتاً در قالب‌های ادبی و



روشنفکر سازمانی کسی است که انتقادگر باشد و بتواند با تفکر انتقادی «سره» را از «ناسره» و «بدلی» را از «اصل» تمیز بدهد و راه نجات سازمان‌های رنجور و ناکارآمد را بیابد و عملیاتی کند.

«تئوری» و «تئوری‌بافی» می‌نامند. شگفت آنکه بازی‌گردانان اینگونه ترفندهای کلامی نیز اغلب مدیرانی هستند که به هر دری زده‌اند و می‌زنند تا به هر نحوی و در هر جایی که شده، دو واحد تدریس داشته باشند، تا عنوان استادی را نیز به گنجینه افتخارات خود بیفزایند.

نتیجه‌گیری

همانگونه که اشاره شد، دانش مدیریت، تجلیگاه علوم انسانی و عامل اصلی برای ایجاد تحول در گستره دانش بشری و ارتقای سطح فرهنگ و تمدن و افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زیست جوامع انسانی است. بنابراین، تلاش برای برقراری پیوند میان دانش و عمل مدیریت، جانمایه و چکیده صفاتی است که پدیده «روشنفکری سازمانی» را بوجود می‌آورند و آن را شکل می‌دهند. اینگونه دانشمندی و دانش‌ورزی نتیجه‌گراست که به گفته

کنفوسیوس حکیم «مفیدترین شکل دانش بشری» بشمار می‌رود.

به عبارت دیگر، دانش مدیریت دانشی است کاملاً کاربردی و نتیجه‌گرا، به نحوی که در یک سوی آن، سازمان‌های نیازمند تحول قرار دارند و در سوی دیگر، مدیران آشنا با روش‌های علمی و توانمند برای شناخت راه حل مسایل و

درمان آسیب‌ها و نارسایی‌های سازمانی. پس آنچه در حال حاضر، شدیداً بدان نیازمندیم، همانا عملگرایی در چارچوب روشنفکری سازمانی است، به نحوی که هم محدودیت‌ها و تنگناها را شناسایی کند و هم به اندیشه‌پردازی و آینده‌نگری برای هماهنگ‌شدن با تحولات روزافزون جهان رو به گسترش توجه و عنایت داشته باشد. به قول مینتزبرگ، دانشمند بزرگ مدیریت: «عمل، بدون اندیشه نابخردانه است.

اندیشه بدون اقدام هم اثری ندارد. پس هر مدیری ناچار است که برای ترکیب این دو جنبه راهی را بیابد، یعنی باید مبنای کار خود را در محل تلاقی اندیشه و اقدام قرار دهد.» مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی نیز معتقد است که تفکر با «پرسیدن» آغاز می‌شود، یعنی پاسخ‌ها در درون پرسش‌ها نهفته‌اند و تا پرسشی مطرح نشود، پاسخی بوجود نخواهد آمد و راه حلی پیدا نخواهد شد. اما دریغ که ساختار دانشگاه‌ها و نظام آموزش مدیریت در ایران به شدت بیمار است و ضعف‌ها و نارسایی‌های ساختاری متعددی دارد و در نتیجه، نتوانسته تا کنون از حد ابتدایی و ناچیز جزوه‌خوانی و سیاه‌کردن برگه‌های امتحانی و صدور دانشنامه‌های آنچنانی! فراتر رود و به قلمرو اندیشه‌ورزی و روشنفکری سازمانی قدم بگذارد. راه حل این تراژدی تاریخی نیز چیزی نیست جز حرکت به سوی روشنفکری سازمانی و بهره‌گیری از فرایند پرسشگری چالشی، تفکر انتقادی و خودآگاهی.

روشنفکری بر دو ویژگی «خودآگاهی» و «عقل نقاد» بنا نهاده می‌شود و یکی از پیش‌نیازهای اندیشه‌پردازی برای توسعه ملی و سازمانی و خلق تفکر نقادانه در تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نیز وجود روشنفکری سازمانی است.



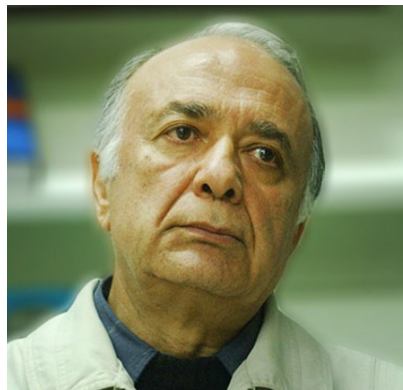
زنجیره تحول

حتی اشتباه اندیشیدن، بهتر از هرگز نیندیشیدن است

هیپاتیا (در گذشته به سال ۴۱۵ میلادی) زنی از اهالی اسکندریه تحت امپراتوری بیزانس بود که امروزه به عنوان نخستین زن فیلسوف تاریخ شناخته می‌شود. او که اخترشناس و ریاضیدان هم بود، جزو فیلسوفان نوافلاطونی بشمار می‌رود. هیپاتیا با آموزش‌های پدرش (تئون) که رییس دانشگاه اسکندریه بود، پرورش یافت. یکی از گفته‌های تئون به دختر فرهیخته‌اش این بود: «دخترم! حق فکر کردن را برای خودت حفظ کن، زیرا حتی اشتباه اندیشیدن، بهتر از هرگز نیندیشیدن است.»

پس از این مقدمه کوتاه، به نقل گفت‌وگوی اختصاصی مهسا رضانی (ایران آنلاین) با دکتر محمد بقایی ماکان (نویسنده، پژوهشگر و مترجم در حوزه ادبیات و فلسفه) می‌پردازیم. محمد بقایی ماکان که پیرامون معنای زندگی در اندیشه مولانا و اقبال لاهوری آثار قابل تأملی دارد، معتقد است که فلسفه راه نمی‌سازد، ولی چگونه راه ساختن را آموزش می‌دهد. در پایان هم تکمله‌ای خواهیم داشت برگرفته از نظریات جان دیویی، فیلسوف شهیر امریکایی.

* فلسفه ذاتاً رشته‌ای دشوار است و چنانچه یک فیلسوف مفاهیم فلسفی را با کلمات غامض و دشوار بیان کند، بر دشواری فهم موضوع اضافه خواهد کرد، اما اگر دیدگاه‌های خود را به زبان ساده بیان کند و همان کلماتی را که در زمره مصطلحات است، برای عموم مردم بیان کند، طبیعتاً فلسفه هم برای عموم مردم قابل فهم خواهد شد. فراموش نکنیم که فلسفه هم مثل همه رشته‌های علوم انسانی و علوم محض، اصطلاحات خاص خود را دارد. بنابراین، باید مفاهیم فلسفی را ساده کرد تا برای خواننده عادی قابل فهم شوند.



کند. ما معمولاً برای دیگر علوم مثل فیزیک، ریاضیات، شیمی و امثال اینها، وقت صرف می‌کنیم و دوره‌هایی را می‌گذرانیم تا در این علوم تخصص پیدا کنیم، ولی فلسفه از چنین پایگاهی در نزد عموم مردم برخوردار نیست، شاید چون مردم نمی‌توانند فلسفه را به سادگی درک کنند، یا نمی‌توانند اثرگذاری آن را به شکل ملموسی احساس کنند، لذا فکر می‌کنند که فلسفه چیز سودمندی نیست.

آیا عامه‌فهم کردن مفاهیم فلسفی وظیفه فیلسوف است؟

عامه‌فهم کردن مفاهیم فلسفی، آیا می‌تواند منجر به ابتدال مفاهیم فلسفی شود؟

* دقیقاً همینطور است. ما باید بپذیریم که هر دانشی برای خود ضوابطی دارد و باید این ضوابط را مراعات کرد. با این حال، عامه‌فهم کردن مفاهیم فلسفی، خود نوعی خدمت است که راه را برای کسانی که می‌خواهند با فلسفه آشنا شوند، هموار می‌سازد.

منبع:

<http://www.ion.ir/news/497082/>

آقای دکتر بقایی، در ابتدا بفرمایید که آموزش فلسفه به زندگی فردی و اجتماعی ما چه کمکی می‌کند؟

* آموزش فلسفه طبیعتاً راه را برای درست‌اندیشی و تصمیمات خردمندانه گرفتن، باز می‌کند. فلسفه راه نمی‌سازد، ولی چگونه راه ساختن را به انسان آموزش می‌دهد. بنابراین، اگر ما فلسفه را به عنوان عاملی برای بهتر اندیشیدن و عمیق اندیشیدن در نظر بگیریم، برای هر انسانی لازم و ضروری است.

به نظر می‌رسد که مردم عادی چندان به آموزش فلسفه اقبال نشان نمی‌دهند. دلیل آن را چه می‌دانید؟

* توده مردم از آنجا که با فلسفه مانوس نیستند، آن را تقریباً نادیده می‌گیرند، یا به کلی از این روش چشم می‌پوشند. نامانوس بودن مردم با فلسفه که در واقع، شیوه‌ای از اندیشیدن است، دلیلی بر عاری از ارزش بودن این شیوه از تفکر نیست. غالب مردم نمی‌دانند که فلسفه می‌تواند برای انسان معنابخش باشد و آنها را در درک مسایل بنیادین بشری یاری

تکمله:

جان دیویی، فیلسوف شهیر امریکایی هم یک اعتقاد طلایی در حوزه فلسفه دارد. او می‌گوید: جامعه‌ای که فلسفه ندارد، یا فلسفه‌اش سرگرم مسایل تاریخی است و از پاسخ‌دادن به سوالات روز جامعه ناتوان است، یا از آنها طفره می‌رود، نمی‌تواند به سمت توسعه گام بردارد. تجربه توسعه غرب طی سیصد سال اخیر هم همین نظریه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که فیلسوفان اولین گام‌های افق‌گشایی فکری به سوی توسعه را برداشته‌اند. به دنبال فیلسوفان، روشنفکران آمده‌اند و حرف‌های آسمانی فیلسوفان را زمینی کرده‌اند، یعنی آنها را به زبان عامه‌فهم ترجمه کرده‌اند. سپس به دنبال روشنفکران، عالمان و آکادمیسین‌ها آمده‌اند و دلایل و مستندات علمی آن حرف‌ها را کشف کرده‌اند و ساخته‌اند و آزموده‌اند و در آخرین گام نیز فناوران و کارآفرینان به صحنه آمده‌اند و فناوری‌های لازم را ساخته‌اند تا ایده‌های جدید به بستر زندگی مردم وارد شوند. بنابراین، تجربه تاریخی غرب نشان‌دهنده وجود یک «زنجیره تحول» است، زنجیره‌ای که از فیلسوفان شروع شده و به فناوران و کارآفرینان رسیده و در نتیجه، توانسته‌است تحولات سیصد سال اخیر را رقم بزند.



طرح انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران

رگ رگ است این آب شیرین، آب شور

در خلایق می‌رود تا نفخ صور

(مولوی)

افتتاحیه گفت: این پروژه به صرفه است و هزینه تمام‌شده هر مترمکعب آب، معادل دو یورو و تنها دو درصد از کل هزینه مورد نیاز صنعت فولاد است. بنا به گزارش بی.بی.سی او افزود: هفده استانی که از این طرح بهره‌مند می‌شوند، سالانه ۶۰ میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کنند که حدود دو میلیارد مترمکعب آن برای صنایع است. بخش صنعت در آینده با کمبود ۹۵۰ میلیون مترمکعب آب مواجه می‌شود پس باید آن را با شیرین‌سازی تأمین کرد.

حدود هفت دهه است که از این روش استفاده می‌کنند. در ایران هم چند بار صحبت از راه‌اندازی چنین پروژه‌ای شده بود، تا اینکه تداوم خشکسالی در استان‌های کرمان، یزد و هرمزگان، استقرار تعداد زیاد معادن مس و سنگ آهن و صنایع فولاد و نگرانی از بیکاری باعث شد که مقدمات طرح از سال ۹۲ آغاز شود و از سه سال پیش هم به اجرا گذاشته شود. دکتر رضا اردکانیان، وزیر نیرو نیز در مراسم

در اوایل پاییز گذشته فاز اول طرح انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران آغاز شد. دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران نیز در مراسم افتتاحیه این طرح را «خط انتقال امید» به همه کشاورزان و صنعتگران خواند و اظهار امیدواری کرد که تا پایان کار دولتش، دو مرحله دیگر طرح هم به پایان برسند. گفتنی است که استفاده از آب خلیج فارس برای مصارف شرب و صنعتی تازگی ندارد. کشورهای همسایه ایران در خلیج فارس



آب را باید شیرین کرد!

نگرانی‌های زیست‌محیطی

لازم به ذکر است که آب خلیج فارس از دریای عمان شورتر است و برداشت زیاد آب، شوری آن را افزایش می‌دهد و در نتیجه، فعالان محیط زیست می‌گویند این امر بر سلامت زیست‌بوم و گونه‌های گیاهی و جانوری خلیج فارس اثر مخربی دارد، اما دست‌اندرکاران طرح معتقدند که این طرح‌ها علاوه بر اینکه صنعت را متحول می‌کنند، در چارچوب اصول محیط زیستی اجرا می‌شود و ضرری هم برای محیط زیست ندارد. دکتر عیسی کلانتری، رییس سازمان محیط زیست نیز ضمن تأیید این نظر گفته‌است: کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سالانه بیش از ۳۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین از خلیج فارس برداشت می‌کنند، در حالی که کل برداشت ما به ۸۰۰ میلیون مترمکعب نخواهد رسید. اما دکتر محمدحسین معاریان، عضو هیأت علمی دانشگاه یزد معتقد است که استفاده کشورهای حاشیه خلیج فارس از این آب دلیل نمی‌شود که ما هم به آلودگی

برخی از رسانه‌های ایران این طرح را «آبر پروژه» و طولانی‌ترین خط انتقال آب می‌دانند، چون هدف اصلی طرح تأمین آب برای صنایع از خلیج فارس تا سیرجان در استان کرمان است، اما در مسیر خود، آب شرب و کشاورزی شهرهای فلات مرکزی ایران را هم تأمین می‌کند.

طبق گزارش مزبور، مجری طرح «شرکت تأمین و انتقال آب خلیج فارس» با سرمایه‌گذاری و سهامداری شرکت‌های معدنی و صنعتی گل‌گهر و چادرمولو و صنایع ملی مس ایران است و در فازهای زیر اجرا می‌شود:

فاز اول: از آب‌شیرین‌کن بندرعباس تا گل‌گهر کرمان، ۳۰۳ کیلومتر لوله فولادی به قطر ۱/۶ متر

فاز دوم: از گل‌گهر تا مس سرچشمه کرمان، ۱۵۰ کیلومتر

فاز سوم: آبرسانی به چادرمولو و اردکان یزد، ۵۱۰ کیلومتر

حدود ۷۵ درصد نمک‌زدایی در دنیا در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرد و بیش از ۸۵۰ دستگاه آب‌شیرین‌کن در منطقه خلیج فارس فعالند که ظرفیت ۲۵ آب‌شیرین‌کن بالای ۱۰۰ هزار مترمکعب در شبانه روز است.

آن اضافه کنیم و بهتر بود ما به جای شرکت در این مسابقه آلودگی زیست‌محیطی، این عمل کشورهای حاشیه خلیج فارس را به صورت حقوقی به چالش می‌کشیدیم.

گزارش مزبور در پایان افزوده‌است که به گفته وزیر نیرو، حدود ۷۵ درصد نمک‌زدایی در دنیا در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرد و بیش از ۸۵۰ آب‌شیرین‌کن در منطقه خلیج فارس فعالند که ظرفیت ۲۵ آب‌شیرین‌کن بالای ۱۰۰ هزار مترمکعب در شبانه روز است.

منبع:



ای کاش نخست جهل را نشانه گرفته بودیم...

(مروری بر کتاب «اینجه ممد» اثر یاشار کمال)

شهره خاص و عام شده، دیگر هیچ راهی ندارد، جز اینکه به کوه بزند و یاغی شود. همین کار را هم می‌کند، ولی چون در برابر زورگویی و استبداد سردسته راهزنانی که به آنها پیوسته، عاصی می‌شود، لذا از آنها جدا می‌شود و دسته خاص خودش را تشکیل می‌دهد و طولی نمی‌کشد که به راهزنی تبدیل می‌شود که مایه وحشت پول‌داران و محبوب بینوایان و محرومان است.

او پس از مدتی به خیال اینکه دیگر بساط ظلم و جور در روستا ریشه‌کن شده و دهقانان آزاد شده‌اند، تصمیم می‌گیرد

است، نوجوانی «ممد» نام زندگی می‌کند که او را اینجه (قلمی) می‌نامند. ارباب هر ساله اجاره سنگینی بابت زمین‌هایش از روستاییان می‌گیرد و آنها را رها می‌کند تا در فقر فجیعی زندگی کنند. نظام اجتماعی کهن با تسلط سرکوب و وحشت ادامه دارد. «ممد» چندین بار از روستا فرار می‌کند و «خدیجه» را هم که عاشقش است، اما ارباب برای برادرزاده خودش در نظر گرفته، همراه می‌برد. وقتی که «ممد» را دستگیر می‌کنند، برادرزاده ارباب را می‌کشد و خود ارباب را هم زخمی می‌کند. او که حالا

رمان «اینجه ممد»، شاهکار یاشار کمال، نویسنده سرشناس اهل ترکیه است. اولین جلد از این رمان چهارجلدی، در سال ۱۹۵۵ به صورت پاورقی در روزنامه جمهوریت ترکیه منتشر شد. این اثر جایزه اول رمان را دریافت کرده و در میان مردم نیز شهرت و موفقیت فراوان پیدا کرده است.

رویدادهای این رمان که به وسیله ثمین باغچه‌بان به فارسی برگردانده شده، در نظام ارباب‌رعیتی ترکیه اتفاق می‌افتد: در جلگه‌ای در دامنه‌های کوه توروس، در دهکده‌ای که همه زمین‌هایش متعلق به ارباب محلی

درافتادن با استبداد با توسل به سلاح، بدون کار فرهنگی و بدون آگاهی سیاسی مردم، به مثابه «با شمشیر چوبین به جنگ آسیاب بادی رفتن» است.

نکردند! اندکی بعد، وقتی که خانه ستارخان در تبریز توسط روس‌ها تخریب شد و فروریخت، باز مردم در غارت اموال خانه، سراز پا نمی‌شناختند! بعدها هم وقتی که در کودتای ۲۸ مرداد خانه دکتر مصدق تخریب شد، باز مردم همان غارت و تراژدی را تکرار کردند. اما نباید فکر کرد که غارتگران همگی ضد مشروطه بودند، خیر، اکثرشان اصلاً بی‌طرف بودند!

در مقابل گروه اول که در پی رادیکالیسم انقلابی بودند، گروه دوم قرار داشتند که مشکل را امری فرهنگی تلقی می‌کردند و بر تغییر تدریجی فرهنگ مردم، آگاه کردن مردم نسبت به حقوق‌شان و مبارزه با چهل و خرافات تأکید می‌کردند. افرادی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طالبوف... در این گروه جای دارند. آنان معتقد بودند که درافتادن با استبداد با توسل به سلاح، بدون کار فرهنگی و بدون آگاهی سیاسی مردم، به مثابه «با شمشیر چوبین به جنگ آسیاب بادی رفتن» است، چرا که نظام استبدادی، برآمده از اعماق ذهن همان مردم است، چنانکه مصطفی بادکوبه‌ای سروده است:

ما ستم را نشانه گرفته بودیم

اما همه تیرها از کمان دانش پرتاب نشد
ای کاش نخست چهل را نشانه گرفته بودیم...

منابع:

https://t.me/A_daghightar
<https://ketabnak.com/book/41886>

مشروطیت تا کنون - همیشه بیانگر دو نوع نگرش بوده: نگرش اول عبارت بوده است از رادیکالیسم انقلابی و تغییر قهری ساختار سیاسی جامعه، با توسل به سلاح و تفنگ. این دیدگاه نه تنها در دههٔ چهل و پنجاه و در آستانهٔ انقلاب ۵۷ دیدگاه غالب بود، بلکه در انقلاب مشروطیت و پس از آن نیز گاهگاهی به چشم می‌خورد. اگر مثلاً حیدر عمواغلی‌ها با توسل به نارنجک می‌خواستند با کشتن محمدعلی شاه بساط ظلم را از صحنهٔ ایران برچینند، در واقع، راه میانبر و ساده‌ای را برای مبارزه با ستم برگزیده بودند. آنان فکر می‌کردند که با کشتن حاکمی جبار، مردم زیر سلطه‌اش آزاد خواهند شد، اما نباید این اشتباه اساسی ایشان را از نظر دور داشت که آنان، حاکم را از توده‌های محکوم جدا می‌دانستند و به تعامل ذهنی و روابط عمیق بین ستمگر و ستمکش در یک نظام استبدادی توجه نمی‌کردند. آنان می‌پنداشتند که رژیم شاهی را می‌توان با بمب تروریستی فروریخت، یا اینکه با تشویق روستاییان به عدم پرداخت مالیات و بهرهٔ مالکانه و همچنین شوراندن دهقانان علیه فئودال‌ها، می‌توان نظام فئودالی را متلاشی ساخت!

احمد کسروی در نقد گروه اول نوشته است: «ما نیک آگاهی که حیدرخان عمواغلی‌ها و علی مسیوها... در راه استقلال و آزادی این کشور به هرگونه جانفشانی آماده بودند، اما در یکجا اشتباه می‌کردند. آنان از رفتاری‌ها و آلودگی‌های توده‌ها ناآگاه بودند و می‌پنداشتند اگر ریشهٔ استبداد کنده شود، تودهٔ مردم به راه پیشرفت می‌افتند، در حالی که درد اصلی، چهل و ناآگاهی مردم بود.» گذشت زمان، صحت سخن کسروی را نشان داد، بطوریکه وقتی مجلس اول به توپ بسته شد، مردم در غارت اموال و فرش‌های مجلس، روی قزاقان لیاخوفی را سفید کردند و حتی به درختان نیز رحم



گذشت زمان، صحت سخن کسروی را نشان داد که می‌گفت: درد اصلی چهل و ناآگاهی مردم است.

که به روستا برگردد، اما وقتی که به روستا برمی‌گردد، با تعجب می‌بیند که برادر ارباب به جای او نشسته و چنان ستم می‌کند و دمار از روزگار مردم درمی‌آورد که مردم قبر ارباب قبلی را زیارتگاه کرده‌اند و به «اینجه‌ممد» دشنام می‌دهند که چرا ارباب خوب آنها را کشته و اکنون ارباب ظالم‌تر و بدتری بر سرنوشتشان حاکم شده است! قهرمان داستان «اینجه‌ممد» در این مرحله دچار شک و تردید می‌شود و مدام سرگردان از خود می‌پرسد که آیا مبارزه‌اش بیهوده بوده؟ و اشتباهش کجا بوده؟ سپس به این نتیجه می‌رسد که به جای ارباب، باید با ارباب‌پرستی مبارزه می‌کرده، یعنی صفتی که در اذهان دهقانان ریشه دوانده و نهادینه شده است. و سرانجام، تصمیم می‌گیرد که آتش به خارستان بزند و خارها را به آتش بکشد. خارستان هم درواقع، همان زنجیرهای ذهنی دهقانان است.

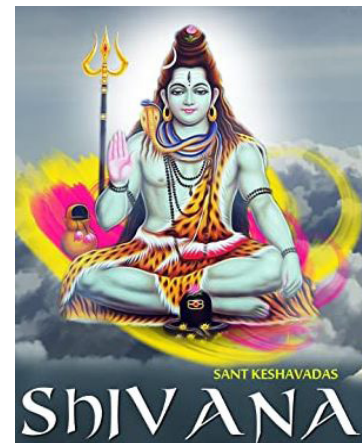
نگاهی به تئوری‌های مربوط به دگرگونی جامعه در تاریخ معاصر ایران - از دورهٔ

گلگشت



اندیشه کردن

اندیشه کردن یکی از سخت‌ترین کارهاست، چرا که در مقابل عادات ما می‌ایستد و آنها را به زیر علامت سوال می‌برد و راحتی و امن و آسایش را از ما می‌گیرد. (میلان کوندرا)



گناه جهل

بچه‌ای نزد شیوانا رفت (در تاریخ مشرق زمین شیوانا کشاورزی بود که او را استاد عشق و معرفت و دانایی می‌دانستند) و گفت: «مادرم قصد دارد برای راضی‌ساختن خدای معبد و به خاطر محبتی که به کاهن معبد دارد، خواهر کوچکم را قربانی کند. لطفاً خواهر بی‌گناهم را نجات دهید.»

شیوانا سراسیمه به سراغ زن رفت و با حیرت دید که زن دست و پای دختر خردسالش را بسته و در مقابل در معبد قصد دارد با چاقو سر دختر را ببرد.



آنچه تقی‌زاده به مینوی آموخت

نجف دربابندری کتاب «عرفان و منطق» برتراند راسل را ترجمه کرد و یک نسخه از آن را در چهارم بهمن ۱۳۴۹ به مجتبی مینوی پیشکش نمود. مینوی کتاب را به دقت خواند و بر آن حاشیه‌هایی نوشت. حاشیه مورخ دهم بهمن ۱۳۴۹ مینوی در ابتدای این کتاب چنین است: «غالب مردم، بلکه عموم مردم، گمان می‌کنند آنچه به عقل خودشان می‌رسد، حقیقت

محض است و آنچه عقل ایشان آن را در نمی‌یابد، حقیقت ندارد. من هم مثل همه مردم همین گمان را داشتم. حالا این گمان را چیزی جز جهل نمی‌توانم نامید و این، آن جهلی است که می‌گویم تقی‌زاده مرا از آن رها کند. او به من فهمانید که در تعقل خود و در آنچه به عقلم می‌رسد، شک داشته باشم و ملاک همه امور، عقل خود را قرار ندهم. تساهل داشته، این را قابل قبول بدانم که شاید آنچه به عقل دیگری رسیده است نیز حقیقت داشته باشد، یا بلکه او هم محق باشد که آنچه را به عقل خودش رسیده است، حقیقت گمان کند.»

سخن مینوی تمام است و هیچ کم ندارد. جملات مینوی را باید به زر گرفت. این است تأثیر تقی‌زاده، تقی‌زاده‌ای که امثال مینوی و یارشاطر و زریاب و زرین کوب و ایرج افشار خود را برکشیده و پرورده او می‌دانستند. تقی‌زاده ادعایی نداشت، اما عملاً روح روشنفکری راستین و روشن‌بینی را منتقل می‌کرد، یعنی تحقیق، تردید، تساهل و تسامح...

<https://t.me/noore30yah>

گرفته‌ای دختر نازنینات را بکشی. بت اعظم که احمق نیست. او به تو گفته است که باید عزیزترین بخش زندگی‌ات را از بین ببری و اگر تو اشتباهی به جای کاهن دخترت را قربانی کنی، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و شاید به خاطر سرپیچی از دستور بت اعظم، بلا و بدبختی هم گریبان‌ت را بگیرد!»

زن لختی مکث کرد. دست و پای دخترک را باز کرد. او را در آغوش گرفت و آنگاه در حالی که چاقو را محکم در دست گرفته بود، به سمت پله سنگی معبد دوید، اما هیچ اثری از کاهن معبد نبود! می‌گویند از آن روز به بعد دیگر کسی کاهن معبد در آن اطراف ندید!

هیچ چیز ویرانگرتر از این نیست که متوجه شویم کسی که به او اعتماد داشته‌ایم، عمری فریبمان داده است.

در جهان تنها یک فضیلت وجود دارد و آن آگاهی است و تنها یک گناه و آن هم جهل است.

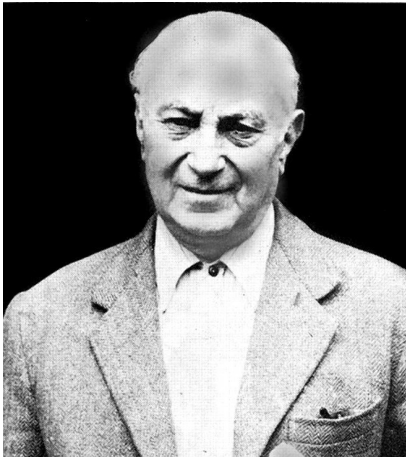
جمعیت زیادی زن بخت برگشته را دوره کرده بودند و کاهن معبد نیز با غرور و خونسردی روی سنگ بزرگی کنار در معبد نشسته و شاهد ماجرا بود.

شیوانا به سراغ زن رفت و دید که زن به شدت دخترش را دوست دارد و چندین بار او را در آغوش می‌گیرد و می‌بوسد، اما در عین حال، می‌خواهد کودکش را بکشد تا بت اعظم معبد او را ببخشد و برکت و فراوانی را به زندگی او ارزانی دارد.

شیوانا از زن پرسید که چرا می‌خواهد دخترش را قربانی کند. زن پاسخ داد: «کاهن معبد گفته است که باید عزیزترین پاره وجود خودم را قربانی کنم تا بت اعظم مرا ببخشد و به زندگی‌ام برکت جاودانه ارزانی دارد.»

شیوانا تبسمی کرد و گفت: «اما این دختر که عزیزترین بخش وجود تو نیست. چون تصمیم به هلاکش گرفته‌ای. عزیزترین بخش زندگی تو همین کاهن معبد است که به خاطر حرف او تصمیم

گلگشت



آزادی

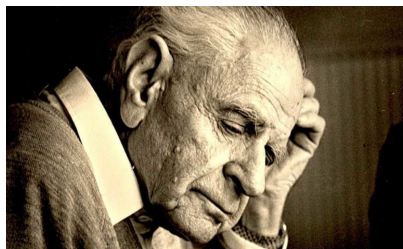
«آزادی به معنای امنیت داشتن پس از ابراز عقیده و اندیشه است. اگر مردم از گفتن حقایق طفره روند و عقاید و اندیشه‌های خود را در قلب و دل خود پنهان نگاهدارند و از حکومتیان (زمان خودشان) و دیگر مردمان بترسند و احساس ناامنی کنند، یقیناً در چنین جامعه‌ای آزادی نیست، جامعه‌ای که گروه تفتیش عقاید دارد (مثل پاپ‌های قرون وسطا در اروپا که دستگاه انگزاسیون ساخته و مفتشان را برای بررسی عقاید و اندیشه‌های مردم به همه جا می‌فرستادند) و آن گروه «وحشت و اضطراب» ایجاد کرده‌است، مسلماً در چنین جامعه‌ای نمی‌توان ادعای «آزادی» کرد. در نظامی که «دستگاه‌های سانسور و منع» وجود دارد، و شهروندان در گفتن و نوشتن و هنرآفرینی و غیره آزاد نیستند، چگونه می‌توان احساس «آزادی» کرد. زمانی که «قدرت تفکر و اندیشیدن و تعقل» از قومی گرفته شده و خط قرمزهای زیاد و نامعلومی کشیده شود، دیگر شکی در «ذبح شدن آزادی» نمی‌ماند، حتی جایی که فقر و گرسنگی و بینوایی بیداد می‌کند و مردم گرفتار روزمرگی شده‌اند، «آزادی» مفهومی ندارد.» (محمدعلی جمال‌زاده)



مخالفتان ما

هیأت دولت استرالیا شدند و جدا از هم به عنوان دادستان کل استرالیا انجام وظیفه کردند. * داری میگی نخست‌وزیر کانادا شد. و در آخر جان میچل نیز در مقام شهردار نیویورک خدمت کرد. آری، مخالفتان ما لزوماً ناشایسته نیستند و لزوماً فقط خود ما درست نمی‌فهمیم. شاید به همین علت است که در غرب به آسانی جان انسان‌ها رانمی‌گیرند.

زمانی که ایرلند اعلام استقلال از انگلستان کرد، نه جوان شورشی ایرلندی دستگیر و محکوم به مرگ شدند. حکم مجازات آنان قبل از ملکه ویکتوریا صادر شده بود و چون او تحمل اعدام کردن آنان را نداشت، لذا دستور داد تا آنان را به زندانی در مستعمره انگلستان، یعنی استرالیا منتقل کنند. حدود ۴۰ سال پس از آن، ملکه ویکتوریا از استرالیا دیدن کرد و مورد استقبال نخست‌وزیر آنجا، یعنی آقای چارلز دافی قرار گرفت. وقتی که آقای چارلز دافی به اطلاع ملکه رساند که او یکی از نه نفر ایرلندی محکوم به مرگ بوده‌است، ملکه به راستی شوکه شد. ملکه از او پرسید که آیا از سرنوشت آن هشت زندانی دیگر خبری دارد یا نه؟ او به آگاهی ملکه رساند که آنان همگی با یکدیگر در تماس هستند: * توماس فرانسیس به ایالات متحده مهاجرت کرد و خیلی زود به مقام فرمانداری مونتانا رسید. * ترنس مک مانس و پاتریک دونا هر دو ژنرال ارتش ایالات متحده شدند و بسیار عالی خدمت کردند. * ریچارد اوگورمان به کانادا مهاجرت کرد و فرماندار کل نیوفوندلند شد. * ماریس لین و مایکل ایرلند هر دو از اعضای



مردان بزرگ خطاهای بزرگ!

اگر بنا باشد تمدن ما به هستی ادامه دهد، باید عادت به دم فرو بستن و سر فرود آوردن در برابر مردان بزرگ را از خویشتن دور کنیم. مردان بزرگ خطاهای بزرگ مرتکب می‌شوند. (کارل پوپر)



بحثی در باره

سود یا زیان فرار مغزها

به طور کلی، در سومین جایگاه جهانی قرار گرفته‌اند، یعنی در حالیکه شمار جمعیت ایران در این فاصله زمانی دو برابر شده، میزان مهاجران ایرانی به عدد نزدیک به هفت میلیون نفر، یعنی به ۱۴۰ برابر رسیده‌است!

در این بین، حجم خروج نخبگان از کشور نیز قابل تأمل است. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور جهان مقام اول را از آن خود کرده، چون سالانه تا ۱۸۰ هزار نفر با تحصیلات عالی از ایران مهاجرت می‌کنند. به علاوه، هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی در آمریکا هستند. در این زمینه آمارهایی هم از سوی نهادهای ایرانی داریم که توجه به آنها مفید است: بنیاد ملی نخبگان ایران اعلام کرده‌است:

تحمیلی به اقتصاد ایران آسیب زده‌است
مرداد ۱۳۴۴ نتایج بررسی مهاجرت که توسط سازمان ملل متحد انجام شده بود، ایران را از لحاظ مهاجرت اتباع به کشورهای دیگر، در ردیف پنج کشور پایین جدول نشان می‌داد، یعنی در آن زمان تعداد مهاجران از ایران نزدیک به صفر بود. این بررسی ده سال بعد در سال ۱۳۵۴ دوباره انتشار یافت و نشان می‌داد که رتبه ایران تغییری نکرده و مهاجرت ایرانیان همچنان نزدیک به صفر است، اما در حال حاضر، اوضاع به کلی عوض شده و این ارقام به شکل ناباورانه‌ای تغییر کرده‌اند، زیرا ایران دیگر نه تنها در انتهای این جدول نیست، بلکه برعکس به صدر جدول رفته‌است. آمارهای تازه نشان می‌دهند که ایرانیان از لحاظ مهاجرت

به پدیده مهاجرت گسترده تحصیل کردگان، دانشگاهیان و دانشمندان یک کشور یا جامعه به کشورهای دیگر، اصطلاحاً «فرار مغزها» گفته می‌شود. در واقع، فرار مغزها معرف جریان سرمایه انسانی است که در آن انتقال مهارت‌ها صورت می‌گیرد. علت اصلی بروز این پدیده اجتماعی هم معمولاً کمبود موقعیت‌های شغلی، درگیری‌های سیاسی و نظامی و خطرات جانی است.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، در کل جهان حدود ۲/۵ درصد، در کشورهای بسیار توسعه‌یافته ۹/۵ درصد و در کشورهای کمتر توسعه‌یافته ۱/۴ درصد از جمعیت را مهاجران تحصیل کرده، از قبیل پزشکان و مهندسان، تشکیل می‌دهند.

فاجعه فرار مغزها، سیصد برابر جنگ

در حالیکه در سال‌های اخیر شمار جمعیت ایران دو برابر شده، اما میزان مهاجران ایرانی به عدد نزدیک به هفت میلیون نفر، یعنی به ۱۴۰ برابر رسیده است!

تعداد ۳۰۸ نفر از دارندگان مدال المپیاد و ۳۵۰ نفر از برترین‌های آزمون سراسری از سال ۸۲ تا ۸۶ به خارج مهاجرت کرده‌اند. همچنین هفته‌نامه سازمان برنامه و بودجه نوشته است: تعداد ۹۰ نفر از ۱۲۵ دانش‌آموزی که در سه سال گذشته در المپیادهای جهانی رتبه کسب کرده‌اند، هم اکنون در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند. در سال ۱۳۹۱ نیز حدود ۱۵۰ هزار دانشجوی تقاضای خروج از کشور کرده‌اند و بیشترشان هم دانشجوی دوره دکترا بوده‌اند. همچنین ۶۴ درصد دانش‌آموزان ایرانی مدال‌آور المپیاد طی ۱۴ سال گذشته از ایران مهاجرت کرده‌اند. حمید گورایی، رییس پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی نیز هشدار داده است که دانشمندان رشته سلول‌های بنیادین ایران هر روز بیشتر از گذشته جذب دیگر نقاط جهان می‌شوند. و سرانجام، عباس میلانی، مشاور اقتصادی اتحادیه اروپا، می‌گوید: فرار مغزها در چند سال اخیر ۳۰۰ برابر جنگ ایران و عراق به اقتصاد ایران صدمه زده است.

سوال پژوهشگران: مفید است یا مضر؟

در زمینه مفید یا مضر بودن فرار مغزها برای هر جامعه، بحث‌های مختلفی در جریان است و پژوهشگران زیادی این موضوع را با محوریت تعدادی از کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران، مورد بررسی قرار داده‌اند.

طبق نظر پژوهشگران و بر اساس متون مربوطه، دو دیدگاه کاملاً متفاوت (سنتی و نوین) در زمینه تبعات فرار مغزها بر روی کشورهای مبدأ وجود دارد. برخی از محققان بر آثار مضر مهاجرت نیروی انسانی متخصص بر اقتصاد کشورهای مبدأ تأکید ورزیده و بیان می‌کنند که

این پدیده از طریق کاهش نیروی کار ماهر آثار منفی بر اقتصاد کشورهای مبدأ دارد، اما گروهی دیگر می‌پندارند که این پدیده، آثار مثبتی نیز دارد که از میان آن‌ها می‌توان به افزایش انگیزه کسب تحصیل در جامعه، انتقال دانش و تکنولوژی از طریق برگشت مهاجرهای کوتاه‌مدت، شکل‌گیری آثار شبکه‌ای مهاجرت و درآمد برگشتی به کشورهای مبدأ اشاره کرد.

برای روشن‌تر شدن این موضوع، محققان کشور خودمان هم مطالعه‌ای را انجام داده‌اند. در این مطالعه سعی شده است تا با دیدگاهی علمی، برندگان و بازندگان فرار مغزها در کشورهای منطقه خاورمیانه با تأکید بر سرمایه انسانی مورد بررسی قرار گیرند. در این تحقیق، پژوهشگران دانشگاه ایلام به شفاف‌کردن علامت و اهمیت آثار فرار مغزها بر انباشت سرمایه انسانی و نیز قضاوت در باره دیدگاه‌های سنتی و نوین در متون نظری فرار مغزها در کشورهای منطقه خاورمیانه، از جمله کشورهای ایران، بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، قطر، لبنان، عمان، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات متحده عربی و یمن طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج بررسی محققان فوق نشان می‌دهد که کشورهای ایران، اردن، لبنان، ترکیه و امارات متحده عربی، کشورهای متضرر از فرار مغزها بوده‌اند و سایر کشورهای مورد بررسی، از این امر منتفع شده‌اند. بنابراین، محققان مزبور نتیجه گرفته‌اند که چون نرخ فرار مغزها از ایران باعث زیان خالص در اقتصاد ایران شده، لذا لازم است سیاست‌مداران ترتیبی را اتخاذ نمایند که مجموعه عوامل دافعه در ایران کاهش یابند و مجموعه عوامل جاذبه تقویت شوند، به طوری که در مجموع ضریب ماندگاری نخبگان در ایران افزایش یابد.

طبق نظر دکتر حشمت‌الله عسکری، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام و همکاران در این پژوهش: «کشورهای متضرر، لازم است با اتخاذ سیاست‌های کنترل مهاجرت و بهبود شرایط بازار کار و رفاه اجتماعی، شرایط

مناسب را برای حفظ نخبگان در کشور خود فراهم کنند. همچنین توصیه می‌شود که با اتخاذ سیاست‌های مناسب، از جمله برقراری ارتباط با دانشمندان سایر کشورها در داخل، دعوت از استادان و نخبگان سایر کشورها، فراهم کردن شرایط برای واردات تکنولوژی، شرکت‌های چندملیتی و سایر سیاست‌های جذب مغزها، ضمن آنکه از فرار مغزها کاسته می‌شود، موجبات ورود نخبگان سایر کشورها نیز فراهم شود.» این محققان می‌افزایند: «چنین تسهیلاتی می‌توانند ضریب ماندگاری افراد تحصیل کرده در داخل کشور را افزایش دهند و باعث ترغیب مهاجران ایرانی و برگشت آن‌ها به داخل کشور شوند.»

بر اساس یافته‌های این پژوهش: «در بلندمدت، بهبود شرایط کلی اقتصاد، نخبگان را به ماندن در کشور تشویق خواهد کرد. بنابراین، دولت برای مثال می‌تواند بخش ویژه‌ای از درآمد نفتی را در بخش تحقیق و توسعه به منظور نگاه داشتن افراد تحصیل کرده، افزایش قدرت رقابت در بازارهای جهانی و رقابتی کردن بخش کشاورزی اختصاص دهد. در نتیجه این سیاست، درآمد ناشی از صادرات افزایش می‌یابد و فرصت‌های شغلی برای کارگران ماهر و غیرماهر ایجاد خواهد شد.» این محققان همچنین پیشنهاد کرده‌اند که دولت با پخش برنامه‌های رادیو-تلویزیونی و به کمک مطبوعات و سایر رسانه‌های جمعی، مشکلات مربوط به مهاجرت، از جمله یافتن شغل در بازار کار، مشکلات فرهنگی نسل‌های آینده مهاجران و جز آن را به‌درستی اطلاع‌رسانی کند تا افراد با مهارت، به‌راحتی خود را در برخی مخمصه‌های مهاجرت نیندازند و ماندن در کشور خود را بر رفتن ارجح بدانند.» گفتنی است که تایید حاصل از این پژوهش در نشریه «مدیریت سرمایه اجتماعی» منتشر شده است.

چه کسی از فرار مغزها می‌ترسد؟

اما در سوی دیگر دیدگاه اقتصاددانان توسعه را داریم که بخشی از آن در گزارش «چه کسی از فرار مغزها می‌ترسد؟» نوشته «هیلل

چون نرخ فرار مغزها از ایران باعث زیان خالص در اقتصاد ایران شده، لذا لازم است سیاستمداران ترتیبی را اتخاذ نمایند که مجموعه عوامل دافعه در ایران کاهش یابند و مجموعه عوامل جاذبه تقویت شوند، به طوری که در مجموع ضریب ماندگاری نخبگان در ایران افزایش یابد.

مانع در راه مهاجرت، عمدتاً کنار گذاشته شده‌اند، و اکثراً بر سر این هستند که حتی اگر برخی از کشورها دچار خسارت‌های اساسی در این زمینه شوند، باز هم باید به جای ایجاد محدودیت و ممنوعیت مهاجرت، سیاست‌هایی را در پیش بگیرند که مزایای مربوط به ایجاد و چرخه نخبگان را بیشتر می‌کنند. به عبارت دیگر، ادبیات اقتصادی اخیر این دیدگاه سنتی و همچنان رایج را نمی‌پذیرد که فرار مغزها مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی کنونی و آینده کشورهای در حال توسعه است. این دیدگاه روی این نکته به طور خاص انگشت می‌گذارد که مهاجرت، امکان «فروش» سرمایه انسانی در خارج از کشور را ایجاد می‌کند و همین امر انگیزه‌ای است برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر کشورهای مهاجرفرست در زمینه تولید و فروش سرمایه انسانی، و در عین حال، سوق دادن نیروی انسانی به سمت دستیابی به کیفیت بالاتر و آموزش و تحصیلات قابل انتقال بین‌المللی بیشتر. این امر در نهایت باعث می‌شود تا کسانی که مهاجرت می‌کنند، بیش از کسانی که مهاجرت نمی‌کنند، منتفع شوند.

منابع:
اقتصاد آنلاین

<http://www.css.ir/fa/content/113058>

<https://www.isna.ir/news/97060703543>

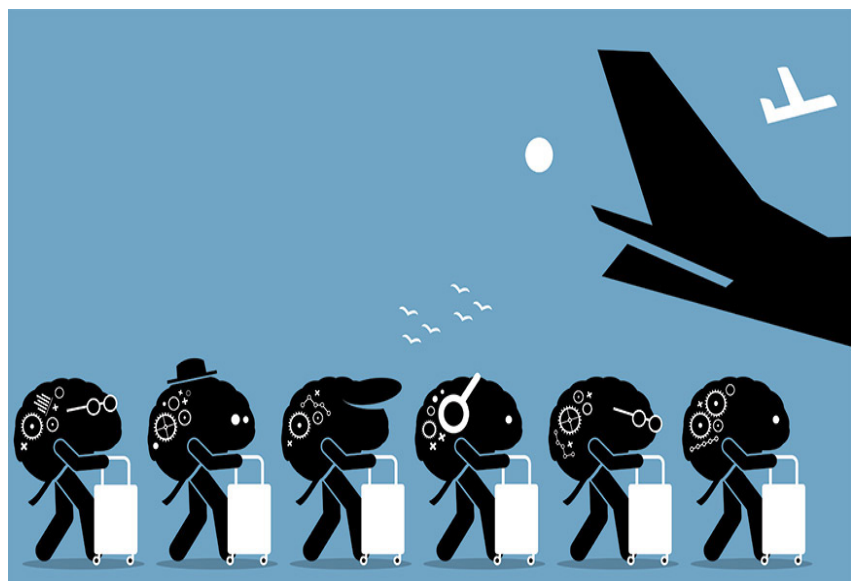
نظریات این دو محقق در ادامه به دو بخش تقسیم می‌شود و در آن، له یا علیه امکان ایجاد محدودیت بر مهاجرت توسط کشورهای در حال توسعه استدلال می‌شود. «براک» اظهار می‌کند که دولت‌های کشورهای در حال توسعه ممکن است زمانی که دچار خسارت‌هایی اساسی از ناحیه فرار مغزها شوند، محدودیت‌هایی موقتی را اعمال کنند، این در حالی است که «بلک» با وضع چنین محدودیت‌هایی مخالفت می‌ورزد. اما هر دو نویسنده بر سر این مسأله توافق دارند که «علی‌رغم مزایای زیادی که مهاجرت برای کشورهای مبدأ دارد، در برخی موارد ممکن است خسارت‌های اساسی نیز به بار آورد.» «راپاپورت» هم که این مجموعه را تدوین کرده، گرچه با متضرر شدن برخی از کشورها در اثر مهاجرت نخبگان مخالفتی ندارد، اما با نتیجه‌گیری سیاسی «براک» در مورد اعمال قوانین محدودیت‌زا برای مهاجرت نخبگان مخالف است.

روی هم‌رفته، زمانی که یافته‌های تحقیقات اقتصادی اخیر را مرور کنیم، پی می‌بریم که استدلال‌های هنجاری و ایجابی برای ایجاد

فرار مغزها معرف جریان سرمایه انسانی است که در آن انتقال مهارت‌ها صورت می‌گیرد.

راپاپورت» (Hillel Rapoport) آمده‌است. این گزارش که توسط مرکز پژوهش و کارشناسی در اقتصاد جهانی (Research and Expertise Centre on the World Economy) در فوریه سال ۲۰۱۷ به چاپ رسیده، از منظر حقوقی و سیاسی، استدلال‌های موافق و مخالف جلوگیری از جابجایی نخبگان را به جهت محدود نمودن فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار داده‌است. «هیلیل راپاپورت» در این گزارش این بحث را با بیان دیدگاه‌هایی در مورد تحقیقات اقتصادی اخیر پیرامون فرار مغزها، جهانی شدن و توسعه تکمیل می‌کند و تأکیدش بر دو نتیجه عمده است: یکی اینکه سرمایه‌گذاری‌های آموزشی زمانی افزایش می‌یابند که مهاجرت نخبگان با محدودیت مواجه نشود؛ و دیگر اینکه، نقش پراکندگی نخبگان در تسریع ادغام کشورهای مهاجرفرست در اقتصاد جهانی در نظر گرفته شود. بدیهی است که هر دو نتیجه مزبور، منطقاً بازگذاشتن راه مهاجرت نخبگان را تقویت می‌کنند.

نظریات «جیلین براک» و «مایکل بلک» (۲۰۱۵) پیرامون فرار مغزها نیز چشم‌انداز جدیدی را در مورد یکی از ایده‌های نظریه سیاسی لیبرال و نظام بین‌المللی حقوق بشر مطرح می‌کند. این نظریه معتقد است که مهاجرت از حقوق بنیادین بشر است و بنابراین، نباید آن را زیر سؤال برد.



دورنمای اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۱



بانک جهانی در گزارش «دورنمای اقتصادی جهان» که در اوایل سال میلادی جاری منتشر شد، پیش‌بینی خود از نرخ رشد اقتصادی ایران و جهان را تعدیل نمود و این نرخ‌ها را به ترتیب ۱/۵ درصد و چهار درصد اعلام کرد. در این گزارش که اولین گزارشی است که پس از اعلام رسمی کشف واکسن کرونا منتشر شده، بانک جهانی با توجه به اثرات عمیق بحران کرونا بر اقتصاد جهانی، تأکید کرده‌است که مسیر بهبود پایدار اقتصاد جهانی از واکسیناسیون گسترده و احیای سرمایه‌گذاری می‌گذرد.

اگر چه بانک جهانی در گزارش جدید خود نرخ رشد تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۲۱ را چهار درصد پیش‌بینی کرده، اما در عین حال، دو سناریوی دیگر را نیز در گزارش

خود مورد بررسی قرار داده‌است: (۱) اگر فرآیند واکسیناسیون گسترده با سرعت بیشتری انجام گیرد و جهان موفق به کنترل کامل همه‌گیری کرونا شود، احتمال افزایش نرخ رشد اقتصاد جهان تا حدود پنج درصد وجود خواهد داشت، اما اگر واکسیناسیون گسترده به هر دلیلی به تعویق بیفتد، آنگاه خطر کاهش نرخ رشد اقتصادی جهان به ۱/۶ درصد جدی خواهد بود. بانک جهانی در خصوص اقتصاد ایران نیز اقدام به تعدیل پیش‌بینی قبلی خود (۲/۱ درصد) کرده و در گزارش جدید، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۱ را ۱/۵ درصد پیش‌بینی کرده‌است. از طرف دیگر، برآوردهای اولیه بانک جهانی حاکی از آن است که اقتصاد ایران در سال گذشته میلادی ۳/۷ درصد نسبت به سال ۲۰۱۹ کوچکتر شده، این در

حالی است که بانک جهانی در گزارش قبلی خود نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۰ را منفی ۵/۳ درصد پیش‌بینی کرده بود. شایان ذکر است که پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۱ نیز تعدیل شده و از ۲/۳ درصد قبلی، به ۲/۱ درصد رسیده‌است. در بین اقتصادهای بزرگ جهان نیز بر اساس گزارش بانک جهانی، چین نه تنها سال ۲۰۲۰ را با نرخ رشد مثبت دو درصد پشت سر گذاشته، بلکه در سال ۲۰۲۱ نیز با نرخ رشد ۷/۹ درصدی، بالاترین نرخ رشد را به خود اختصاص خواهد داد. نرخ رشد اقتصادی آمریکا، منطقه یورو و ژاپن در سال ۲۰۲۱ نیز به ترتیب ۳/۵، ۳/۶ و ۲/۵ درصد پیش‌بینی شده‌است.

«فرمول یک» سبز می شود؟

«فرمول یک» خودروسازها برای رسیدن به این هدف، به توسعه موتورهای دوگانه هایپرید فعلی ادامه خواهند داد. این موتورها قرار است در آینده با سوخت‌های ترکیبی کار کنند، اما مسأله اصلی این است که خودروهای مسابقات «فرمول یک» تنها مسوول هفت درصد کل دی‌اکسیدکربنی هستند که ورزش «فرمول یک» منتشر می‌کند و بیش از ۷۰ درصد دی‌اکسیدکربن از طریق حمل‌ونقل تیم‌ها و ماشین‌ها ایجاد می‌شود و مسوولان این برنامه هم دقیقاً مشخص نکرده‌اند که در این بخش چگونه می‌خواهند انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهند؟ در این برنامه صرفاً خیلی کلی قید شده که فرآیندهای لجستیک و شیوه حمل‌ونقل با کمترین انتشار دی‌اکسیدکربن انجام خواهند شد، در حالی که با وجود تقویم فشرده مسابقات «فرمول یک» و برگزاری ۲۰ گراندپری در چهار قاره مختلف در طول یک فصل، صرف‌نظر کردن از سفر با هواپیما عملاً غیرممکن خواهد بود.



گازهای گلخانه‌ای است، یعنی موضوعی که بزرگ‌ترین ایراد محافظان محیط زیست نسبت به این رشته ورزشی است. به گفته مسوولان «فرمول یک» این رشته ورزشی تا سال ۲۰۳۰ کلا عاری از دی‌اکسیدکربن خواهد شد، یعنی از کارخانه‌های تولیدکننده خودروها گرفته تا حمل‌ونقل خودروها و خود ماشین‌ها، از این مشکل خلاص خواهند شد. به گزارش بی.بی.سی. بر اساس برنامه

مسوولان برگزاری مسابقات اتومبیل‌رانی «فرمول یک» برنامه بلندپروازانه‌ای را برای برگزاری «زیست‌محیطی‌تر» این رقابت‌ها اعلام کرده‌اند. بر اساس این برنامه، قرار است تا سال ۲۰۲۵ هیچ نوع زباله پلاستیکی در مسابقات تولید نشود و علاوه بر آن، تماشاچیان نیز باید با وسایل حمل و نقل پاک به محل مسابقه بروند، اما مهم‌ترین قسمت این برنامه مربوط به میزان انتشار

اعطای نوبل اقتصاد برای طراحی روش‌های نوین مزایده و حراج

«پل میلگرام» نیز یک فرضیه عمومی برای حراج طراحی کرده که «بهای خصوصی» کالاهای به فروش گذاشته شده را که از یک خریدار به خریدار دیگر متفاوت است، در مد نظر قرار می‌دهد. لازم به توضیح است که قالب‌های جدید طراحی شده در حال حاضر برای فروش کالاهای و خدمات متنوعی مانند فرکانس‌های رادیویی و یا سهمیه‌های ماهیگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند و به همین علت، منتقدان می‌گویند بهتر بود این جایزه به کسانی تعلق می‌گرفت که تلاش‌هایشان در زندگی روزمره افراد عادی نمود پیدا می‌کند.

برگزاری مزایده‌ها و حراج کالاها، برنده جایزه نوبل اقتصاد شدند. بنا به گزارش آکادمی نوبل، دو اقتصاددان مزبور که برای دانشگاه استنفورد کالیفرنیا کار می‌کنند، عبارتند از: «پل میلگرام» هفتاد و دو ساله و «رابرت ویلسون» هشتاد و سه ساله. مطابق گزارش مزبور، مطالعات «رابرت ویلسون» نشان داده‌است که چرا شرکت‌کنندگان در مزایده‌ها به دلیل ترس از پرداخت بهای بیشتر برای یک کالا، به‌خصوص وقتی که اطلاعات ناقصی از آن داشته باشند، معمولاً بهایی پایین‌تر از بهترین ارزیابی خود از ارزش متعارف آن کالا را پیشنهاد می‌دهند.



دو اقتصاددان آمریکایی به دلیل تلاش برای پیدا کردن راه‌های نوین برای بهبود شیوه

آیا آب برای تهرانی‌ها مجانی می‌شود؟



این در شرایطی است که کشور کانادا که ۷۰ درصد آب شیرین دنیا را در اختیار دارد، هزینه آب شربش ۷۰ برابر ایران است! لذا اگر بخواهیم میزان مصرف آب شهر تهران که جزو بهترین آب‌های دنیاست، مدیریت شود، باید دو مولفه فرهنگ‌سازی و اقتصاد را در نظر بگیریم، در غیر این صورت، کاهش مصرف نخواهیم داشت. به گفته مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران، معادل ۶۰ درصد مردم تهران زیر خط نرمال، ۲۰ درصد در حد نرمال و کمی بیشتر و ۱۵ تا ۲۰ درصد پرمصرف هستند و پنج درصد هم در دسته بسیار پرمصرف‌ها قرار دارند.

این در شرایطی است که تنها ۷۰۰ تومان از مشترکان اخذ می‌شود و در نتیجه، شرکت‌های آب و فاضلاب و آب منطقه‌ای جزو شرکت‌های زیان‌ده هستند.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با بیان اینکه در تهران زیان انباشته شده بالای سه تا چهارهزار میلیارد تومان است، تصریح کرد: اکنون ۶۰ درصد مشترکان تهرانی زیر ۲۰ هزار تومان قبض آب پرداخت می‌کنند که با توجه به کیفیت آب و هزینه‌ای که پرداخت می‌شود، می‌توان گفت که تقریباً آب مجانی در اختیار مشترکان قرار می‌گیرد. بختیاری افزود:

به گزارش ایسنا، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران در یک نشست خبری در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا طرح آب مجانی در تهران در دستور کار قرار دارد؟ اظهار داشت: طرح برق مجانی برای مشترکان کم‌مصرف امری بسیار پسندیده بود که حدود یک تا دو سال مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفت، ولی از آنجا که ۶۰ درصد مشترکان آب در تهران زیر الگو مصرف می‌کنند، لذا اجرای این طرح با مسأله برق کمی متفاوت است و باید تمام جوانب آن بررسی شود. وی هزینه تمام‌شده تأمین و توزیع هر مترمکعب آب در تهران را ۲۵۰۰ تومان عنوان کرد و افزود:

دانشمندان افتخار آفرین ایرانی



رشته برق دانشگاه شریف گذراند و برای دوره دکتری به دانشکده اقتصاد دانشگاه استنفورد رفت و پس از دریافت مدرک دکتری اقتصاد، هم اکنون استادیار دانشگاه استنفورد است. از جدیدترین کارهای تحقیقاتی که «دکتر اکبرپور» در حال انجام آن است، بررسی حالت بهینه سیاست‌های قرنطینه در مواقع شیوع بیماری‌های همه‌گیر مثل کروناست.

در خیابان حافظ تهران است و به علت تحقیقاتش در زمینه الکترومغناطیس، فراماده و نانوتکنولوژی، در سال ۲۰۲۰ برنده مدال علمی موسسه فیزیک اسحاق نیوتن شده، از دانشمندان شناخته‌شده رشته نانوتکنولوژی در جهان محسوب می‌شود و توانسته یافته‌های جدیدی را به عرصه الکترومغناطیس در فیزیک عرضه کند. تحقیقات او در زمینه تمام مواد و نقش نور در نانو تکنولوژی نیز بر رشته‌های متعددی - از نجوم و علوم کامپیوتر گرفته تا پزشکی و فنون ارتباطات - تأثیر گذاشته است.

«دکتر محمد اکبرپور» برنده جایزه تحقیقاتی اسلون ۲۰۲۰ در زمینه اقتصاد نیز دوره کارشناسی خود را همراه با بعضی از دروس رشته اقتصاد در



اخیراً دو دانشمند ایرانی به نام‌های «دکتر نادر انقطاع» و «دکتر محمد اکبرپور» به جمع افتخار آفرینان کشورمان پیوستند و جوایز معتبری را هم به دست آوردند.

«دکتر نادر انقطاع» پژوهشگر و مدرس فیزیک دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا که متولد چهارراه عزیزخان

شهر ۱۰ میلیاردنفری برای اسکان همه بشریت!

از مواد بازیافت‌شده ساخته شود. سیستم تهویه و بهداشت نیز با یک کیفیت سراسری برای همه شهر در نظر گرفته خواهد شد. بخش اعظم مواد غذایی شهر از طریق مزارع عظیم «برج‌های عمودی» تهیه می‌شود و مزارع بزرگ انرژی خورشیدی و باد نیز با کمترین دستکاری در طبیعت، نیازهای این شهر جهانی را مهیا خواهند ساخت.

به نظر این معمار، بخش بزرگی از انواع ملی‌گرایی‌ها، اختلاف‌های سیاسی، مذهبی، طبقاتی، تربیتی و فرهنگی نیز به شدت کاهش خواهند یافت و چون اداره این شهر عمدتاً نیاز به مدیران متخصص دارد، لذا برای اولین بار بشریت را از شر مدیریت‌های سیاسی نجات خواهد داد.

آخرین نکته گفتنی در این باره آن است که شاید ایده‌ی احداث یک شهر برای سکونت همه انسان‌های سیاره ما هنوز با واقعیت فاصله داشته باشد، ولی یکی از ایده‌های خوشبینانه برای کنترل گرمایش و آلودگی سیاره ما است، ضمن آنکه بخش اصلی حیات در سیاره ما نیز بار دیگر اجازه خواهد یافت تا کمی نفس بکشد و شکوفایی را از سر گیرد.



بنا به گزارش نشریه تخصصی طراحی و معماری Dezeen این شهر بسیار عظیم که می‌تواند در سال ۲۰۵۰ امکانات ساختش توسط تکنولوژی بشر فراهم گردد، قادر است از طریق اقتصاد چرخان، سهم اساسی در سلامت محیط زیست بشر داشته باشد و برای اولین بار جلوی جنگ‌ها و طبیعتاً جلوی تولید انواع سلاح‌های جنگی شدیداً پرهزینه را بگیرد. این شهر بسیار بزرگ که می‌تواند در حد و مساحت یک استان بزرگ باشد، می‌تواند با استفاده

ایده ساختن شهرهای بسیار بزرگ برای سکونت مردم هر کشور یا منطقه، مدت‌هاست که در بین اقتصاددان‌ها و معماران مطرح شده، اما اخیراً یک معمار لس‌آنجلسی به نام Liam Young، طرح ساختن یک شهر ۱۰ میلیاردنفره برای سکونت همه بشریت در یک شهر را با جزئیات بیشتر ارائه داده‌است. دو مشخصه اصلی این شهر عبارت خواهند بود از: (۱) قابلیت خودکفایی و (۲) جلوگیری از هدر دادن مقدار زیادی از مساحت زمین هزاران شهر و جاده‌های بین آنها.

افزایش ضریب بازیافت با دانش بومی

چهار قرارداد متعلق به شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب بود. وی این میدان را شامل میدان بینک، مسجد سلیمان، بنگستان مارون و رگ سفید دانست و گفت: مطالعه افزایش برداشت از این میدان، به ترتیب به دانشگاه‌های فردوسی مشهد، سهند تبریز، صنعتی اصفهان و پژوهشگاه صنعت نفت واگذار شده‌است.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه افزایش ضریب بازیافت در میدان مختلف، با توجه به ساختار زمین‌شناسی میدان متفاوت است، گفت: با توجه به روش‌ها و مسیری که تعریف شده، در نهایت ضریب بازیافت نهایی بهبود پیدا می‌کند. مبلغ کل قراردادهای مرحله اول و دوم، معادل هزار میلیارد تومان و ۴۹ میلیون یورو است.

قرارداد، بیش از ۶۰ درصد از نفت درجای مناطق نفتخیز جنوب برای مطالعه در اختیار دانشگاه‌های منتخب قرار گرفته‌است. به گفته وی، از مجموع تولید روزانه‌ای که در شرایط طبیعی در مناطق نفتخیز جنوب انجام می‌شود، بیش از ۷۰ درصد در این مطالعه بررسی و برای افزایش تولید از آنها برنامه‌ریزی خواهد شد.

احمد محمدی در گفت‌وگو با ایرنا با بیان اینکه در مرحله قبلی امضای قرارداد پژوهشی با دانشگاه‌ها، شش قرارداد مربوط به میدان و مخازن مناطق نفتخیز جنوب بود، ادامه داد: در قراردادهای کنونی که بین شرکت ملی نفت و دانشگاه‌های منتخب کشور برای افزایش ضریب بازیافت از ۱۳ میدان نفت و گاز امضا شد نیز



مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب با اشاره به امضای ۱۰ قرارداد پژوهشی با دانشگاه‌های کشور برای افزایش ضریب بازیافت توسط این شرکت، گفت: در مجموع این ۱۰

پایگاه داده مایکروسافت از زیر آب بیرون کشیده شد



پایگاه آزمایشی عجیب شرکت مایکروسافت، بعد از گذراندن دو سال در کف دریا، دوباره ظاهر شد. بنا به گزارش بی.بی.سی. فارسی، دو سال پیش، یعنی در ماه می سال ۲۰۱۸ شرکت مایکروسافت در یک آزمایش عجیب، یک پایگاه داده را در نزدیکی ساحل اورکنی در شمال اسکاتلند به دریا انداخت. این پایگاه در واقع، محفظه‌ای استوانه‌ای پر از سرور بود. اکنون این پایگاه داده را از کف اقیانوس بیرون کشیده‌اند و محققان مایکروسافت در حال بررسی عملکرد آن هستند تا در باره

بهره‌وری انرژی بیشتر بدانند.

اولین نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که خرابی سرور در این پایگاه زیرآبی کمتر از حالت عادی بوده، یعنی فقط هشت سرور از ۸۵۵ سرور خراب شده‌اند. این نتیجه را می‌توان با یک پایگاه داده عادی روی زمین مقایسه کرد که میزان خرابی‌های هشت برابر است. گروه تحقیقاتی مایکروسافت حدس می‌زند که این کارایی بالا شاید مربوط به این باشد که انسانی در این پایگاه نبوده و به جای اکسیژن، این محفظه با گاز

نیتروژن پر شده‌است.

کارشناسان مایکروسافت به این علت دست به این آزمایش زدند که فکر می‌کردند اگر کامپیوترها را زیر آب ببرند، هزینه خنک‌کردنشان کمتر می‌شود. این استوانه سفید رنگ پس از آنکه از آب‌های سرد بیرون کشیده شد، رویش را جلبک و شقایق دریایی پوشانده بودند، اما بخوبی کار می‌کرد. اکنون پژوهشگران برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر مشغول بررسی سرورهای آن هستند

خطر نابودی محیط زیست به علت مصرف بی‌رویه آب

رییس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه ما هنوز فکر می‌کنیم که باید از تمامی منابع خود، از جمله در حوزه آب استفاده کنیم، گفت: ما حدود ۹۰ میلیارد متر مکعب آب تجدیدپذیر داریم که اگر مصرف بی‌رویه ادامه داشته باشد، تا ۱۰ سال دیگر ریشه محیط زیست را خواهد کند.

به گزارش ایسنا، عیسی کلانتری در مراسم رونمایی از «برنامه جامع اقدام ملی کاهش آلودگی هوای کلانشهرها» ضمن انتقاد از بخشی‌نگری در حوزه آب در کشور گفت: برای مثال، قانون موظف کرده است که بخش

کشاورزی خودکفا شود. جایگاه محیط زیست اینجا کجاست؟ آب باید پایدار بماند. ما باید از ۴۰ درصد منابع آبی تجدیدپذیر استفاده کنیم، در حالی که این رقم اکنون ۱۰۰ درصد است. به علاوه، آب نفوذی به سفره‌های آب زیرزمینی کشور در حال حاضر، سالانه ۲۵ میلیارد متر مکعب است، ولی ما بیش از ۵۰ میلیارد متر مکعب از آنها بهره‌برداری می‌کنیم! وی در ادامه با اشاره به اینکه معضل هوا در آب و خاک هم وجود دارد، تصریح کرد که این مسایل نه امنیتی است و نه سیاسی. سپس افزود: هوای سالم، آب سالم و... بخشی

از حقوق شهروندی مردم است و برای تأمین آنها می‌توان از دانشگاه‌های کشور کمک گرفت و دانشگاه‌های کشور هم پتانسیل فراوانی دارند که می‌توانند مشکل‌گشای مسایل کشور باشند.

معاون رییس جمهوری در ادامه با اشاره به همکاری دانشگاه‌ها با سازمان حفاظت محیط زیست در تهیه «برنامه اقدام ملی کاهش آلودگی هوای کلانشهرها» اظهار داشت: دانشگاه‌ها نشان دادند که می‌توانند برنامه‌ریزی درستی داشته باشند و اگر در اجرا موفق نبودیم، تقصیر برنامه‌ریزی‌ها نیست.

خسارت هزار میلیارد دلاری کرونا برای اقتصاد جهان

از تعطیلی‌های کسب و کارها به منظور مقابله با گسترش کرونا در معرض خطر قرار گرفته‌است.

تارنمای رسمی سازمان ملل نیز در باره این بحران نوشته‌است: اگرچه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از بازارهای نوظهور و کم‌درآمد تا حدی حمایت کرده‌اند، اما آنکتاد با هشدار سونامی اقتصادی قریب‌الوقوع در جهان، اعلام کرده‌است که نزدیک به شش میلیارد نفر از افرادی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای از لحاظ بهبود شرایط اقتصادی در انتظارشان نیست.

سازمان ملل متحد همچنین افزوده‌است: طبق اعلام دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (DESA) کارگران با مهارت کم، چه در کشورهای ثروتمند و چه در کشورهای در حال توسعه، آسیب‌های سختی را متحمل شده‌اند و آینده‌شان هم کاملاً نامعلوم است.



بنا به گزارش مزبور، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD) خسارات اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰ را هزار میلیارد دلار تخمین زده و سازمان بین‌المللی کار (ILO) هم هشدار داده‌است که تقریباً معیشت نیمی از نیروی کار جهان، به دلیل کاهش مداوم ساعات کاری ناشی

به گزارش ایرنا، بحران شیوع کرونا در سال ۲۰۲۰ و اقدامات مقابله با آن، از جمله تعطیلی مشاغل و کسب و کارها و محدودیت‌های تردد در جهان، خسارات هنگفتی را به اقتصاد جهان وارد کرده و فقر، بیکاری و تنگنای معیشت هم بسیاری از افراد در سراسر نقاط جهان را تهدید می‌کند.

برندگان نوبل فیزیک

در تاریخ اهدای جوایز نوبل، برنده جایزه نوبل فیزیک می‌شود. برنده‌های پیشین عبارت بودند از: «ماری کوری» (۱۹۰۳)، «ماریا گوپرت مایر» (۱۹۶۳) و «دانا استریکلند» (۲۰۱۸).

گفتنی است که سیاهچاله‌ها مناطقی از فضا هستند که بر اثر انفجار برخی از ستاره‌های بزرگ ایجاد می‌شوند و به دلیل نیروی جاذبه بسیار قوی، هیچ چیز، حتی نور هم قادر نیست از آنها بگریزد. بدیهی است که محاسبات ریاضی سیاهچاله‌ها به‌شدت پیچیده است و بسیاری از محققان معتقدند که دهه‌ها سال طول کشیده‌است تا پژوهشگران متوجه شوند که این فرمول‌ها در دنیای واقعی نیز نمود پیدا می‌کنند. از همین روی، «دیوید هاویلند» رییس کمیته اعطای جایزه نوبل فیزیک، با اشاره به سیاهچاله‌ها، گفت که جایزه امسال از «یکی از عجیب‌ترین چیزهای جهان» تجلیل می‌کند.



دانشمند بریتانیایی از دانشگاه آکسفورد نیز به دلیل استفاده از ریاضیات برای اثبات این که سیاهچاله‌ها نتیجه گریزناپذیر نظریه نسبیت عام «آلبرت اینشتین» هستند، نیمی از این جایزه را دریافت می‌کند. لازم به یادآوری است که خانم «آندریا گز» چهارمین زنی است که

به گزارش آسوشیتدپرس، سه دانشمند به دلیل اکتشافات مربوط به سیاهچاله‌ها برنده جایزه نوبل فیزیک سال ۲۰۲۰ شدند. نیمی از این جایزه یک میلیون و ۱۲۰ هزار دلاری میان «آندریا گز» از آمریکا و «راین هارد گنزل» آلمانی تقسیم می‌شود. «سر راجر پنروز»

برق‌رسانی ۶۰ درصد روستاهای کشور با استفاده از سیستم‌های تجدیدپذیر

به همگی نشانگر آن است که ضریب برق‌رسانی به روستاها در ایران از میانگین جهانی بالاتر است.

به گزارش روزنامه اطلاعات، به موازات این اظهارات، محمد ساتکین، معاون وزیر نیرو و رییس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق ایران نیز اعلام کرده‌است که وزارت نفت با وزارت نیرو توافق کرده که هزینه سوخت صرفه‌جویی‌شده از محل توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را بپردازد، ولی فعلاً هیچ پولی از این بابت داده نشده و سازمان برنامه و بودجه هم حاضر به تنظیم ردیف بودجه‌ای در این حوزه نیست.

به حمایت از توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، هیچگونه همکاری با وزارت نیرو نمی‌کنند.

وی با اشاره به اینکه برق‌رسانی به ۶۲۵ روستای فاقد برق تا پایان دولت دوازدهم انجام خواهد شد، ادامه داد: تا پایان سال ۱۳۹۹ به ۲۴۰ روستای دیگر هم برق‌رسانی خواهد شد. رجبی مشهدی سپس با اشاره به این که برق‌رسانی به نه روستا از طریق انرژی‌های نو انجام می‌شود، یادآور شد: همچنین برق‌رسانی به ۲۰ هزار خانوار عشایر کوچنده فاقد برق هم برنامه‌ریزی شده‌است. وی تعداد روستاهای برق‌دار شده توسط انرژی خورشیدی را هم ۲۴۱ روستا عنوان کرد و گفت: آمارهای بین‌المللی



دکتر مصطفی رجبی مشهدی، سخنگوی صنعت برق کشور، چندی پیش اعلام کرد که در هفت سال گذشته، ۶۰ درصد روستاهای کشور با استفاده از سیستم‌های تجدیدپذیر برق‌رسانی شده‌اند، در حالی که دستگاه‌های موظف

کشاورزی و مزارع عمودی



در روزگاری که هندوانه‌های چهارگوش کشت می‌شوند، خودروهای برقی و هوشمند ساخته می‌شوند و کالاهایی با چاپگر سه بعدی چاپ می‌شوند، مفاهیمی همچون «کشاورزی عمودی» و «مزارع عمودی» نمی‌توانند چندان تعجب‌برانگیز باشند.

منظور از «کشاورزی عمودی» کشت محصولات گیاهی در لایه‌ها و طبقاتی عمودی است. هدف از ابداع این فناوری هم بهترکردن رشد گیاهان و ارتقای تکنیک‌های کشاورزی بدون خاک است که سه تکنیک هیدروپونیک (آب کشت)، آیروپونیک (هواکشت) و اکوپونیک را شامل می‌شود. مهم‌ترین مزیت «کشاورزی عمودی» تولید محصول فراوان با اختصاص مساحت کمی از زمین است.

مفهوم «مزارع عمودی» هم از مدت‌ها پیش به دنیا معرفی شده و پژوهشگران از این نوآوری به عنوان راهکاری مؤثر، کم‌هزینه و در عین حال، پایدار برای تأمین غذای مردم جهان یاد می‌کنند. لازم به ذکر است که چون جمعیت جهان همچنان در حال افزایش است، لذا تأمین غذا برای

فضای سبز و مواد غذایی تازه به فضای شهری است. این مورد ضمناً فرصت مناسبی است برای آموزش مهارت‌های کشاورزی و اشتغال‌زایی در زمینه کشاورزی. این نوع کشاورزی مناسب برای کشت سبزیجات، داروهای گیاهی و درختان میوه در دو طبقه است و در حال حاضر، این طراحی در کپنهاگ انجام می‌شود و طراحان امیدوارند که بزودی در شهرهای بزرگ و پرجمعیت نیز به کار گرفته شود.

چنین جمعیتی به بحرانی عمیق تبدیل شده و دولت‌ها از هر پیشنهاد مؤثری برای رفع این بحران استقبال می‌کنند. ایده «مزارع عمودی» هم از جمله راهکارهایی به شمار می‌آید که استقبال خوبی از آن شده‌است. این نوع مزرعه به صورت عمودی و در هر مکانی قابل استفاده است و برای اهداف تجاری و اجتماعی کاربرد دارد و از آن جا که قطعات آن منفصلند، در طول ۱۰ روز قابل نصب می‌باشند. هدف از این طراحی هم برگرداندن

چند کلمه در باره بورس انرژی

می‌گیرند، توسط وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی و عمومی و اجرایی نیاز به برگزاری مناقصه یا مزایده و تشریفات مربوط به آن‌ها ندارند.

در باره مزایای پذیرش و معامله در بورس انرژی نیز به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

* امکان بازاریابی و عرضه محصولات در رینگ داخلی و بین‌المللی از طریق شبکه کارگزاران عضو و سامانه‌های معاملاتی بورس انرژی.

* امکان تأمین کالاهای مورد نیاز از طریق سازوکار شفاف و منصفانه بورس انرژی.

* امکان تأمین مالی و پوشش ریسک عرضه‌کنندگان از طریق ابزارهای مالی موجود در بورس انرژی.

* امکان پوشش ریسک و تأمین کالاهای مورد نیاز مصرف‌کنندگان برای دوره‌های زمانی مختلف.

* کاهش هزینه‌های معاملاتی برای مشتریان در مقایسه با معامله در خارج از بورس (شامل هزینه‌های عقد قرارداد، بازاریابی و...)

* کاهش ریسک‌های معاملاتی، از جمله ریسک عدم ایفای تعهدات طرفین و...

* وجود قراردادهای استاندارد و مشخص، همچنین تضمین استاندارد بودن و کیفیت کالاهای مورد معامله در بورس.

* برخورداری از چارچوب مقرراتی جامع در حوزه پذیرش، معاملات، ثبت و سپرده‌گذاری و تسویه پایاپای کالاها و اوراق بهادار مبتنی بر کالا.



تفاوت مهم این دو بازار هم در این است که در بازار فیزیکی کالاها مورد معامله قرار می‌گیرند، ولی در بازار مشتقه اوراق مبتنی بر کالا داد و ستد می‌شوند.

بر اساس مفاد ماده ۶ قانون توسعه ابزارهای نوین مالی، ۱۰ درصد از مالیات بر درآمد حاصل از فروش کالاهایی که در بورس‌های کالایی پذیرفته شده‌اند و به فروش می‌رسند، از بخشودگی مالیاتی برخوردارند. همچنین بر اساس مفاد ماده ۱۷ قانون توسعه ابزارهای مالیاتی جدید و بندهای قوانین بودجه سنواتی، خرید و فروش کالاهای پذیرفته‌شده در بورس‌های کالایی که با رعایت مقررات حاکم بر این بورس‌ها مورد داد ستد قرار

بورس انرژی که در اسفند ۱۳۹۱ تشکیل شده، یک بورس کالایی محسوب می‌شود و هدف آن هم ایجاد یک بازار شفاف و کارآمد با قدرت نقدشوندگی و رقابت‌پذیری بالا و همچنین توانایی کشف قیمت منصفانه و انحصارزدایی در بازار معاملات بخش انرژی می‌باشد و انجام معاملات حامل‌های انرژی شامل نفت، گاز و برق را امکان‌پذیر می‌نماید.

همشهری آنلاین گزارش داده‌است که بورس انرژی چهارمین بورس کشور برای عرضه محصولات نفت و مشتقات نفتی، برق، گاز طبیعی، زغال سنگ، حق آلودگی و سایر حامل‌های انرژی است و دارای دو بازار فعال فیزیکی و مشتقه است.

عضو جدید سندیکا

* شرکت آبان آرنا

* مدیرعامل: آقای محمدرضا درویش ورچه‌زاد

* نشانی: تهران - بلوار قیطریه - روبروی پارک قیطریه - جنب بانک ملی - پلاک ۷۷ - طبقه اول - واحد ۲

* کدپستی: ۱۹۳۸۹۳۴۸۵۶

* تلفن: ۲۲۶۷۴۲۷۲

* پست الکترونیک: abancompany.ir@gmail.com

* وب سایت: www.AbanArena.ir

ماشینی که شعر می گوید، نقاشی می کشد و گپ هم می زند!

الکتربیکی سفارش داد. قوی ترین مدل با هر بار شارژ می تواند تا ۶۱۰ کیلومتر حرکت کند و شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعتش هم ۹/۳ ثانیه است.

* درهای «های فای اکس» دستگیره ندارد، بلکه با استفاده از فن آوری تشخیص چهره، سرنشینان را می شناسد و به طور اتوماتیک درها را برای آنها باز می کند. درهای عقبش هم دو تکه است، یعنی بخشی از آن رو به بالا باز می شود تا سوار و پیاده شدن راحت تر باشد.

به گزارش B.B.C این شاسی بلند لوکس فعلاً فقط در بازار چین به خریداران عرضه می شود و قیمت گران ترین مدل آن هم ۷۵۰ هزار یوان (حدود ۱۱۰ هزار دلار) است.

خود دارد و می خواهد با بزرگ ترین خودروسازهای الکتربیکی جهان رقابت کند.

چند ویژگی «های فای اکس» به طور خلاصه بدین شرح است:

* هوش مصنوعی ماشین با ۵۶۲ حس گر بخش های مختلف ماشین و سرنشینان را به طور دائم زیر نظر دارد. این هوش مصنوعی توانایی تصمیم گیری دارد و با توجه به حس و حال سرنشینان، فضای داخل ماشین را تنظیم می کند.

* علاوه بر گرفتن دستوره های صوتی، می تواند با سرنشینان گفتگو کند و توانایی های خلاقانه ای نظیر سرودن شعر، کشیدن نقاشی یا ساخت فیلم هم به آن اضافه شده است.

* ماشین را می توان با یک یا دو موتور

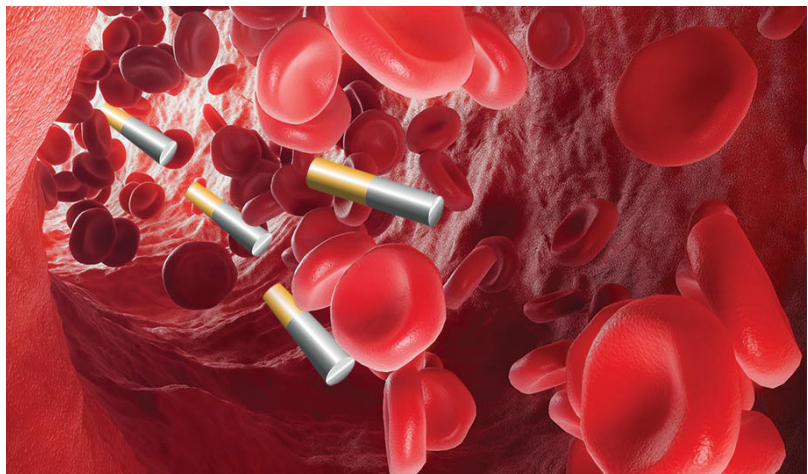


چندی پیش در نمایشگاهی در پکن از ماشین هوشمندی رونمایی شد که با سرنشینان گپ می زند و از آنها یاد می گیرد. این خودروی شاسی بلند که نامش «های فای اکس» (HiPhi X) است، با ترکیب فن آوری های تازه، امکانات ماشین های لوکس و قدرت ماشین های اسپرت را یکجا در

تعامل میکروشناگرها با دستگاه ایمنی بدن

ایمنی بدن انسان بگونه ای تکامل پیدا کرده که هر نوع جسم خارجی و نا آشنا برای بدن را شناسایی می کند و در مقابل آن موضعی حفاظتی و تدافعی می گیرد. بنابراین، هنگامی که سلول های درشت خوار (ماکروفاژ) موجود در دستگاه ایمنی، جسم یا موجود خارجی و مهاجم را شناسایی می کنند، وارد عمل می شوند تا به وسیله فرایندی به نام «بیگانه خواری» (Phagocytosis) آن را از بین ببرند، یا بی اثر کنند. بدیهی است که ریزروبات های مورد بحث برای اینکه دستگاه ایمنی را دور بزنند و باعث برانگیختگی واکنش دستگاه ایمنی نشوند، باید با دقت زیادی طراحی شوند، آنهم به حدی دقیق که ارتباط فیزیکی آنها با سلول های دستگاه ایمنی به حداقل میزان ممکن برسد. همچنین طراحان این روبات ها باید توجه مخصوصی به شکل، ساختمان و ساختار شیمیایی آنها داشته باشند، چرا که این عناصر نقشی کلیدی در تعامل روبات با سلول های دستگاه ایمنی بدن بازی می کنند.

به هر حال، کارشناسان پیش بینی کرده اند که در آینده این روبات ها در امور پزشکی مرتبط با دستگاه ایمنی برای ورود به بدن مورد استفاده قرار خواهند گرفت.



مرکزی یا سیستم عروقی.

بنا به گزارش مؤسسه علمی - پژوهشی مکس پلانک، اگرچه میکروشناگرها به پزشکان و جراحان کمک می کنند تا به بخش های حساس درون بدن دسترسی پیدا کنند، اما استفاده از آنها با خطراتی نیز همراه است. برای مثال، می توانند واکنش های نامطلوبی را در دستگاه ایمنی بدن انسان برانگیزند، چرا که دستگاه ایمنی بدن آنها را به عنوان مهاجم تلقی می کند. لازم به توضیح است که دستگاه

در طول سال های اخیر پژوهشگران دانش روباتیک، روبات های شناگر بسیار کوچک و قابل هدایتی را طراحی کرده اند که به آنها «میکروشناگر» می گویند. این ریزروبات ها توانایی حسگری و حرکتی بسیار پیشرفته ای دارند و همچنان هم در حال پیشرفت هستند. آنها در کاربردهای پزشکی بسیار مفید واقع می شوند، به ویژه برای اعمال روش های درمانی هدفمند کم تهاجمی در نقاطی از بدن که به راحتی قابل دسترس نیستند، مانند دستگاه عصبی

طرح اصلاح قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار



چندی پیش، طرح اصلاح قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار تقدیم هیأت ریسه مجلس شد. به موجب این طرح، حق اعتراض برای تشکل‌های غیردولتی نسبت به بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های جدید فراهم می‌شود و دولت نیز ملزم به رسیدگی به این اعتراضات خواهد بود. بنا به گزارش شبکه خبری ایبنا و اتاق آنلاین، این طرح برای جلوگیری از تولید مصوبه‌های مزاحم، جلوگیری از ایجاد مشکل برای واحدهای تولید کالا و خدمات، حذف نگاه‌های جزیره‌ای به حوزه‌های کاری و عدم صدور مصوبه‌های یک‌طرفه، تهیه شده و در دلایل توجیهی آن آمده است: سختی و نامناسب بودن فضای کسب و کار، نه تنها امکان جذب سرمایه خارجی را فراهم نمی‌کند، بلکه باعث فراری دادن سرمایه‌های داخلی نیز می‌شود. بنابراین، لازم است که نه تنها قوانین و مقررات ایجادکننده مزاحمت برای تولید حذف شوند، بلکه باید از تولید آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و ابلاغیه‌های ایجادکننده مشکل هم اجتناب شود.

بر اساس این طرح یک ماده به عنوان ماده ۳ مکرر به شرح زیر به قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار اضافه می‌شود:

ماده ۳ مکرر: وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، اقتصاد، بهداشت و درمان، راه و شهرسازی، نفت و نیرو و نیز بانک مرکزی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف‌اند پیش‌نویس هر گونه آیین‌نامه، دستورالعمل، بخشنامه و ابلاغیه را قبل از صدور، به مدت یک هفته کاری در سایت خود آگهی عمومی کرده و در اختیار اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعاون، اصناف و خانه صنعت و معدن و تجارت ایران، قرار دهند تا در صورت وجود اعتراض تشکل‌های ذکر شده غیردولتی، نسبت به اصلاح آن به مدت حداکثر دو روز از زمان پایان فرصت اعتراض اقدام نمایند. معترضین هم مکلف‌اند که رونوشت اعتراض خود را برای وزیر اقتصاد ارسال دارند. در صورت عدم پذیرش اعتراض توسط دستگاه صادرکننده پس از دو روز از زمان پایان مهلت

اعتراض، وزیر اقتصاد به عنوان رییس هیأت مقررات‌زدایی، مکلف است ظرف مدت چهار روز نسبت به صدور حکم تأیید، اصلاح و یا لغو مصوبه اقدام نماید. در صورت عدم واکنش مثبت و یا منفی وزیر اقتصاد به شکایت وارده در مهلت مقرر، هر شخص حقیقی و یا حقوقی می‌تواند نسبت به مصوبه موصوف به معاون اول رییس‌جمهور و یا معاون اول قوه قضاییه حسب مورد شکایت کند. معاون اول رییس‌جمهور و یا معاون اول قوه قضاییه نیز حسب مورد مکلف‌اند به محض وصول شکایت، حداکثر به مدت یک هفته نسبت به تعیین تکلیف موضوع اقدام نمایند. خسارت احتمالی ناشی از تأیید مصوبه توسط معاون اول قوه مجریه و یا قضاییه، مسوولیتی را متوجه آن‌ها نخواهد کرد. در صورت عدم رسیدگی به شکایت و ورود خسارت، فرد مقصر دارای مسوولیت مدنی و جبران ضرر و زیان وارده است.

این طرح در پایان متذکر شده است که: مقررات این ماده مانع طرح شکایت در دیوان عدالت اداری بر اساس قوانین مربوطه نخواهد بود.